

ادبیات چین



ترجمہ

دکتر افضل وثوقی

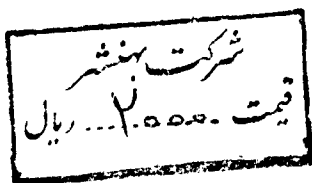
تألیف

اودیل کالٹن مارک

فهرستی از کتابهای «مجموعه چه می دانم» که در مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی زیر چاپ است

ادبیات برزیل	فربهی
ادبیات چین	عقده های روانی
ادبیات معاصر الجزایر	نگرانی واضطراب
ادبیات ژاپن	
ادبیات ایتالیایی	
ادبیات کبک	
ادبیات امریکای اسپانیایی زبان	
تاریخ برزیل	
تاریخ اکتشافها	
تاریخ یونان معاصر	
تاریخ هلند	
تاریخ مکزیک	
تاریخ استعمار فرانسه	
کوبا	
زیمبابوه	
روش تحقیق در جغرافیا	
تاریخ علم جغرافیا	
فضای جغرافیایی	
جنگ جهانی اول	
جنگ جهانی دوم	
سیاهان در ایالات متحده	
انقلاب روسیه	
جاسوسی و ضد جاسوسی	

اودیل کالتن مارک



ادبیات چین

ترجمه:

دکتر افضل وثوقی



مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

۱۷۳

Odile Kaltenmark

LA LITTERATURE CHINOISE

مشخصات:

نام کتاب:	ادبیات چین
مؤلف:	اودیل کالتن مارک
مترجم:	دکتر افضل وثوقی
ویراستار:	محمد رضا مصباحی
ناشر:	مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی - مشهد، صندوق پستی ۹۱۷۳۵/۱۵۷
تیراژ:	۳۰۰۰ نسخه
تاریخ انتشار:	چاپ اول، ۱۳۷۱
امور فنی و چاپ:	مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

حق چاپ محفوظ است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سخن ناشر

اولین کتابی که از مجموعه چه می دانم توسط این مؤسسه به چاپ رسید کتاب «ادبیات نو آفریقائی» تألیف آلموت نوردمن سیلر به ترجمه آقای دکتر افضل وثوقی بود و سپس با توجه به اهمیت مباحث و موضوعات جالبی که در این کتابها توسط نویسندگان میرز و صاحب نظران برجسته هر رشته عنوان شده بود و با توجه به نیاز روز افزون جوانان و دانشجویان به مطالعات منظم، بر آن شدیم که معدودی از این مجسموعه را که شامل مباحث ادبی، فلسفی، تاریخی و اجتماعی می باشد، ترجمه و به چاپ برسانیم. در حین کار متوجه شدیم که در شرکت انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی تصمیم گرفته اند که ۲۵۰۰ عنوان از این مجموعه را به چاپ برسانند لذا با هماهنگی آن شرکت، به ترجمه و چاپ شماری از این مجموعه که فهرست آن در پشت جلد کتاب آمده است، مبادرت می شود.

امید است با کوششی که در ترجمه و ویرایش و چاپ دقیق و نفیس این کتابها به کار می رود نتیجه کار مورد پذیرش و استقبال خوانندگان این مجموعه قرار گیرد و برای همه طبقات سودمند افتد.

مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

فهرست مندرجات

۷	مقدمه
۱۶	فصل اول: از آغاز تا پایان سلسله امپراتوری چهنو.
۱۸	الف) تفکر فلسفی
۱۸	۱ - کنفوسیوس و مکتب وی. کلاسیکها
۳۳	۲ - فلاسفه تائوئیست
۳۷	۳ - مکتب قانون
۴۰	۴ - موتسه نو و مکتب آن
۴۱	۵ - مکتب اسماء
۴۳	۶ - سیاست مردان
۴۳	۷ - التقاطیون
۴۴	۸ - سایر مکاتب
۴۵	ب) شعر. مجموعه «چوتسه»
۴۸	ج) قصه ها. «سیائو شوئو»
۴۹	فصل دوم: سلسله سلاطین «هان».
۴۹	۱ - مسلک کنفوسیوس و فلاسفه. مورخین.

۵۶	۲ - شعر
۵۹	۳ - دوران انتقال، ادبیات کین-نگان
۶۱	فصل سوم: اواخر عصر «هان» تا ظهور سلسله «تانگ».
۶۹	فصل چهارم: سلسله های امپراتوری «سوئی» و «تانگ».
۷۲	۱ - کلاسیکها در عصر «تانگ».
۷۴	۲ - شعر
۸۲	۳ - ادبیات منشور
۸۷	فصل پنجم: دوران امپراتوری «سونگ».
۸۸	۱ - آیین کنفوسیوس
۹۲	۲ - نثرنویسان
۹۳	۳ - شعر
۹۸	۴ - قصه و رمان
۱۰۱	فصل ششم: عصر «یوان» یا دوره مغول.
۱۰۱	تأثر عصر یوان
۱۰۵	فصل هفتم: عصر «مینگ».
۱۰۵	۱ - آیین کنفوسیوس
۱۰۷	۲ - شعر و نثر
۱۰۷	۳ - تأثر عصر «مینگ»
۱۰۹	۴ - رمان
۱۱۳	فصل هشتم: سلسله منچو، «تسینگ».
۱۱۴	۱ - آیین کنفوسیوس و مسأله تحقیق و تتبع.
۱۱۸	۲ - شعر
۱۱۹	۳ - تأثر
۱۲۱	۴ - رمان
۱۲۴	فصل نهم: انقلاب ادبی
۱۳۲	کتابنامه

مقدمه

از آن جایی که غریبها مدت زمان زیادی از توجه به ادبیات چین غافل مانده و هنوز هم در این زمینه در آغاز راهند و با آن که از چند سال پیش فعالیت بیشتری برای شناخت ادبیات چین به چشم می خورد، مع هذا کتبی که به تفصیل به آن پرداخته باشند اندکند و ترجمه های اروپایی آثار ادبی محض چین انگشت شمار. این امر دلایل متعدّد دارد: در وهله اول دشواری زبان چینی است، ثانیاً حجم عظیم آثار قابل مطالعه و ترجمه و بالاخره این که به هر تألیف یا ترجمه مربوط به ادبیات چین باید مقدمه ای جامع و توضیحات و پاورقیهای بی شماری افزود تا درک آن برای خواننده غربی ممکن و آسان شود و این کار تألیف یا ترجمه مورد نظر را مفصل و سنگین می سازد. به همین دلیل است که آثار مربوط به تاریخ، سازمانهای کشوری و هنرهای چین بیش از ادبیات این کشور در دست است و این البته، جای تأسف است. نباید فراموش کرد که امروزه شرایط پژوهش در این زمینه بسیار مساعدتر از گذشته است: کتب مرجع، فرهنگهای لغت و جزوه های کتابشناسی موجود، کار پژوهش را آسان می سازند. کتابخانه های اروپا و آمریکا امروزه سرشار از آثار

و منابعی است که امکان دستیابی به ادب و فرهنگ چین و ژاپن را فراهم می‌سازند و می‌توان پیش‌بینی نمود که بزودی توجه به ادبیات غنی چین روز بروز وسیع‌تر و عمیق‌تر شود.

می‌دانیم که کشور چین از اعصار بسیار کهن، صاحب خط و فرهنگ مکتوب بوده است: قدیم‌ترین نوشته‌هایی که به دست ما رسیده (متونی نقش شده بر لوحهای برنجی، استخوان و یا صدف) مربوط به دو هزار سال قبل از میلاد مسیح است و در آن زمان نیز خط چینی در حد بالایی از تکامل بوده است، حتی برخی از متونی که با الفبای امروزی نوشته شده‌اند بسیار قدیمی هستند. از سوی دیگر، از حدود قرن هشتم قبل از میلاد به این طرف، چین بطور منظم سالنامه‌های تاریخی داشته. پدیده‌ای که در تاریخ تمدن بشری منحصر به فرد است. محتوای این سالنامه‌ها، حداقل در خطوط اصلی آن نمایانگر مراحل از تمدنی کهن است که در طول قرن‌ها توانسته است با سرسختی اصالت و تمامیت خود را حفظ کند. جامعه چین، در طول قرون از جاذبه و اعتباری کم نظیر برخوردار بوده و تفوق خود را بر تمدن و فرهنگ سایر ملل نشان داده است. تفوقی بحق و بجا و بدور از هرگونه اجبار و فشار نظامی: این نکته جالب توجه است که قهرمانان ملت چین در ابتدای تاریخ این کشور کهنسال نه نظامی بوده‌اند و نه حقوقدان و قانونگذار بلکه فقط مرتبی روحانی و حکیم و خردمند بوده‌اند، به همین دلیل است که در این کشور آرام و صلحجو همواره شعر و ادب از نظامیگری بیشتر حرمت و اعتبار داشته است.

در زبان چینی یک واژه واحد یعنی «ون»^۱ هم به معنای خط و نقش است و هم به معنای ادبیات و تمدن و در حقیقت سنت فرهنگی بجا مانده از حکمای گذشته را در لابلای آثار مکتوب باز می‌یابیم. می‌گویند کسانی که نخستین بار اولین نشانه‌های تحریری را اختراع کردند، آنها را از صورتهای فلکی یا جای پای حیوانات بر خاک و شن الهام گرفتند. تجارب طولانی

زندگی روستایی به چینیان آموخت که میان تمدن بشر و نظام طبیعت روابطی نزدیک و صمیمانه وجود دارد. آخرین حکیم بزرگ چینی کنفوسیوس خود را صاحب رسالتی مقدس می دانست و آن این که بتواند، در عصری آشفته این «ون»، این میراث فرهنگی، این گنجینه تمدن و معرفت را به معاصران خود هدیه کند و به اخلاف نیز منتقل نماید، چیزی که جز اصل متافیزیکی همبستگی و اخوت بین انبای بشر نیست. به همین دلیل است که در طول تاریخ چین، هر دانشمند اهل قلمی، در چشم دیگران از حرمت و قداستی عظیم برخوردار بوده و مردمان او را کمتر از شاهان به شمار نمی آوردند و بر همین مبناست که ادیبان نیز برای خود رسالتی والا قایل بودند و سعی می کردند آثاری وزین، رسمی و درمقیاس دانشگاهی از خود به جای بگذارند. ادبیات چین، رویهم رفته ادبیاتی اشرافی و وزین است، از به کار بردن لحن و زبان عوام گریزان است، بیانی سنگین و متین دارد تا به حدی که برخی از منتقدان اغراق کرده و آن را زبانی «مرده» وصف کرده اند، اما واقع امر آن است که این زبان متین، نه زبانی مرده بلکه فقط یک «زبان ادبی» است. سبک این آثار سنتی با سبک و بیان عامیانه، با زبان مردم تفاوت زیاد دارد. استفاده از زبان مردم تا قبل از انقلاب جز برای نوشتن آثار به اصطلاح «سطح پایین» (یعنی داستان و نمایشنامه) مرسوم نبود. زبان نوشتاری که زبانی فشرده تر و از نظر واژگان غنی تر است، بسیاری از ساختهای دستوری زبان گفتاری را به کار نمی گیرد. می دانیم که زبان چینی زبانی «تک هجایی»^۲ است و در شکل مکتوب هر هجا (سیلاب)، یا هر کلمه جز با یک حرف نشان داده نمی شود و این نظام خطی، نظامی پیچیده و مشکل است و طبقه بندی و یادگیری آن نیز بسیار دشوار. مع هذا فرهنگ چین تا کنون به تغییر آن و اقتباس الفبایی آسانتر تن در نداده است. البته این الفبا بدون شک از نظر زیبایی شکل، در سطح بالایی است و هرچند به ظاهر چنین

نمی‌نماید اما به احتمال قوی، نظامی عملی و کارآمد است زیرا می‌بینیم که بعضی از ملل آن را به عنوان نشانه خطی اقتباس می‌کنند. از جمله ژاپن، کره و هند و چین. می‌توان گفت مانع عمده در راه یادگیری زبان چینی، نه الفبای آن بلکه خود زبان، ساختارهای ویژه آن و سبکهای متنوع و متعددی است که در طول زمان و به نسبت انواع ادبی و یا سلیقه‌های فردی نویسندگان تغییر و تحول پذیرفته. زبان چینی زبانی دقیق و با محدوده‌های معنایی مشخص نیست اما در مقابل از امکانات بیانی عظیمی برخوردار است، لذا، آن را نمی‌توان یک ابزار خوب بیان علمی به شمار آورد. زبان چینی برای بیان مفاهیم و ایده‌ها زبانی مقتصد است، به عبارت دیگر، حداکثر معنا را در حداقل کلام می‌گنجاند. می‌توان گفت که این زبان در مقام ترکیب و تلفیق مفاهیم (سنتز) در حد اعلای ظرفیت است و در مقام تجزیه و تحلیل مفاهیم در نهایت ضعف و نقص.

اگرچه زبان مکتوب چینی از نظر ساخت نحوی با زبان گفتاری تفاوت عظیم دارد، مع‌هذا تا حد زیادی وابسته به قواعد تلفظ است. بدین معنی که یک متن ادبی باید به صدای بلند و با رعایت قواعد و آهنگهای گفتاری خوانده شود تا مفهوم گردد زیرا، در زبان چینی آهنگ گفتار است که جای نشانه‌های نقطه گذاری را می‌گیرد. نقطه گذاری به سبک جدید اروپایی، فقط در چاپهای نوین سالهای اخیر به چشم می‌خورد. از طرف دیگر شیوه بیان گفتاری نقش اساسی در آثار شعری دارد اعم از این که به صورت «دکلامه» خوانده شود یا به صورت آواز. لذا شرح شمه‌ای از اختصاصات صوتی (فونتیک) زبان چینی ضرورت دارد:

۱ - خصلت «دمش»^۲ در برخی کلمات که کاملاً متمایزکننده است

مثلاً اختلاف معنایی در دو کلمه tch'e، tché^۱ یا کلمات

3 - Aspiration

۴ - در دو مثال فوق علامت آپوستروف (') بعد از اِیج غیر مصوت اول نماینده یک حالت دمش و نفّسی است که در وسط کلمه شنیده می‌شود.

(Ā) k'ang , kang

- نظام ویژه «لحن»^۵ یا آواز خاصی که در بیان کلمات وجود دارد و به نسبت نواحی مختلف سرزمین چین، تعداد آنها متفاوت است: در پکن چهار لحن مختلف وجود دارد و در کانتون، نه لحن. ترکیب صوت و لحن معنا را کاملاً تغییر می دهد. مثلاً کلمه ما (ma) که مرکب از دو واج است در ترکیب با لحن دوم زبان پکن به معنای «شاهدانه»، با لحن سوم پکن، به معنای «اسب» و با لحن چهارم به معنای «بدگویی» است. این لحنهای گونه گون، بخصوص در شعر اهمیت زیادی دارد و برای نحوه کاربرد آنها قواعد مفصل و دقیقی وضع شده است.

باید اضافه کنیم که اختلاف معنایی کلمات متشابه که ناشی از «دمش» یا «لحن» است، مشکل فهم این زبان را حل نمی کند زیرا در کنار این نوع کلمات، کلمات متعددی هستند از هر نظر متشابه ولی به معانی مختلف. از طرفی در زبان گفتار واژه های مرکب فراوانی (نظیر «رفت و آمد»، «پاپوش» و غیره...) وجود دارد که آن را از زبان مکتوب و ادبی متمایز می سازد. مثلاً اگر برای بیان مفهوم «فکرو اندیشه» در زبان مکتوب واژه «یی»^۶ (در لحن چهارم) کافی است که با یک نشانه نیز نوشته می شود در حالی که، در زبان گفتار باید از کلمه مرکب «بی- سه- تو»^۷ استفاده کرد که هر دو کلمه تشکیل دهنده آن تقریباً مترادف هستند. به همین دلیل و نیز به سبب اختلاف ساخت دستوری، زبان مکتوب، از زبان گفتار موجزتر و منسجم تر است. مع هذا امروزه زبان گفتار بیشتر رواج دارد اما هر جا که مناسب باشد از ترکیبها و واژه های خاص زبان مکتوب نیز، استفاده می شود. ما در این کتاب نتوانسته ایم بجز خطوط اصلی از یک سنت ادبی دو هزار و پانصد ساله چین را ترسیم نمائیم. بدین معنی که جز نامها و جریانهای ادبی عمده هر عصر را نتوانسته ایم توضیح دهیم. از همین شرح مختصر نیز استنباط

می شود که اگر چه ادبیات چین، در مجموع، سنت و جریانی باشکوه ولی یکنواخت می نماید اما به واقع در بطن خویش، جهشها و انقلاباتی بسیار متهورانه و دور از انتظار داشته است، انقلاب و خیزشهایی ناشی از سلطه سنگین سنتهایی که در چین، بیش از هر جای دیگر بر افکار و اذهان ادبا و اندیشمندان سایه افکنده است. در نظام فکری چینیان، و بخصوص در نظام فکری فلسفه کنفوسیوس، ابتکارات و ابداعات فردی پدیده ای وحشتناک و غیر قابل تحمل تلقی می شده است و لذا، آنچه در طول تاریخ هزاران ساله چین آشکار است، فقدان شخصیت های نیرومند است و غالب متفکران جز به تکرار و بازگویی اندیشه های قالبی گذشتگان نپرداخته اند و شاعران نیز، در محدوده مضامین معدودی، بیشتر سرگرم ایجاد تنوع در فرمها و قالبها بوده اند و مثل هنرمندان منبت کار، فقط به تحولی در شکل و قالب دلخوش بوده اند. ادبا جز به کسب مهارت در قالب کلام و ظاهر الفاظ نمی پرداختند و بسیار اندکند کسانی که اندیشه های نوی عرضه کرده باشند. در حقیقت تحول کند ادبیات چین نه در محدوده اندیشه بلکه در قالبها و زیبایی ظاهری کلام بوده است. در جریان این تحول می بینیم که گاهگاهی با فواصل زیاد شیوه های نوینی در نشر و یا اوزان شعری تازه ای به ظهور رسیده اند. ادبای چین عاقبت به یک سلسله سبکهای ویژه با قواعدی کم و بیش سختگیرانه دست یافتند. استفاده آنان از این سبکهای گونه گون را می توان با کار موسیقیدانی مقایسه نمود که برای بیان یک اندیشه و اجرای یک آهنگ از سازهای گونه گون بهره بگیرد. ادیب و شاعر چینی معمولاً سعی می کند که در دوسه نوع ادبی و حتی گاهی تنها در یک نوع و یک سبک مهارت پیدا کند تا بتواند در آن محدوده به حد اعلای ظرافت و استادی برسد. و بهترین و مشهورترین اساتید ادب چین از میان همین متخصصان پدید آمده اند، لاجرم مردم به آنها اقبال کرده و از شنیدن مکرر آثار آنان لذت می برده اند. این سکون و عدم تحرک نسبی تفکر در ادبای چین، خود، راز دوام و استمرار تمدن چین به شمار می آید.

در این جا لازم می دانیم، برای درک بیشتر محتوای کتاب حاضر

تذکراتی در زمینه نامهای خاص، تاریخها، و طبقه بندی رایج ادبیات چین داده شود:
الف- اسمهای خاص چینی: در میان افراد طبقات مرفه چینی، هر شخصی دارای چند اسم است، به شرح زیر:

۱- نام خانوادگی یا سینگ^۸ که معمولاً صورت مکتوب آن یک حرف بیشتر نیست، مثلاً لیو^۹، لی^{۱۰}، کونگ^{۱۱}... گاهی اسم «سینگ» دو کلمه ای است که در آن صورت دو کلمه با یک خط تیره از هم جدا و کلمه دوم با حرف کوچک نوشته می شود، مثلاً سه- ئوما^{۱۲} نگویانگ^{۱۳}.

۲- اسم شخصی خودمانی و خصوصی یا هینگ^{۱۴} که ممکن است با یک یا دو حرف نوشته شود. اسم نام، بعد از نام خانوادگی ذکر می شود و در تحریر با حرف بزرگ نوشته می شود. مثلاً نام شاعر بزرگ عصر تانگ، موسوم به لی- پودر واقع دارای یک اسم خانوادگی (لی) و یک اسم خصوصی (پو) است. نام شاعر دیگر مربوط به همین دوران بوکیو- یی^{۱۵} است که کلمه اول نام خانوادگی. دو کلمه بعدی نام خصوصی و خودمانی شاعر است.

۳- نام شخصی عمومی و اجتماعی (تسه- ئو^{۱۶}) که اکثریت مردم برای خود انتخاب می کردند، به عنوان مثال، نام اجتماعی دو شاعر فوق الذکر به ترتیب (تای- پو^{۱۷}) و (لو- تین^{۱۸}) بوده است.

۴- شاعران و نویسندگان، علاوه بر این نامها، تخلص یا لقبی هم دارند که به زبان چینی هائومی گویند، این لقب یا تخلص غالباً از نام محل زندگی، صومعه محل عبادت و اعتکاف، زندان و غیره... گرفته می شده، مثلاً شاعر و ادیب بزرگ عصر سونگ^{۱۹} به نام سو- شه^{۲۰}، علاوه بر نام عمومی و اجتماعی تسو- چان^{۲۱}، دارای تخلص سوتونگ- پو^{۲۲} بوده و بیشتر با همین تخلص شناخته شده است.

ب- مبدأ تاریخ: از سال ۱۴۰ قبل از میلاد مسیح به بعد، مبدأهای تاریخی

چین را معمولاً نسبت به دورانهای حکومت و استقرار امپراتوران محاسبه می‌کرده‌اند، هرکدام از این دورانها را به زبان چینی یک نین هائو^{۲۳} می‌نامند. گاهی طول دوران حکومت یک امپراتور، یک دوره تاریخی است و گاهی آن را به چند دوره تقسیم می‌کنند. مثلاً دو دوران مشهور امپراتوران مینگ و تسینگ فقط یک دوره تاریخی به شمار آورده شده‌اند. در میان این دورانهای تاریخی، بعضیها، به دلایل مختلف شهرت بیشتری دارند، از جمله:

دوره کای-یوان^{۲۴} (از ۷۱۳ تا ۷۴۱ میلادی)، دوره تین-پائو^{۲۵} (از ۷۴۲ تا ۷۵۵). این دو دوره مربوط به عصر امپراتورتانگ هستند و یا دو دوره تاریخی کانگ-هی^{۲۶} (از ۱۶۶۲ تا ۱۷۲۲) و کین-لونگ^{۲۷} (از ۱۷۳۶ تا ۱۷۹۵) هر دو مربوط به عصر سلطنت امپراتور تسینگ می‌باشند.

ج- طبقه‌بندی ادبیات: دانشمندان چینی، ادبیات کشور خود را به دو صورت طبقه‌بندی کرده‌اند: یک طبقه‌بندی، در هشت گروه و یک طبقه‌بندی در چهار گروه، که امروزه رایج‌تر است. این چهار گروه عبارتند از:

۱- آثار کلاسیک: آثار مکتوب در این زمینه عبارتند از: کتب مربوط به آیین و تعالیم کنفوسیوس، تفاسیر مذهبی، کتب نقد مربوط به همین تعالیم، کتب لغت و ریشه‌شناسی و بررسیهای آواشناسی زبان. این نوع آثار را اصطلاحاً به زبان چینی «کینگ» نیز می‌نامند.

۲- آثار تاریخی: آثار این بخش شامل کتب تاریخ مربوط به سلسله‌های امپراتوران چین و نیز سایر کتب تاریخی در مقولات دیگر، خاطرات رجال و مورخین، شرح حالها، متون سیاسی و فرمانهای عمده تاریخی و نیز آثاری در حوزه جغرافیا، حقوق و مملکت‌داری و سیاست. منابع کتاب‌شناسی و شناخت خطوط و نقوش و کتیبه‌ها را نیز در این بخش می‌گنجانند. این نوع آثار را به زبان چینی «شه»^{۲۸} می‌گویند.

۳- آثار فلسفی و علمی: آثار مکتوب در این زمینه شامل کتب فلسفی و

علمی، کتب منطق که طبیعتاً علاوه بر آثار فلسفی محض، کتب استدلالی و سنگین مذهبی مربوط به تعالیم کنفوسیوس و آثار تائوئیست^{۲۹} هانیز، در این بخش می‌گنجد. لذا آثار مکتوب در زمینه‌های کشاورزی، طب، نجوم، ریاضیات، علم جفر و اسطرلاب، نقاشی و خطاطی نیز جزو آثار این بخش از معارف به شمار می‌آیند. لازم به یادآوری است که از آثار باارزش این بخش باید به دایرة المعارفهای متعدّد اشاره نمود. اهمیت آنها در آن است که اگر چکیده و زبده علوم و معارف اعصار مختلف، در این دائرة المعارفها ضبط و ثبت نشده بود، به احتمال قوی مقدار زیادی از آنها به مرور زمان یا از میان می‌رفت یا به فراموشی سپرده می‌شد. به عنوان تذکار اهمیت این نوع آثار به نمونه‌های زیر اشاره می‌کنیم:

- دائرة المعارف «تای پینگ یولان»^{۳۰} که به دستور امپراتور «تای پینگ» (۹۸۳-۹۷۶ میلادی) تألیف شد.

- دائرة المعارف «یوها»^{۳۱} که در زمان امپراتوری «وانگ یینگ لین»^{۳۲} (۱۲۹۶-۱۲۲۳) تألیف شده.

- بویژه دائرة المعارف عظیم «کو-کین-تو-شوتسی-چنگ»^{۳۳} که به دستور امپراتور «کانگ‌هی»^{۳۴} تدوین شد و در سال ۱۷۲۵ آخرین بخش آن خاتمه یافت. این امپراتور در فاصله سالهای ۱۶۶۲ و ۱۷۲۲ حکومت می‌کرده است. این دائرة المعارف اعجاب‌آور شامل پنج هزار جلد و ده هزار فصل بوده است. در زبان چینی کتب نوع فرهنگ و دایرة المعارف را اصطلاحاً «لی-شو»^{۳۵} می‌نامند.

۴- دوره کلکسیونها و مجموعه‌ها: آثار مکتوب در این زمینه شامل مجموعه‌های تواریخ ادبی، تذکره‌ها، مجموعه‌های شعرو غیره است. این نوع آثار را به زبان چینی، اصطلاحاً «تسه»^{۳۶} می‌نامند.

۲۹ - Taōiste . به پیروان مسلک تائوئیسم اطلاق می‌شود که عبارت است از مجموعه تعالیم حکیم بزرگ «لاؤتسه» که در حدود قرون پنجم یا ششم قبل از میلاد می‌زیسته. بعد از آیین کنفوسیوس، تائوئیسم بزرگترین آیین مذهبی چینهاست.

30- T'aip'ing yu lan. 31 - yu - hai 32 - Wang ying lin 33 - Koukin t'ou chou tsi tch'eng

34 - K'ang hi 35 - Leichou. 36 - Tse

از آغاز تا پایان سلسله امپراتوری چه-تو^۱ (از قرن یازدهم تا سوم پیش از میلاد)

قبل از سلطه امپراتوران چه-تو، گویا دوسلسله از پادشاهان برچین باستان حکومت کرده‌اند که عبارتند از: سلسله «هیا»^۲ و «یین»^۳. اما از آنان تاریخ مدوئی در دست نیست و نام آنان فقط در افسانه‌ها باقی مانده است. در حدود قرن نهم پیش از میلاد، عده‌ای از ملاکین و زمینداران بانفوذ استان حاصلخیز «هو-نان»^۴ متحد شدند و اولین امپراتوری متمرکز چین را تشکیل دادند. اقتدار آنان، در اوایل کار بیشتر مذهبی بود تا سیاسی. تاریخ مدوّن و شناخته شده این دولت مقتدر از اوایل قرن هشتم پیش از میلاد (۷۲۲-) شروع و به اواخر قرن پنجم پیش از میلاد (۴۸۱-) خاتمه می‌یابد: این عصر را در تاریخ چین اصطلاحاً عصر «چوئن تسیو»^۵ می‌نامند. در این عصر، امپراتوران بیشتر هم خود را صرف سرکوبی گروه‌های بی‌شمار یاغیان کردند که درهمه جای چین به تاخت و تاز می‌پرداختند. باموفقیت در سرکوبی قبایل وحشی و یاغیان، بتدریج سلطه امپراتوری چو گسترش و هم از نظر نظامی و هم فکری قوت یافت بخصوص در فاصله سالهای ۴۸۰ و ۲۲۲ قبل از میلاد بود که

امپراتوری چنوبه صورت حکومتی قدرتمند خود را تثبیت نمود که این دوران را به نامهای امپراتوری «تسین»^۶ و بعد امپراتوری «هان»^۷ می شناسند. در این عصر ارزشهای اخلاقی و تعالیم مذهبی رهبران پیشین مورد تجدید نظر و بازنگری قرار گرفت و افکار و عقاید نوینی ظهور کردند. حاصل این تحوّل پدید آمدن تغییرات عمده ای در مبانی سیاسی و اجتماعی بود. اخلاق عصر فئودالیسم بکلی واژگون شد و دورانی از آزادی فکر و عقیده، برای تمام طبقات جامعه آغاز شد. در فضای آزاد پدید آمده فرقه ها و مکاتب بی شماری که غالباً رقیب یکدیگر به شمار می آمدند بوجود آمد. هر کدام از این مکاتب و فرقه های عقیدتی تلاش می کردند برای کسب قدرت، با تدوین و تنظیم مبانی فکری خود، فرضیه ها و تعالیمی را تبلیغ و نظر شاهزادگان و مراکز قدرت را به سوی خود جلب کنند. در تاریخچه اولین سلسله سلاطین هان تحت عنوان «تسی ین هان شو»^۸ به فهرستی از آثار ادبی برمی خوریم که در قرن اوّل پیش از میلاد تنظیم شده است. ادبیات آن عصر را. بر طبق فهرست موجود به شش بخش طبقه بندی کرده اند:

- کتب کلاسیک (یا آثار دینی) با عنوان «کینگ»

- کتب فلسفی.

- شعر

- کتب مربوط به فنون نظامی

- فنون مختلف

- طب و بهداشت.

بخش کتب فلسفی، خود به ۹ مکتب گوناگون تقسیم می شود به شرح زیر:

۱ - مکتب ادبای پیرو کنفوسیوس.

۲ - مکتب تائوئیست ها

۳ - مکتب «یین»^۹ و «یانگ»^{۱۰}

۴ - مکتب «قوانین»

۵ - مکتب «اسماء»

۶ - مکتب «موتسه - ثو»^{۱۱}

۷ - مکتب «سیاستمداران»

۸ - مکتب «التقاطیون»

۹ - مکتب «کشاورزی»

در این بخش اخیر از گروه «قصه گویان» هم یاد می شود و مؤلف این نکته را نیز تذکر می دهد که قصه گویان و داستان نویسان می بایست در گروه مجزایی معرفی می شدند.

اگرچه بخش عظیمی از ادبیات ما قبل «هان» از نظر ارزش ادبی چندان قابل اعتنا نیستند اما از نظر اهمیت آن برای شناخت ادبیات چین به یکایک این مکتبها بطور اجمال اشاره می کنیم.

الف - تفکر فلسفی

۱ - کنفوسیوس و مکتب وی. کلاسیکها

در میان مکاتب متعددی که در پایان عصر «چوان تسیو»^{۱۲} آن مکتبی که در اطراف کنفوسیوس شکل گرفت، در شاهزاده نشین کوچک «لو»^{۱۳} (واقع در ایالت فعلی «چان تونگ»^{۱۴})، بیشتر نجبا و اشراف محلی را که از نظر رویدادهای سیاسی خود را در معرض خطر می دیدند، به سوی خود جلب نمود. خود کنفوسیوس (تولد ۵۵۱ - وفات ۴۷۹ پیش از میلاد) از طبقه اشراف بود و شجره نامه وی به پادشاهان سلسله «یین» می رسد.

کنفوسیوس در شهر کوچک «تسه - ثو»^{۱۵} در استان «لو» به دنیا آمد. این فیلسوف، ولایات متعددی را زیر پا گذاشت ولی بعد از این که نتوانست شاهزاده ای روشنفکر و فرزانه که به پندها و نصایح وی گوش فرا دهد پیدا کند، ناگزیر به زادگاه خود برگشت و مکتب فلسفی خود را بنیاد نهاد و تا آخر عمر به تدریس اشتغال

داشت. کنفوسیوس زندگی بدور از هر حادثه و هیجانی را گذراند و به ندرت خوارق عادات از وی نقل شده است. همه اعتبار این فیلسوف مربوط به آموزشی فلسفی است که به تعداد اندک پیروانش ارزانی داشت. متأسفانه ما اطلاع چندانی از این آموخته‌ها نداریم و حتی نمی‌دانیم حاصل کار او روی نسل‌های اول شاگردانش چه اندازه اهمیت داشته. تنها مطالب قابل اعتمادی که از وی به جا مانده همان کتاب مشهور وی تحت عنوان «لوئن-یو»^{۱۶} (به معنی مکالمات) است. و نیز اطلاع نداریم که این کتاب چگونه فراهم آمده است. ولی قراین نشان می‌دهد که تعلیمات وی در حول محور «هنر نجیبانه زیستن» بوده، تعلیماتی که منحصرأً به صورت شفاهی و عملی داده می‌شد. کنفوسیوس سعی کرد اخلاق نوینی بیاموزد که در آن «صداقت و درستی» و «تلاش فردی» دو اصل اساسی به شمار می‌آمدند. وی تلاش می‌کرد با دمیدن روح نوینی در آداب و رسوم عصر خود آنها را از نابودی نجات دهد. اما بزودی آشکار شد که مکتب وی، نظام فکری تنگ نظرانه و محافظه کارانه ای است. زیرا سعی دارد به هر تمهیدی هست امتیازات و ایدآل‌های طبقه اشراف را حفظ کند. این شیوه تفکر، در ابتدا نزدیک بود سر او را بر باد دهد مع هذا چنان رسوخی یافت که توانست مدت دوهزار سال بر اذهان نسل‌های بی شمار مسلط گردد.

کنفوسیوس هیچ اثری ننوشت. اواز هر نوع ابتکار شخصی و نوآوری ابا داشت و جز به انتقال و آموزش دست آوردهای حکما و متفکران گذشته نمی‌اندیشید. گویا وی برخی از رساله‌های گذشتگان را تعلیم می‌داده است اما سوابق آنها در تاریخ روشن نیست. این آثار را اصطلاحاً «کلاسیک» ها یا «کینگ» می‌نامند. ما در این جا به این نوع آثار کلاسیک اشاره می‌کنیم. هر چند بعضی آثار متأخر را هم کلاسیک نامیده‌اند.

اصطلاحاً چنینها آثار کلاسیک یا آثار دینی را «کینگ» می‌نامند و آن به محدود آثاری اطلاق می‌شود که تعداد آنها، در اعصار مختلف متفاوت بوده است: از پنج اثر تا سیزده اثر. این کتابها در ابتدا مبنای آموزش فلسفه و مشی کنفوسیوس بوده و

پس از آن که، مذهب کنفوسیوس به صورت مذهب رسمی درآمد، در مدارس سلطنتی همچنان آموزش داده می شد. این آثار، حتی تا این اواخر جنبه تقدس و اعتبار مذهبی خود را حفظ کرده بودند، نه بدین معنی که محتوای آنها را حاصل وحی و نازل شده از آسمان بدانند بلکه بدان سبب که «چین» همه اعتبار و آبروی هزاران ساله خود را در این نوشته ها می دید و آنها را چکیده تمدن خود می انگاشت. کشور چین بخش اعظم هویت خود را در این نظام فکری- فلسفی می دید. مصائبی که بعدها، یعنی در قرون اخیر دامنگیر چین شد عمده ناشی از برخورد سماجت آمیز آن نظام فکری با مقتضیات نوین و آرمانهای نسلهای نوبوده است.

از قرن دوم پیش از میلاد به بعد، آشنایی با کلاسیکها شرط راهیابی به مشاغل دولتی بود و کسی که از این آشنایی بی بهره بود، به عنوان آدم باسواد شناخته نمی شد. بنابراین در امپراتوری چین، قرنهای متمادی یک آدم «باسواد» در آن واحد هم مأمور دولت بود، هم قاضی و هم مقام روحانی داشت. کسی از چنین موقعیتی برخوردار بود، درواقع کسی بود که دانش و خرد خود را از این آثار دینی به دست آورده بود و از عهده امتحانات سختی، برای اثبات این مدعا برآمده بود. کلاسیکها محتوی سنت و میراث مقدسینی بود که از قدیم ترین ایام، نسل به نسل منتقل و آموخته می شد و کنفوسیوس به جمع آوری و تدوین آن اقدام کرده بود و خود به عنوان یکی از این مقدسین، آن میراث را به دیگران می آموخت و پاسداری می نمود. لذا، این مجموعه فلسفی- فکری را می توان نوعی آثار وحی نامید. نه وحی از جانب پروردگار بلکه آموزشی بی واسطه از جانب حکما. مجموع آموزشهای کلاسیک، دانشی کامل و لازم برای پرورش انسان کنفوسیوسی به شمار می آمد که، انسانی شریف و نجیب که از هر نوع عمل لغو و کار مبتذل رویگردان است و جز به فرهنگ انسانی نمی اندیشد. کتابهای مشهور به «کلاسیک» در طول قرون متمادی هم به عنوان کتب درسی و هم به عنوان کتب اخلاق و رساله های عملیه مورد استفاده قرار می گرفته اند: چنین بود که مردمان می بایست این کتابها را بخوانند و به دستورهای آن عمل کنند تا فرق انسان متمدن و با فرهنگ را از حیوان و انسان وحشی بدانند و راه درست را انتخاب کنند. متون زیبای این کتابها را می بایست به خاطر سپرد و از آنها به عنوان سرمشق و

عبرت تاریخی بهره گرفت. در متون ادبیات با اشاره به این متون، آموزش آن را استمرار بیشتر می بخشیدند. چه کسی به خود اجازه می داد که لحظه ای در واقعیات بیان شده در این متون تردید روا دارد؟ همگان معتقد بودند که کشور چین، در عصر حکومت قدیسین باستان (یاثو^{۱۷}، شوئن^{۱۸}، و «یو»^{۱۹} ی کبیر) بهشت موعود بوده است. این متون به خواننده می قبولاند که پهلوانان پاک و باتقوای اعصار باستان بدون آن که مجازاتی اعمال کنند، مملکت را در صلح و آسایش اداره می کردند و تنها حضور آنان در محاکم و دادرسها، حق را استیفا می نمود همچنان که این اعتقاد را قوت می بخشیدند که صرف داشتن یک کتاب کلاسیک در خانه، یا از برخواندن یک قطعه از آن کافی بود که شیاطین و ارواح خبیثه متواری شوند. این نکته را هم باید افزود که کتب کلاسیک گاهی به عنوان متون حقوقی به قضات کمک می کردند که خلأهای ناشی از نبود قوانین مدون را برطرف نماید.

تأثیر کتب کلاسیک چینی در طول دوهزار سال بر فرهنگ این کشور، نکته شایان ذکر است زیرا محتوای این آثار، بدون آن که جبر و فشاری از ناحیه کلیسا یا قانون اعمال شود، در تمام طول تاریخ چین بر توده های بی شمار مسلط بوده به گونه ای که افکار و خلیقات آنان را در قالبهای ثابت و یکنواختی نگاه می داشته و شاید هم همین سلطه مستمر موجب شده که در طول دهها قرن فرهنگ چین توانست در مقابل تندباد حوادث و پست و بلند تاریخ خویشتن را حفظ کند.

کلاسیکهای عمده شامل پنج اثر و نیز مجموعه ای چهارگانه به نام «کتب اربعه» است. پنج اثر کلاسیک عبارتند از: شوکینگ^{۲۰}، شه کینگ^{۲۱}، یی کینگ^{۲۲}، چوئن تسی یه^{۲۳} و لی کی^{۲۴}. و کتب اربعه عبارتند از: لوئن یو^{۲۵} چونگ یونگ^{۲۶} تاهو^{۲۷} و مونگ تسه^{۲۸}. این کتابها توسط یک کشیش فرانسوی به نام کوورور^{۲۹} به زبان فرانسه و توسط یک کشیش انگلیسی به نام له گه^{۳۰} به زبان انگلیسی ترجمه شده است.

17- Yao 18- Chouen 19- Yu 20- Chou king 21- Che king 22- Yiking

23- Tch'ouen ts'ieou 24- Liki 25- Louen yu 26- Tchong yong 27- Tahio

28- Mong tseu 29- Couvreur 30- Legge

اما از زمان امپراتوری سونگ^{۳۱} مجموعه کامل آثار کلاسیک همراه با شرح و تفاسیر مفصل، تحت عنوان شاه سان کینگ چوشو^{۳۲} به چاپ رسید که ذیلاً به معرفی اجمالی آنها می پردازیم.

۱ - کتاب «بی کینگ» (کتاب جداول نامها) که کتابی است مربوط به امر پیشگویی شامل ۶۴ جدول شش خطی^{۳۳} هر جدول در واقع عبارت است از شش خط که روی هم سوار هستند، بعضی از این خطوط پُراند و بعضی مقطع. این جدولهای شش خطی، هر کدام جداگانه به هشت جدول سه خطی منتهی می شوند.

گویا این جدولها توسط پادشاهان افسانه ای چین و بر اثر نوعی وحی یا معجزه تنظیم شده هم این جداول و هم روشهای پیشگویی از روی آنها به زمانهای بسیار قدیم برمی گردند.

هر جدول شش خطی نامی دارد و همراه با یک متن کوتاه به نام «توان»^{۳۴} است. در این متن توضیحاتی درباره جدول داده شده است. در متن دیگری که به آن «یاو»^{۳۵} می گویند و مکمل متن اول محسوب می شود. تفسیر سطر به سطر برای هر کدام از ارقام و نقوش داده شده است. این (متنها و جدولها) که بین قرن دهم و هشتم قبل از میلاد مسیح تدوین شده جمعاً دستورالعمل پیشگویی پادشاهان «چه تو»^{۳۶} بوده است، به همین دلیل است که برخی تدوین و تألیف آن را به شاه «ون» و دوک «چه تو» نسبت داده اند که دو نفر از حکمرایان مقدس و متقی این سلسله بوده اند. چون این متون بسیار گنگ و مبهم بوده اند تفاسیر زیادی درباره آنها نوشته شده است و پیشگویان مختلف سعی کرده اند از مجموعه آنها یک فرضیه برای امر پیشگویی استخراج کنند و همین کار موجب شد که متون بسیار موجز و با سبک نوینی قدم به عرصه وجود بگذارد. بعدها ملحقاتی به این کتاب افزوده شد که برخی آنها را به کنفوسیوس نسبت می دهند، به مرور زمان این ملحقات با خود متن آمیخته شد و مجموع کتاب همچنان به صورت یک اثر گسیخته و مبهم باقی ماند.

ابهام موجود در کتاب «بی کینگ» موجب برانگیختن قدرت تخیل چینیان قدیم

31 - Song 32 - Che san king tchou chou 33 - Hexagramme 34 - T'ouan. 35 - Yao.

36 - Tcheou

شد و می‌گویند که کنفوسیوس تا اواخر عمر نیز حرمت و تقدس فوق‌العاده‌ای برای این کتاب قایل بود و تنها در عصر «یونگ» (قرون ۹ و ۸ قبل از میلاد) بود که فلاسفه توجه عمیق به آن کردند و آن را مبنای همه تفکرات الهی و آسمانی خود قرار دادند.

۲ - کتاب «شوکنگ» یا «شانگ‌شو» (کتاب تاریخ) مجموعه اسناد و مدارکی است مربوط به زمانهای مختلف که جدیدترین آنها به سال ۶۲۵ قبل از میلاد می‌رسد حال آن که قدیمترین آنها مربوط به قرن ۱۱ پیش از میلاد است. گویا این کتاب شامل صد فصل بوده است و بطور کامل در اختیار کنفوسیوس بوده است اما امروزه ۵۸ فصل از آن برجا مانده که بدون شک فقط نیمی از آن را می‌توان اصیل و دست نخورده به شمار آورد. این فصلها به دستوریکی از سلاطین چین به نام «تسین‌شه»^{۳۷} گردآوری شد و با حروف الفبای مخصوص عصر «هان» بازنویسی شد. بیست و پنج فصل این کتاب که به نام متون قدیمه شناخته می‌شوند در واقع توسط نویسنده‌ای دغل و جاعل در قرن چهارم بعد از میلاد، تدوین شد.

این کتاب شامل قسمتهای مختلف است از جمله: سخنرانیها، فرمانها و تقدیرهایی که توسط پادشاه و یا صاحب‌منصب عالی رتبه‌ای ایراد شده است. نویسندگان این متون معمولاً افراد گمنامی بوده‌اند که افکار و عقاید سیاسی، اخلاقی و مذهبی خود را در قالب این نوشته‌ها ابراز کرده‌اند. بعضی قسمتها نیز مشتمل بر افسانه‌ها و اسطوره‌هایی است که نویسندگان، ضمن نقل آنها سعی در توجیه و تفسیر آنها نموده‌اند.

بخشی از متون «شوکنگ» عبارت است از گفتارهای صحنه‌ای که معمولاً در مراسم قربانی، در زمان پادشاهان «چه-نو» خوانده می‌شده است. در این بخش علاوه بر گفتاری که قهرمانان می‌بایست بر زبان آورند، حرکات نمایشی آنها هم بدقت توصیف شده است. متأسفانه از این نوع متون، در نسخه‌های اصیل اثر فقط یک فصل موجود است اما با توجه به نقل قولهای مندرج در سایر کتب باستانی، بعدها متون بیشتری از این نوع، توسط محققین بازسازی شد.

۳ - کتاب «شه کینگ» (یا کتاب شعر) مجموعه ای است شامل سیصد نمایشنامه منظوم، سرودهای عاشقانه و یا ادعیه مذهبی که توسط کنفوسیوس انتخاب و تدوین شده است. به آسانی نمی توان تاریخی برای این سرودها که توسط عوام ساخته شده است تعیین نمود، اما تاریخ سرودن اشعار و ادعیه مذهبی و نمایشنامه های منظوم نزدیک به هم است.

نسخه کنونی کتاب که به نام نسخه هائو شهرت دارد، همراه با تفاسیر مربوطه در اواسط قرن دوم پیش از میلاد تدوین شده است.

سیصد نمایشنامه موجود در این کتاب را به چهار بخش تقسیم کرده اند: بخش اول تحت عنوان «کونفونگ»^{۳۸} (ترانه های سلاطین). مجموعه ترانه های عامیانه ای است که به نسبت منشأ و موطن آنها دسته بندی شده است. مشهور است که امپراتور آن عصر اهتمام داشت تا ترانه ها و اشعار عامیانه نقاط مختلف کشور را جمع آوری کند تا از طریق شناختن آنها به آداب و رسوم و وضع زندگی مردم نقاط مختلف کشور خود پی ببرد، بطور قطع برای آن که زبان و شیوه نگارش این ترانه ها یکنواخت بشود. بعداً دستکاری شده اند. زیرا از آن جایی که منشأ آنها نواحی مختلف بوده، مسلماً متون گوناگونی بوده اند که بعداً توسط یک ناشر یا مؤلف تقریباً یکدست شده اند. در این ترانه ها عواطف و احساسات مردم. بخصوص زنان و مردان روستایی منعکس شده. اشعار آنها، همانها هستند که در مراسم مختلف زندگی روستایی، و در جشنها، دلدادگان جوان برای یکدیگر می سروده اند، اشعاری ساده و پراحساس. - ترجمه فرانسوی این سروده ها توسط «مارسل گرانه»^{۳۹} انجام گرفته. - در این اشعار ساده روستایی «مسائل شعری از قبیل همخوانی قوافی، قرینه سازی، توازی مصوتها تکرار هجاها و غیره مراعات شده است اما کیفیت انشایی آنها نشان می دهد که غالباً بدیهه سازی بوده و آشکار است که مؤلف معینی نداشته و بیان عواطف و نفسانیات یا ایدآل های فرد معینی نیست و دقیقاً به خاطر همین امتیاز است که ما امروزه با مراجعه به این آثار با برخی از جلوه های زندگی روستاییان چین باستان آشنا می شویم.

روستایانی که روال زندگی خود را بر مبنای نظم فصول سال، کار انسانها در مزارع، انزوای شبانه در کلبه‌های ساده روستایی، صنایع ساده و ابتدایی بافندگی، جشنهای جوانان، مراسم سالیانه برداشت خرمن در پاییز، جشن حلول بهار و شروع بیداری طبیعت و زمین... سامان می‌داده‌اند. از اشعار عاشقانه این مجموعه چنین برمی‌آید که غالب آنها بدیهه‌سازیهایی دختران و پسران جوانی است که در فرصت گردهم‌آیی جشنهای بهاری در معابد و مکانهای مقدس، در کنار هم قرار می‌گرفتند. نظیر این جشنها، امروزه نیز در میان بسیاری از توده‌های مردم هند و چین رواج دارد.

آوازاها معمولاً از دو یا سه بند چهار یا شش‌بیتی تشکیل می‌شود. بجز در موارد بسیار نادر همه بندها به یکدیگر شباهت دارند. اگرچه گاهی برخی ترکیبات پیچیده در آنها به چشم می‌خورد اما تکرار مصرعها و برگردانها بروشنی منشأ عامیانه این هنر را نشان می‌دهد. این شعر روستایی، بعدها، در دوران اشرافیت فئودالی موجب ایجاد نوعی شعر درباری شد که هر چند اندکی پخته‌تر جلوه می‌کند، از همان مضامین بهره می‌گیرد. در میان آثار شعری دوران فئودالیسم نمایشنامه‌های روز، قطعات طنز و مدایحی به چشم می‌خورد که منشأ و انگیزه خلق آنها روشن نیست. اما در طول تاریخ چین همواره آوازهای قدیمی در دربارها رواج داشته اما لحن آنها را مختصری تغییر می‌داده و نوسازی می‌نموده‌اند و به احتمال قوی بار سیاسی، اخلاقی یا تاریخی این آثار ناشی از تأثیر دربارها و محافل حکومتی بوده است که بناچار به اصالت آنها صدمه رسانیده است. در سایه هوشیاری و اهتمام فیلسوف و متفکر بزرگ «چوهی»^{۴۰} در قرن یازدهم میلادی بود که سوابق این آثار بازنگری دقیق شد و توانست با حذف تأثیرات ادیبان و روشنفکران گذشته اصالت خود را بازیابد.

سه بخش انتهایی مجموعه «شه‌کینگ» (با عناوین «سیائو یا»^{۴۱} «تایا»^{۴۲} و «سونگ»^{۴۳}) منحصر به اشعار مذهبی است. قدیم‌ترین این اشعار همراه با رقص و موسیقی در مراسم قربانی نیاکان سلاطین سلسله «چه‌ئو» خوانده می‌شده است. می‌گویند این اشعار توسط بنیانگذاران این سلسله، یعنی «ون» و «دوک چه-ئو»

سروده شده است اما در واقع تاریخ سرودن این اشعار مذهبی به قرن نهم میلادی برمی گردد. در این قرن اشعار زیادی با مضامین گوناگون سروده شده است از جمله: مدیحه، افسانه های پهلوانی، شجره نامه بزرگان، اعطای منصبها و نشانهای افتخار، تأسیس شهرها. در کنار اینها اشعار آئینی مربوط به مراسم مذهبی و جشنها و برداشت خرمن از این عصر برجای مانده است. ابیات این اشعار معمولاً در بُرشهای منظم، هربیت در چهار کلمه ولی با قوافی متغیر (حتی در طول یک قطعه چندبندی) سروده شده اند.

۴ - کتاب «چونن تسه یو»^{۱۱} (یا سالنامه). در واقع معنای تحت اللفظی عنوان کتاب عبارت است از «بهارها و پائیزها» که سرگذشت و تاریخچه ساده و بی پیرایه ولایت کوچک «لو» زادگاه کنفوسیوس است که وقایع سالهای ۷۲۲ تا ۴۸۱ قبل از میلاد را دربرمی گیرد. نویسنده این کتاب را خود کنفوسیوس می دانند. اگرچه این کتاب منحصرأً برای ذکر تاریخچه ولایت «لو» نوشته شده اما به اقتضای روابط سیاسی این ولایت با سایر نقاط امپراتوری، از وقایع حادث شده در جاهای دیگر نیز سخن به میان آمده است. وقایع نگارانی که در تحریر این کتاب سهیم بوده اند غالباً افراد مذهبی بوده و بیشتر به درج وقایع و حوادثی پرداخته اند که به نحوی از انحاء تحت تأثیر و نفوذ موجودات مقدس روی داده است و حاصل کار آنها برای اطلاع سایر حاکم نشینها ارسال می شده است. مورخین معتقدند که کنفوسیوس این مجموعه تاریخی را در زمان خود بازنویسی کرده و نظر و قضاوت خود را نیز به آنها افزوده است. بدین ترتیب کتاب «سالنامه» منبعی برای شناخت و توجیه شخصیتها و حوادث تاریخ گذشته به شمار می رود. این کتاب از آن نظر که اولین تاریخ مدون کشور چین به شمار می رود (یا لا اقل تنها تاریخی است که به دست ما رسیده) در نظر چینیان همواره از اعتبار و حرمتی خاص برخوردار بوده است. هر چند که در واقع اثر چندان قابل اعتنائی نیست و از نظر سبک و انشا اثری مغشوش و غیر قابل فهم می باشد بطوری که تا کنون برای تفهیم و روشن کردن نکات تاریک بی شمار آن، سه شرح

جداگانه نوشته شده است و هر سه شرح جزو آثار کلاسیک نام برده می شوند که دوتای آنها مربوط به قرن سوم پیش از میلاد می باشند. در این دو شرح است که می توان جریانهای فکری مکتب کنفوسیوس را یافت. اما شرح سوم- که تنها تفسیر و شرح ساده متون اولیه نیست- یک مجموعه کامل از تاریخ عمومی سرزمین چین است و از آن جایی که در ضمن آن مطالب گوناگون دیگر از قبیل داستان، خطابه، پیشگوییها و ستاره شناسی آمده است برای درک تاریخ چین اهمیت بسزا دارد. نویسندگان این شرحها شناخته شده نیستند و حدسهای مختلفی زده می شود مثلاً، یکی از نویسندگان آن را شخصی به نام «لیوهین»^{۴۵} (متوفی به سال ۲۲ میلادی) دانسته اند. مسلم است که نویسندگان این سه شرح نه مورخ بلکه داستان سرا و عالم اخلاق بوده اند زیرا آنان به شرح وقایع تاریخی اکتفا نمی کرده اند و در هر فرصتی با آوردن داستانهای پندآموز به خواننده درس ادب و اخلاق می داده اند، زیرا معتقدند که تاریخها منحصرأ باید برای پندآموزی و عبرت نوشته شوند. در عین حال ارزش این آثار از نظر بار فرهنگ عامیانه و بیان آداب و رسوم و روان شناسی توده های مردم و همچنین از نظر سبک و انشا و نثر داستانی، کاملاً قابل اعتنا است.

رسالاتی که در زمینه امور عبادی و مراسم مذهبی نوشته شده است، یکی از منابع اطلاعاتی عمده درباره تمدن چین به شمار می آید، بخصوص آثاری که درباره نحوه اجرای عبادات نوشته شده است درباره خود عبادات و احکام مربوط به آن، معمولاً این آیینهای عبادی، اعمال و حرکاتی هستند که اراده را در انسانها تقویت می کند و به آنها تسلط بر نفس می آموزد. این آئینها باید بر طبق قواعد سنتی قراردادی عمل شوند تا تأثیر خویش را برجای گذارند. در چین، مراسم عزاداری در واقع زبان گویایی است برای بیان درد. وقتی احساسات انسانی نظام یافت، به سوی تزکیه روی می کند، روح به تعادل و آرامش می رسد و این بزرگترین نعمتی است که چه به فرد و به جامعه ارزانی شده است. به عبارت دیگر آیینهای عبادی مجموعه قواعد و اعمالی هستند که به انسان امکان می دهد تا خود را با نظام طبیعت در هماهنگی و

اعتدال سازگار بیابد. در این آیینها، نه فقط اعمال دینی و توجّهات روحانی بلکه راه و رسم ادب و معاشرت نیز نهفته است. بخصوص اعمال ویژه شاهان و بزرگان از اهمیت خاص برخوردار است چون، آنها اداره کنندگان مملکت و اجتماع اند. به اعتقاد چینیان، از آنجایی که رابطه مستقیم و محکمی بین جهان صغیر (انسان) و جهان کبیر (طبیعت) وجود دارد و از طرفی سلطان، در مقام ستی خود، رابط بین زمین و آسمان به شمار می آید، اگر از وی خطا یا قصوری صادر شود، نظام طبیعت درهم می ریزد، به همین دلیل است که در مدنیت چین، شیوه زندگی شاهان و بطور کلی بزرگان و نجبا، باید بر طبق قواعد و رسوم خاص خود جریان یابد و هیچ جزئی از آن مورد غفلت واقع نشود.

تمدن چین باستان، سه رساله در این مقوله برای ما برجای گذاشته که عبارتند از: چه ئولی^{۴۶}، یی لی^{۴۷}، لی کی^{۴۸}.

- چه ئولی، یا مراسم عبادی چه ئو کتابی است در زمینه مملکت داری، برای تنظیم و اداره تمام امپراتوری. تاریخ تألیف این اثر به حدود قرون سوم و چهارم قبل از میلاد می رسد. نظام حکومتی که در این کتاب معرفی شده نظامی آرمانی و خیالی است که هیچ گاه همه جوانب آن در عالم واقع تحقق نیافت. نوعی حکومت که باید تمام جزئیات آن بر مبنای دانایی و خرد استوار باشد. بدیهی است که مؤلفین همه مسائل طرح شده در این اثر را، ابتدا به ساکن نیاورده اند بلکه وامدار گذشتگان نیز می باشند. در هر حال، برای درک نظام اداری و حکومتی چین باستان مطالعه این اثر الزامی است.

- یی لی، کتابی است درباره مراسم ویژه نجبا و بزرگان. مراسمی در زمینه ازدواج، تدفین مردگان و مراسم ترحیم و غیره...

- لی کی، برخلاف دو اثر فوق، نه مجموعه آیینها و مراسم بلکه شرح و تفسیر آیینهایی است که در متون مختلف ثبت بوده و تاریخ تألیف بخشهای مختلف آن متفاوت است (از قرن ششم پیش از میلاد تا قرن اول پیش از میلاد) هر چند که این

مجموعه مشتمل بر متون بسیار کهن است اما تاریخ تألیف آن نسبتاً جدیدتر است: در قرن اول پیش از میلاد ادیب دانشمندی، به نام «تای تو»^{۴۹} مجموعه‌ای از ۸۵ رساله دربارهٔ آداب و رسوم کهن نوشت و به آن عنوان «تاتای لی کی»^{۵۰} (به معنای خاطرات تای ارشد) داد. این مجموعه که به دست ما رسیده شامل متون بسیار جالبی است مثلاً یک تقویم قدیمی به نام تقویم کوچک هیا^{۵۱} که به زبان چینی می‌شود «هیا سیائو چنگ»^{۵۲} پسر همین مؤلف به نام «تای چنگ»^{۵۳}، ۴۶ رساله از این مجموعه را در مجلد کوچکتري گردآوری کرد و عنوان «خاطرات رسوم و آیینهای تای جوان» برای آن برگزید. عنوان چینی اثر «سیائو تای لی کی»^{۵۴} است.

بخشهای مختلف این کتاب پر از یادداشتها و پانویسهایی دربارهٔ آداب معاشرت، مراسم تدفین و عزاداری، شیوهٔ رفتار با والدین، مراسم مذهبی در جشنها و قربانیه‌ها است. یک فصل از آن تحت عنوان «یوئه لینگ»^{۵۵} (احکام روزهای ماه) از نظر اطلاعات تقویمی اهمیت بسزا دارد. نظیر این تقویم در دو اثر دیگر باستانی نیز دیده می‌شود. در این تقویم همهٔ امور ممنوع و مباح برای هر روز ماه تصریح شده است. همچنین روابط انسان و جهان و میزان احتمال وقوع حوادثی در هر ماه ذکر شده است، فصلی تحت عنوان «یوکی»^{۵۶} (ملاحظات دربارۀ موسیقی) تنها اثری است که از گذشتهٔ دور دربارهٔ موسیقی برجای مانده است و لازم به یادآوری است که موسیقی، جزء جدایی ناپذیر و مکمل همهٔ مراسم کهن بوده است. موسیقی در ایجاد روحیهٔ اتحاد و پیوند افراد و تهییج آنها نقش اساسی داشته است. بالاخره در زمان حکومت سلاطین «سونگ»^{۵۷} از مجموعه «لی کی» دو رساله اقتباس شد که بعدها به صورت دو کتاب از «کتب اربعه» درآمدند. این دو کتاب عبارتند از: «تاهو»^{۵۸} و «چونگ یونگ»^{۵۹}

«کتب اربعه» فقط شامل متون بعد از عصر کنفوسیوس است و مضامین آن خارج از مکتب وی. اما می‌توان گفت کمابیش چکیدهٔ تعالیم کنفوسیوس است.

49 - Tai Tō 50 - Ta Tai li ki 51 - Hia 52 - Hia siao tcheng

53 - Tai cheng 54 - Siao Tai li ki 55 - Yue ling

56 - Yo ki 57 - Song 58 - Ta hio 59 - Tchong yong

کتاب «لئون یو»^{۶۱} (گفتار کنفوسیوس) قدیمی ترین مجموعه ای است که در آن تعالیم این مرد بزرگ روحانی ثبت است. این کتاب در واقع کلمات قصار آن استاد است که در ضمن مباحثه با مریدان و طلاب بر زبان آورده است. بعد از مرگ کنفوسیوس وفادارترین شاگردانش در محل اقامت وی «لو» ماندند تا دنباله تعالیم وی را بگیرند، اما برخی به اطراف و اکناف کشور پراکنده شدند و اقدام به تأسیس مکتبها و مسلکهای فرعی نمودند. آنها مفاوضات استاد را حفظ کردند و تعلیم دادند و همین مفاوضات مبنای کتاب «لئون یو» شد (که در اوایل قرن چهارم قبل از میلاد تدوین گردید). زمانی که، در عصر سلاطین «هان» ادبا و دانشمندان اقدام به بازایی و بازسازی سابقه ادبی نمودند، نسخ خطی این کتاب را پیدا کردند. این نسخ با یکدیگر تفاوتهایی داشتند و تنها در اواخر قرن اول قبل از میلاد بود که نسخه نهائی و صحیحتر این اثر تدوین شد.

شاید بتوان گفت که کتاب «لئون یو» تنها منبعی است که اطلاعاتی درست و اصیل درباره کنفوسیوس به ما می دهد. متون مربوط به این شخصیت مقدس که در دو مجموعه «تسوچوان»^{۶۱} و «لی کی»^{۶۲} فراهم آمده جمع آوری شده توسط مکتبهای نسبه جدیدتر است و چندان قابل اعتماد نیستند. کلمات قصار کنفوسیوس مندرج در کتاب «لئون یی» به گونه ای است که در آن نارسائیهای به چشم می خورد و مؤلف آن سعی نکرده است در آن دست ببرد، و لذا این احساس به انسان دست می دهد که این گفتارها دقیقاً همان کلامی است که بر زبان حکیم بزرگ جاری شده و همان گونه که شنیده شده ثبت شده است. این گفتارها، با ویژگیهایی که دارند و ترکیبات فی البداهه ای که در آنها به چشم می خورد، خبر از اصالت آن می دهند و خواننده متقاعد می شود که به دست نساخان و مؤلفان مثله و یا دستکاری نشده اند، کاری که معمولاً در مورد قدیسین می شود تا چهره آنها آرمانی تصویر شود.

گفته شده است که یکی از اخلاف کنفوسیوس به نام «کونگ کی»^{۶۳} که به

نام دیگری هم مشهور است (تسه ئوسه ئو)^{۶۴}، مؤلف دو کتاب «تاهیو» و «چونگ یونگ» است. این شخص، در زمان پادشاهی «مو»^{۶۵} (از ۴۰۷ تا ۳۷۷ پیش از میلاد) وزیر ایالت «لو» بوده و در همان جا به تدریس نیز اشتغال داشته است. مکتب و مدرسه وی، در قرن سوم قبل از میلاد نیز همچنان پررونق بوده است.

کتاب «چونگ یونگ» (محیط بدون تغییر) مشتمل به دو بخش مستقل است: بخش اول که قدیم تر است تنها شامل متن مختصری است با نثری مسجع و مضمون آن تقوای ابرمردی است که با ایجاد اعتدال و هماهنگی بین عواطف و نفسانیات خویش به مرحله ای از تقدس می رسد که در نظام هستی مؤثر خواهد بود و موجب سعادت افراد بشر در چهارچوب طبیعت می شود.

کتاب «تاهیو» (مطالعه بزرگ) از یک متن کوتاه و یک تفسیر تشکیل شده است. در وضع کنونی، این اثر، بجز مجموعه ای از کلمات قصار نامنظم از گذشتگان و قدما نیست با این مضمون که کل جامعه، بر مبنای فرهنگی استوار است که از «حکیم مقدس» دریافت کرده است، اما در عین حال همه مخلوقات بشری، از فرزند آسمان گرفته تا مردم کوچه و بازار باید در تربیت و تهذیب شخص خود بکوشند و فضیلت مرد برتر و حاکم متقی به عنوان اصل نظام می تواند به هر فرد سرایت کند بشرطی که فرد به فهم و درک آن نایل شود.

مکتب اخلاقی «مونگ کو»^{۶۶} نیز که واضع آن «مونگ تسه ئومنیوس»^{۶۷} می باشد به سوی فرهنگی اومانیستی گرایش دارد. این فیلسوف نیز اهل «لو» بود و در نیمه دوم قرن چهارم پیش از میلاد می زیست. وی اولین نویسنده معتبر و باارزش مکتب کنفوسیوس بود. اثری که وی تألیف کرد نسخه سالم به دست ما رسیده. با مطالعه این اثر آدم احساس می کند که برای اولین بار با انسانی واقعی و زنده در دنیای قدیم روبرو می شود. در این کتاب نه فقط عبارات پیچیده و پراستعاره بندرت به چشم می خورد بلکه شرح و تفصیلهای مبسوط نیز به صورت مکالمه، مسائل طرح شده را بروشنی بیان می نمایند. اهمیت و شخصیت «مونگ تسه ئو» در بدعت یا نوآوری وی

نیست، زیرا چیز نوینی ارائه نمی‌کند. اهمیت وی در آن است که از عقاید و افکار کنفوسیوس با هنرمندی و هوشیاری دفاع می‌کند و بر دو فضیلت مهم انسانی یعنی «آدمیت» (جن^{۶۸}) و «عدالت» (یی) تأکید می‌نماید. این فیلسوف که در استدلال و منطق مردی تواناست، تنها به طرح دیدگاههای خود نمی‌پردازد بلکه سعی می‌کند خواننده را به قبول آنها نیز وادارد. وی از استعداد ویژه خطبا و شعرای بزرگ برخوردار است لذا کتاب او نسبت به آثار قبلی دیگران (که بندرت ارزش ادبی دارند) کاملاً رجحان دارد.

حالا نوبت آن است که از دو رساله آخر از رسالات سیزده گانه کلاسیک، یعنی «هیاو کینگ»^{۶۹} و «ائول یا»^{۷۰} شمه‌ای گفته شود:

- هیاو کینگ یا «کتاب مهر فرزندی» رساله کوتاهی است مشتمل بر ۱۸ فصل که در آن گفتگوهای کنفوسیوس حکیم و شاگردش «تسنگ تسان»^{۷۱} درج شده است. اگرچه مضمون کتاب چندان ارزشی ندارد مع هذا قرنهای متمادی مورد توجه و علاقه چینیان بوده است زیرا در فرهنگ چین مهر فرزندی را همواره «أم الفضایل» دانسته اند.

- «ائول یا» در واقع قدیم ترین کتاب لغت چینی است. این کتاب از همان قرن اول میلادی، به خاطر راهگشایی در ترجمه آثار کلاسیک، از اهمیت و اعتبار فراوانی برخوردار بوده و از قرن پنجم میلادی نیز یک کتاب مرجع بی چون و چرا به شمار می آمده است. همچنین از آن جایی که در این کتاب مجموعه‌ای از متون پیشینیان و دستورات حکمای گذشته، بخصوص متون برگرفته از دو رساله «شه کینگ» و «شو کینگ» آمده است، نقش یک رساله عملیه اخلاقی را نیز ایفا کرده است.

کاتالوگ مربوط به آثار دوره هان به تعدادی رساله تألیف نویسندگان معتقد به مکتب کنفوسیوس اشاره می‌کند که متأسفانه از میان همه آنها فقط دو رساله با عناوین «سیون سه نو»^{۷۲} و «مونگ سه نو» به دست ما رسیده است. کتاب اول را شایسته آن

نمی دانند که در زمره رساله های کلاسیک قرار دهند. اما مسلماً، مؤلف آن یعنی «سیون کوانگ»^{۷۳} بیش از «منسیوس» بر مکتب کنفوسیوس اثر گذاشته است. این شخص بین سالهای ۳۰۰ و ۲۳۰ قبل از میلاد می زیسته. وی در زمینه شرح آثار کلاسیک و انتقال آنها به عصر بعد از خود تأثیر عمده ای داشته است. دست کم آن که بسیاری از استادان و حکمای مکتب کنفوسیوس، از شاگردان وی بوده اند. برخی از متون «سیون تسه ئو» در دو اثر کلاسیک لی کی^{۷۴} و تاتای لی کی^{۷۵} نیز نقل شده است.

از دیدگاه «سیون تسه ئو»، ارزش اخلاقی هر انسان منحصرأ ناشی از عوامل اجتماعی و مظاهر تمدن جامعه است. وی برخلاف نظر «منسیوس» طبیعت بشری را طبیعتی ناپاک و شرور می داند که استعداد اصلاح و سیر به سوی کمال دارد: خودخواهیها را می توان با تعلیم و تربیت مهار نمود؛ عبادات و انجام مراسم مذهبی روحیه عدالتخواهی را در انسانها ایجاد می کنند؛ و اگر مراسم عبادی و آداب سخن گفتن بخوبی عمل شود صلح و آرامش نه فقط در جامعه بلکه در درون یکایک افراد نیز پدید خواهد آمد. به نظر «سیون تسه ئو»، وقتی روح از هوسها پاک و رها شود، گوهر عقل در درون انسان خلق می شود. گوهری که «سیون تسه ئو» بر آن نام «داور عالی» می نهد. این دانشمند یکی از مریدان و طرفداران کنفوسیوس است که برخی از دیدگاههای تائوئیست ها و حقوقدانها را نیز پذیرفته است. وی، در نظر هموطنانش اعتباری کمتر از «منسیوس» دارد اما بدون شک از وی عمیق تر می باشد.

۲ - فلاسفه تائوئیست

در کنار مکتب کنفوسیوس که تعالیم خود را متوجه اخلاق و سیاست در سطح گسترده اجتماع می نماید، مکتب تائوئیسم بیشتر به مسأله آزادی و رهایی فرد می پردازد مع هذا از نظر گسترش انکار تاریخی و فلسفی، تقریباً به اندازه مکتب کنفوسیوس تأثیر برجای گذاشته. اگر بگوییم کنفوسیوس چهره برونی چین را عیان

می سازد، تائوئیسم برعکس منعکس کننده برخی تمایلات عمقی این کشور است. ریشه تائوئیسم چندان روشن نیست. این مکتب، برخلاف مکتب کنفوسیوس، در ابتدا به صورت یک مکتب مذهبی جلوه ننمود. با وجود این سخنان استادان این مکتب و دستورهای آنها به مریدان و علاقه مندان خود نشان می دهد که افکار و تعالیم این مکتب عمیقاً ریشه مذهبی دارد. اما چندین قرن طول کشید تا، بر اثر نفوذ مذهب بودائی، این مکتب نیز صاحب تشکیلات، معابد، طبقات گوناگون روحانی و مریدان و پیروان شد.

لائوتسه نو یا تائوتو کینگ^{۷۶} (به معنای کتاب تائو و تو) مجموعه کوچکی از افکار و اندیشه های غالباً عارفانه است که برخی عبارات و بخشهای آن را می توان به صورتهای مختلف تعبیر نمود. ظاهراً این رساله کوچک برای مریدانی تألیف شده که از آن به عنوان کتاب دعا و وسیله ای برای تفکر و مذاقه در امور دینی استفاده نمایند. این ویژگی کتاب نشان می دهد که در زمان تألیف آن، مکتب تائوئیسم به عنوان یک نظام فکری و یک مکتب منسجم شکل گرفته بوده است. ظاهراً مؤلف کتاب «تائوتو کینگ» شخصی به نام «لائوتان»^{۷۷} (یا لی تول) بوده است که از شرح حال او هیچ اطلاعی نداریم و آنچه که در کتاب «خاطرات تاریخی» درباره وی آمده است جز مشتی افسانه های مبهم نیست. کتاب خاطرات تاریخی اثر «سه توماسین»^{۷۸} در قرن دوم قبل از میلاد تألیف شده است. «لائوتان» معاصر کنفوسیوس بوده و از قرائن پیداست که با آن حکیم بزرگ هم ملاقاتی داشته، ملاقاتی که بشدت بر روی اندیشه وی تأثیر گذاشته.

لائوتسه نو، بعد از انحطاط عصر «چئو» به قصد انزوا گزیدن و ترک دنیا زادگاه خود را رها کرد و از مرز ولایت «هین کو»^{۷۹} (در جنوب غربی ایالت کنونی هونان) نیز عبور کرد. در این زمان به خواهش حاکم ولایت «هین کو» دست به تألیف کتاب «تائوتو کینگ» زد و قبل از مرگش موفق به اتمام آن شد. تائوئیست ها بعدها از این افسانه استفاده کردند و در مقام رقابت با بوداییها مدعی شدند که بودا همان لائوتسه

است که به سمت ولایات غربی هجرت کرد تا گروه‌های دیگری از مردم را به مکتب خود دعوت نماید.

امروزه اعتقاد عموم بر آن است که این کتاب در عصر «امپراتوریهای جنگجو» در حدود قرن چهارم و حتی قرن سوم قبل از میلاد تحریر شده. اما در شیوه تحریر و انشاء اثر بر نمی‌آید که متعلق به کدام عصر است. و برخی از قسمتهای آن فقط در صورتی قابل فهم است که آنها را در چهارچوب و در فضای سیاسی عصر مورد توجه قرار دهیم. و برخی قسمتهای آن به وضوح نشان می‌دهد که روایات بسیار قدیمی است و سینه به سینه به عصر مؤلف رسیده است. این کتاب با محتوای فلسفی و دینی آن تأثیر عمده‌ای بر تفکر ملت چین برجای گذاشته و بدون شک، اگر این اثر ارزش شعری و ادبی نداشت هیچ‌گاه این اندازه تأثیر نمی‌داشت.

مؤلفین دو کتاب «چوانگ تسه‌ئو» و «لی یه تسه‌ئو» نیز چندان شناخته شده نیستند. ظاهراً نویسنده کتاب اول شخصی به نام «چوانگ چه‌ئو». این مرد که غالباً در کوهستان «نان هوا»^{۸۰} به حال انزوا می‌زیست، غالباً به جای نام واقعی اش او را «نان هوا» نامیده‌اند. وی اصلاً اهل ولایت «سونگ» بود و در اواخر قرن چهارم می‌زیست. از احوال زندگی وی اطلاع چندانی در دست نیست، ولی در مورد کتابش می‌توان گفت که این اثر هم از نظر سبک و هم از نظر تمثیلات متعددی که در آن آورده است خاص خود «نان هوا» است، بخصوص از نظر لحن تند و گزنده‌ای که انتخاب کرده، این اثر با همه آثار فلاسفه دیگر چین متفاوت است. «چوانگ چه‌ئو» را می‌توان شاعری بزرگ و نیز بزرگترین نثرنویس چین بشمار آورد. اما به نظر می‌رسد که همه کتاب اثر او نباشد و بخشهای عمده‌ای از آن توسط شاگردانش یعنی تائوئیست‌های قرن سوم پیش از میلاد نوشته شده باشد.

کتاب «لی یه تسه‌ئو» که تألیف آن را به شخصیت افسانه‌ای به نام «لیوکئو»^{۸۱} نسبت می‌دهند، مجموعه‌ای متنوع است که ظاهراً در قرن سوم میلادی گردآوری شده اما متون آن بدون شک بسیار قدمت دارد. مثل کتاب «چوانگ تسه‌ئو» پر از تمثیلات

و بحث‌های استدلالی است اما از نظر سبک با آن قابل مقایسه نیست.

اینها هستند سه کتابی که در آن نظام فلسفی و فکری تائوئیسم مندرج است اما مطالب آن نظم درستی ندارد و از طبقه‌بندی ویژه این نوع آثار در آن خبری نیست. لذا تائوئیست‌های جدیدتر برای تنظیم و شرح آن زحمات زیاد کشیده‌اند.

تائوئیست‌ها برای وظایف اجتماعی انسان‌ها اهمیتی قایل نیستند. آنها به طبیعت آزاد انسان توجه دارند و معتقدند که انسان با مراعات برخی اعمال عبادی و بهداشتی و با پاک نگهداشتن روح و جسم خود، به دنیای بهشتی و آرمانی دست خواهد یافت.

در نظر آنها، «تائوتو» یا نیکی محض نه به عنوان ارزشی اخلاقی (برای ساختن شاهزادگان و ابرمردان والا) بلکه ارزشی الهی و عرفانی به شمار می‌آید. در مرحله نیکی محض، تمام عوامل متضاد در یک هم‌آهنگی کامل در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و دسترسی به «تائو» فقط با تفکر و تأمل و در حالت جذبه و بیخودی امکان خواهد داشت و قدسین تائوئیست بدین ترتیب در قدرت والای جهان شریک می‌شوند و خود به خود به قدرتی بی‌انتهای دست می‌یابند. تحقق این مرحله از کمال و اتصال به کائنات علاوه بر تأملات و جذبات روحانی مستلزم مراعات دستورهای بهداشتی، غذایی و اعمال جنسی است. بخصوص این دستورها توسط تائوئیست‌های بعد بیشتر مورد توجه قرار گرفت. در مورد دخالت در امور اجتماعی و سیاسی، تائوئیست‌ها بر طبق دستوری به نام «وووئی»^{۸۲} رفتار می‌کنند که بر مبنای عدم دخالت در جریان امور استوار است. بر طبق این دستور تائوئیست ضمن مراعات آزادی دیگران نباید در امور اجتماعی شرکت کند و جان خود را فرسوده سازد. تائوئیست‌ها سعی دارند با استدلال، بی‌پایگی قراردادهای اجتماعی، نسبت خوب و بد و توخالی بودن افتخارات رایج را عیان سازند. آثار آنها از نظر ارزش ادبی از غالب آثار کلاسیک و آثار نویسندگان اعصار قدیم برتر است. افکار و سبک بیان تائوئیست‌ها بر بسیاری از شاعران بعد تأثیر گذاشت و منبع الهام برخی از آنان شد.

حتی نقاشان نیز از تأثیر این مکتب بر کنار نماندند و جنبه های عرفانی آن بخصوص در مکتب «ذن»^{۸۳} که در واقع شاخه ای از مکتب بودایی است به چشم می خورد.

۳- مکتب قانون

در فاصله قرون سوم و پنجم میلادی، یعنی در دوران رقابتها و خصومت های شاهزادگان چینی که سودایی جز گسترش قلمرو خود و غلبه بر رقیبان در سر نداشتند، تعدادی از نویسندگان چین، در مجمعی به نام «مکتب قانون» گرد آمدند. هدف آنها ایجاد نظم نوینی بر مبنای حاکمیت مطلقه دولت و پادشاه بود. اما از آنجائی که حقوقدانان آن عصر هریک طرفدار یک مکتب فلسفی بودند (تائوئیست ها، منطقین، و طرفداران کنفوسیوس)، در همه مسائل با یکدیگر توافق نداشتند، اما از یک جهت اشتراک عقیده داشتند و آنهم طرد نظام اخلاقی کهن و حذف امتیازات مالکین بزرگ بود. برای نیل به این مقصد، حقوقدانان و نویسندگان به فکر تدوین «قانون جزا» افتادند و معتقد بودند که در سایه قانون می توان کشور را یکپارچه نموده و اداره کرد. آنها تأسیس یک امپراتوری بزرگ واحد را در مد نظر داشتند.

اولین نشانه های توجه به مکتب مبتنی بر حکومت قانون در قرن هفتم قبل از میلاد به چشم می خورد. در آن زمان، وزیر یکی از شاهزادگان چینی، به نام «کوان چونگ»^{۸۴} این مسأله را مطرح ساخت. متأسفانه، چهره این مرد بیشتر به صورت افسانه ای در تاریخ مانده و کتابی که تألیف آن را به وی نسبت داده اند، یعنی کتاب «کوان تسه نو»^{۸۵} مجموعه ای از قطعات مربوط به دورانهای مختلف است اما، مطالب عمده و اساسی آن مربوط به قرن سوم قبل از میلاد می باشد. در این کتاب مصراف بر این نکته تأکید شده است که اخلاقیات تابع شرایط اقتصادی است و لذا مسائل سیاسی و اقتصادی، بخش عمده کتاب را تشکیل می دهد.

در قرن ششم قبل از میلاد صاحب منصب عالیرتبه ای در کشور پادشاهی «چنگ» به نام «تسه نو چان»^{۸۶} مجموعه ای قانون جزا نوشت و برای اشاعه آن در میان

جامعه آن را روی دیگهای چدنی حک کردند و رواج دادند اما نظام فئودالی که سخت در بند حفظ منافع خود بود از این کار به خشم آمد زیرا می دید که پایه های حکومتش که بر رسوم و سنتهای کهن استوار بود در حال فرو ریختن است. البته نام شخصیتهای بزرگی که «مکتب قانون» را برپا نمودند بیشتر مربوط به قرن چهارم قبل از میلاد می باشد از قبیل: «کونگ سوئن یانگ»^{۸۷} «یین ون تسه نو»^{۸۸} و «هان فئی تسه نو»^{۸۹}

نفر اول گویا مؤلف کتاب «چانگ تسه نو» است که اثری مشتمل بر قطعاتی مربوط به زمانهای مختلف بوده، اما بخش عمده ای از آن از سروده های خود مؤلف است. وی در اثر خود با حرارت افراطی ترین افکار حقوقدانان عصر خود را بیان می کند. به عقیده وی، قبل از هر چیز باید این داوری غلط را که «آداب و رسوم کهن، باورهای مقدسی هستند و نمی توان در آنها دخالت کرد» از اذهان زدود. می گوید اولین و مهمترین وظیفه یک حاکم باهوش و خردمند آن است که آداب و رسوم کهن را به مقتضای شرایط نوین دستکاری و اصلاح کند. باید معتقد بود که توده مردم، نه آن گونه که همگان معتقدند، ذاتاً و فطرتاً تمایل به خلافکاری و ارتکاب جرم دارد نه به پاکی و نیکوکاری، لذا باید انسانها را با حکومت قانون مهار نمود. مهم آن نیست که جستجو کنیم و افراد پاک و درست را به تصدی امور بگماریم بلکه باید نظام قانونی چنان مستحکم و سختگیر باشد که هر متصدی امر، در صورت ارتکاب خلاف بشدت و سرعت مجازات شود. تنها خوف از عقوبت است که مانع از تجاوز انسان از حدود قانونی می شود. پاکی و تقوا حاصل مکافات خلافکاری است. به عقیده این فیلسوف باید شرایط زندگی کشاورزان را چنان دشوار ساخت که به آسانی به سوی زندگی سربازی جلب شوند و آن را نوعی آسایش و راحتی بدانند، در آن صورت است که حاضر به جنگ خواهند بود. در واقع باید گفت کشاورزی و جنگ، دو منبع مهم ثروت طبقه حاکمه است. «کونگ سوئن یانگ» در زمره آن دسته از سیاست مردانی است که در ساختن امپراتوری چین نقش عمده داشته اند.

وی که وزیر دوک «تسین» بود توانست با اقدامات انقلابی و استقرار حکومت قانون نظام فتودالی را در قلمرو دوک ملغا سازد.

«بن ون تسه تو» در پایان قرن چهارم زندگی می‌کرده. آثارش به صورت بسیار نامطلوب و آشفته‌ای به دست ما رسیده. کاتالوگ کتاب دوره سلاطین «هان» کتاب وی را در زمره آثار «مکتب نام‌ها» آورده است. «بن ون تسه تو» در جستجوی دارویی برای درد بزرگی در جامعه بود. بدین معنی که در جامعه، مقامات و مشاغل نظام درستی نداشت و در همه جا آشفتگی و بی‌نظمی حکمفرما بود. او به پادشاه توصیه می‌کرد که به کمک «نام‌ها» حکومت کند، یعنی مقامات مملکتی را به آدمهای شایسته بدهد و از هر کسی بخواهد که حد و مرز خود را بشناسد و یک نظام منسجم قانونی بر همه از عالی و دانی اشراف داشته باشد بطوری که بی‌ملاحظه هر خلافتکاری را در هر مرتبه که باشد کیفر دهد. در واقع عمومیت و بی‌طرفی قانون در اداره جامعه بزرگترین ره‌آورد جامعه حقوقدانان و قانونگذاران چین به شمار می‌آید. فکر و ایده اصلی نظام حاکمیت قانون را از ابتکارات «هان فئی تسه تو» می‌دانند. چینیهای اعصار جدید، افکار این مرد را بسیار مؤثرتر و مفیدتر از تعالیم سنتی کنفوسیوس می‌دانند. «هان فئی تسه تو» که در سال ۲۸۰ قبل از میلاد متولد شد، آموزش «سیون تسه تو» را در ولایت «چو» طی کرد. وقتی به وطنش بازگشت، مقالات و رسالاتی نگاشت که بشدت مورد توجه و عنایت پادشاه قرار گرفت. در واقع وی در سال ۲۳۴ به دربار پادشاه «تسین چه هوانگ تی»^{۹۰} فرستاده شد و در دربار وی باقی ماند. وقتی شاگرد قدیم وی به نام «لی سه تو» در دربار پادشاه به مقام نخست‌وزیری رسید، دستور توقیف استاد خود را داد، و او را به زندان افکند. او در زندان اقدام به خودکشی کرد (در سال ۲۳۳) کتاب «هان فئی تسه تو» محتوی تئوریهای قانونگذاری است که در تشکیل یک امپراتوری مطلقه نقش داشتند. در این کتاب تأکید شده است که قانون باید روی کاغذ بیاید، چاپ شود و ضمناً به مردم تفهیم شود که اطاعت از آن واجب است. تأکید شده است که مداخله یک مأمور

انتظامی همیشه مؤثرتر از یک مربی ناصح است. مؤلف کتاب بر این اعتقاد است که تعالیم سنتی عصر طلایی کنفوسیوس و مسأله پاکی فطرت انسانی، بی پایه و اساس است، زیرا همه این مبانی اخلاقی تابع وضع اقتصادی جامعه است. قانونگذاران رفع بسیاری از جرائم و خلافاکاریها را در تولید ضروریات مادی زندگی دانسته اند. بخصوص در آن زمان چین برای اولین بار خود را با مشکلات ناشی از ازدیاد جمعیت مواجه دید. در آن حال، در میان تمام متفکران چین فقط قانونگذاران بودند که از مبانی حقوقی دفاع می کردند و شیوه تفکر آنها در مورد مسائل حقوقی شبیه قانونگذاران یونان و روم بود. با تمام تلاشهای این دسته از متفکران، تعالیم و رهنمودهای آنها مدت زمان زیادی دوام نیاورد و عاقبت دوباره تعالیم کنفوسیوس و مسأله اداره جامعه با اهرم اخلاق و سنتهای کهن غالب شد. با تمام این احوال، قوانین تدوین شده توسط این قانونگذاران، بعدها پایه و مبنای همه نظامهای قانونی امپراتوران چین، تا سال ۱۹۱۲ بود.

۴ - «موتسه ثو» و مکتب آن

این مکتب رقیب مکتب کنفوسیوس بود. مؤلف کتاب «موتسه ثو» به نام «موتی» از معاصران کنفوسیوس بوده که در فاصله سالهای ۴۸۰ و ۴۰۰ پیش از میلاد می زیسته است. وی نیز اهل ولایت «لو» بود. مردی بسیار متقی و مقید به اجرای مراسم قربانی، تعالیم وی بیشتر خطاب به طبقات فقیر جامعه است، حال آن که مخاطب اصلی کنفوسیوس اشراف و مردمان مرقه بودند. کتاب «موتسه ثو» مجموعه ای است که تعالیم مکتب «موتی» در آن مندرج است. سی و نه فصل اول کتاب به طرح منظم و ارائه دقیق مبانی این مکتب اختصاص یافته. فصول چهل تا چهل و پنج بیشتر شامل کلمات قصار بزرگان، تمثیلات و مسائل منطقی و اخلاقی است، فصول چهل و شش تا پنجاه وقف مسائل هنری و راه و رسم نظامیگری شده. ظاهراً هیچ کدام از این فصول توسط خود «موتی» تنظیم نشده بلکه بعد از وی، شاگردانش به آن کار دست زده اند. در برخی از فصول کتاب خطبه هایی آمده است و تصریح شده که باید به همان صورتی که ارائه شده، با همه تعابیر و تکرارها و تکیه ها، خوانده

شود. این خطبه‌ها مشتمل بر ترکیبات و عبارات پیچیده‌ای است اما با خواندن یک خطبه کامل، همه آنها قابل فهم خواهند بود.

«موتسه‌ئو» نه فقط نظر هیأت‌های قانونگذار را برای حاکمیت قانون می‌پذیرد بلکه معتقد است که برای حفظ نظام اجتماع دو چیز ضرورت اولی دارد: وجود حاکمی مستبد و قدرتمند و توزیع عادلانه ثروتها و امتیازات. تنها با اجرای عدالت است که محبت و نعدوستی در جهان حاکم خواهد شد. به عقیده «موتسه‌ئو» اصل محبت و دوستی باید حاکم باشد و باید به خاطر داشت که نیکی در حق دیگری عکس العمل سریع و مستقیم خواهد داشت و بزودی به عنوان یک نظام قابل اعتماد در جامعه گسترده خواهد شد. آنچه که دولتها و کشورها را به جنگ وامیدارد کینه است. «موتسه‌ئو» از جنگ و تجاوز اظهار نفرت و بیزاری می‌کند و می‌پرسد: «چرا، تجاوز و بدکاری را در فرد محکوم می‌کنیم. اما در جنگ به آن لباس افتخار می‌پوشانیم؟». وی معتقد است که جنگ بین دولتها وقتی پایان خواهد یافت که اولاً همه حاکمان و سلاطین خداپرست باشند، ثانیاً هم‌نوعان و هم‌سایگان را دوست بدارند و سعی کنند با ارتباط‌های دوستانه مکرر و تبادل هدایا پیوند دوستی را با دیگران مستحکم سازند. علاوه بر همه اینها، محبت در مقیاس عمومی باید همراه با صرفه‌جویی، خودداری از اسراف و تبذیر و هر حرکت و عمل بیهوده باشد. و لذا، بسیاری از آئینها و سنتهایی که در نظر کنفوسیوس عزیز بود باید ملغی شود.

«مونی» شاگردان زیادی تربیت کرد و تعالیم آنها بخش عمده‌ای از این مکتب را تشکیل می‌دهند. تلاش این شاگردان بیشتر در جهت یافتن قواعد و اصول عملی بود که جامعه می‌بایست بر مبنای آنها استقرار یابد. آنها به مسائل منطقی بیش از قوانین فکری توجه داشتند، اما افراط در این جهت آنها را به سوی مسائل مربوط به منطق صوری کشاند. آنها ارتباطاتی با «مکتب اسماء» داشتند.

۵- مکتب «اسماء»

این گروه متشکل از نویسندگان بود که به علم منطق اشتغال داشتند و تلاش می‌کردند که از همه چیز تعریف دقیق به دست دهند.

هنر «تعریف» البته امر تازه‌ای نبود و خود کنفوسیوس نیز در آثارش موکداً این نکته را یادآور شده که از اهم وظایف هر حاکم به دست دادن تعاریف دقیق است زیرا اگر تعریف دقیق و درست نباشد سخنها یکنواخت نخواهد بود و اگر سخنها درباره امر واحد یکنواخت نباشد مردمان تفاهم نخواهند داشت و امور مملکت سامان نمی‌پذیرد. کنفوسیوس معتقد بوده که جایگاه هر کس و هر چیز در سلسله مراتب خانواده و اجتماع باید مشخص باشد. وی اعتقاد داشت که سلسله مراتب خانواده و مقررات مربوط به تفاوت و جدایی زن و مرد (که در چین از اهمیت زیاد برخوردار است) به همان صورت حفظ شود. اگر هر کسی موقعیت خود را در خانواده تشخیص دهد و آن را بپذیرد نظام خانواده مستحکم خواهد ماند. همین قاعده در کل امور مملکت هم صدق می‌کند: اگر هر کس جایگاه و منصب و اثره طبقه خود را بشناسد، جامعه از هم نمی‌پاشد و هکذا در مقیاس طبیعت برای همه اجزای متشکله طبیعت نیز همین گونه است زیرا طبیعت و جامعه با یکدیگر هماهنگ بوده و معین و پشتیبان یکدیگرند.

در میان «منطقیون» مشهور نام دو نفر یعنی «تینگ هی تسه‌ئو»^{۹۱} و «یین ون تسه‌ئو» در رأس قرار دارند. نفر اول نه فقط قانونگذار بلکه مؤلف اولین مجموعه قوانین چینی و رومی، که قبلاً نیز نام وی به میان آمد قانونگذار توانایی بود. پس از این دو نفر نام افراد دیگری نیز برده می‌شود از آن جمله دو سوفسطایی به نامهای «هوه ئی‌شه»^{۹۲} و «کونگ سوئن لونگ»^{۹۳} شهرت دارند. اولی در قرن چهارم می‌زیسته که به خاطر استدلالات سوفسطائی عجیبش شناخته شده و دومی که در حدود ۲۵۰ قبل از میلاد وفات یافته و مؤلف کتابی است به نام خودش، «کونگ سوئن لونگ»، وی نیز کلمات قصار مشهوری دارد، از جمله پارادوکس موسوم به «اسب سفید» [اسب سفید اسب نیست] و نیز پارادوکس «سِفَت و سفید» برای اثبات خیالی بودن خواص اشیا و نیز تمایز شبیه و غیر شبیه (که تفصیل این استدلال بر ما معلوم نیست). کلمات قصار مشهور تیرپرتابی و در عین حال ساکن که از قدیم الایام شناخته

شده منصوب به «کونگ سوئن لونگ» است. همه این تلاشهای فکری سوفسطایی که می‌بایست موجب شکوفایی تفکر استدلالی شود، راه به جایی نبرد زیرا اولاً این متفکرین زیاد در بند فلسفه به معنای واقعی نبودند و بیشتر علاقه‌مند به سیاست بودند و از طرف دیگر زبان چینی ظرفیت بیان این پیچیدگیهای فکری را نداشت.

۶- سیاست مردان

سیاست مردان به عده‌ای اطلاق می‌شد که در سیاست خارجی و دیپلماسی تخصص داشتند. آنها را به دو دسته، متعلق به دو مکتب جداگانه، تقسیم می‌کردند: مکتب «تسونگ»^{۹۴}، مربوط به سیاستمداران اتحادیه شمال- جنوب و مکتب «هنگ»^{۹۵} مربوط به اتحادیه سیاستمداران شرق- غرب. از میان رسالاتی که به این مسائل پرداخته باشند، جز یک بخش کوچک به نام «کوهئی کوتسه‌ئو»^{۹۶} چیزی بر جای نمانده است و مؤلف آن هم ناشناخته است. برخی از متقدین تعلق این رساله را به عصر «امپراتورهای جنگجو» بعید می‌دانند. در عین حال این اثر دارای صفحات جالبی بخصوص در مورد منطق است.

افکار سیاستمداران را باید در رساله‌ای با عنوان «خطابه‌های امپراتورهای جنگجو» جست که عنوان چینی آن «چان کوئوتسو»^{۹۷} می‌باشد و در آن به شیوه‌ای پرهیجان و زنده تحریکات سیاسی بین شاهزادگان، وزرا و مشاوران حکایت شده است، مشاورانی مزور و بی ملاحظه نظیر «سوتسین» و «چانگ‌یی»^{۹۸}.

۷- التقاتیون

تمام مؤلفانی که اندیشه و نظام فکری خود را از عوامل متنوع و مختلفی از مکاتب مختلف کسب کرده‌اند در این طبقه جای دارند. مهمترین کتاب از این نوع کتابی است با عنوان «لوشه چوئن تسو»^{۹۹} اثر «لوپوئوئی»^{۱۰۰} که مقام وزارت داشته و

94- Tsong 95- Heng 96- Kouei koutseu 97- Tchan kouo ts'o 98- Sou Tsin & tchang yi

99- Lou che - tch'ouen ts'ieou 100- Lu pou - wei

تاریخ وفات وی ۲۳۵ قبل از میلاد مسیح است. این کتاب مجموعه‌ای از معارف طبقه باسواد اواخر دوران فئودالیسم است که از منابع مختلف اخذ شده است، از جمله از تائوئیست‌ها، مکتب کنفوسیوس، افکار و اندیشه‌های موتی و شاگردانش و بالاخره از منطقین.

۸ - سایر مکاتب

از دو مکتب مشهور به «مکتب زراعت» و «مکتب بین»^{۱۰۱} و «یانگ»^{۱۰۲} هیچ رساله‌ای به دست ما نرسیده است. مکتب اخیر مظهر جنبشی است که ستاره‌شناسان و پیشگویان را گرد هم آورده بوده. بزرگترین نماینده این جنبش شخصی است به نام «تسه-ئو-ین»^{۱۰۳} (قرن چهارم) که ظاهراً صاحب رسالات زیادی بوده ولی متأسفانه از آثار وی چیزی بر جای نمانده است. وی در آثارش از دو مفهوم «یین» و «یانگ» دو وسیله برای ارتباط با نیروی فعال و انفعالی طبیعت است بهره می‌گرفته. وی واضع نظریه‌ای است که بر مبنای آن، مواد، یکدیگر را نابود کرده و یکی جانشین دیگری می‌شود و این پدیده مستمراً جریان دارد. سیاست مردان و مورخان از این تئوری بهره گرفته و برای تکمیل آن، تئوری مشهور به «پنج خصلت» را به آن افزوده‌اند. به عقیده این گروه، چه در نظام تاریخی و چه در نظام طبیعت همواره یک تحول دوره‌ای رخ می‌نماید که بر همه مواد و تحولات آن حاکم است. بر طبق این نظریه، هر خصلت یا عنصر مدت زمانی روی به ضعف و افسردگی می‌نهد و خصلتی تازه جای آن را می‌گیرد. از طرفی، در این جهان‌بینی خاص، به هر سلسله‌ای از سلاطین، ماده‌ای را به عنوان سمبل و نشانه ویژه آن نسبت می‌دهند. نظریه‌ای که بر مبنای آن مواد و عناصر، با تفوق بر یکدیگر، دائماً در حال تحول و جانشینی هستند به این نتیجه نیز می‌رسد که هر نوع تفوق و پیروزی و چیرگی بر رقیب در چهارچوب تاریخی قابل تبیین و توجیه است. وانگهی به عقیده واضعان علائم سحرآمیز «یین و یانگ» از روی شیوه قرار گرفتن این علائم در طرح‌های آسمانی و زمین است که

انسانها می توانند امور سیاسی را اداره نمایند. دانشمندان عصر «هان» ماهرانه از این افکار و اعتقادات برای حفظ نظام سلطنت و تحت تأثیر قرار دادن حکام ساده لوح نهایت استفاده را می کردند. این سلسله از اعتقادات به مکتب کنفوسیوس عصر «هان» صبغه ویژه ای داده بود.

ب- شعر، مجموعه «چوتسه»

کهن ترین مجموعه شعر در اثر کلاسیکی به نام «شه کینگ» گرد آمده است. ما قبلاً در صفحه ۱۸ نیز به این کتاب اشاره نمودیم. بدون شک شعر «شه» که معمولاً با آواز و موسیقی خوانده می شده، تنها نوع شعر در چین باستان نیست. نوع دیگری از شعر وجود داشته که در مجموعه دیگری با نام «چوتسه نو» جمع آوری شده است. معنای عنوان این مجموعه عبارت است از «در ثناء سرزمین چو» این مجموعه در قرن دوم میلادی فراهم آمده و شامل آثاری است منسوب به شاعری به نام «کیویوان»^{۱۰۴} و نیز اشعاری که به تقلید از وی سروده شده است.

در عصر موسوم به «امپراتوریهای جنگجو»، رقیب و دشمن اصلی ولایت «تسین» ولایت «چو» بود، این کشور پادشاهی، اندکی خارج از امپراتوری چین، در جنوب و در حدود «یانگ تسه نو» واقع بود و دارای تمدن خاصی بود بطوری که آداب و رسوم، آیینهای مذهبی و زبان آن با ولایات مرکزی امپراتوری متفاوت بود و حال آن که بزرگترین شاعر چین باستان، از همین ولایت دورافتاده برخاست، شاعری به نام «کیویوان». این مرد صاحب منصب مشهوری در دربار شاه هوایی چو^{۱۰۵} بود (از سال ۸۲۸ تا ۲۹۹ پیش از میلاد). روایات مربوط به تاریخ تولد و وفات وی متفاوت است. موقعی که در دربار پادشاه می زیسته اتهاماتی بر او وارد می کند و تبعید می شود. از این مسأله احساس رنجشی عمیق می کند و شعر مشهوری با عنوان «لی سائو»^{۱۰۶}، بیان این درد جانکاه است. این شاعر و وزیر، یکبار دیگر نیز تبعید شد و این واقعه چنان تأثیر مرگ آوری بر وی داشت که خود را در رودخانه ای غرق

کرد. چینها یکی از جشنهای سالانه خود را با مرگ این شاعر بزرگ پیوند داده اند و آن «جشن دریانوردی» است که در «انقلاب صیفی» (مصادف با پنجمین روز پنجمین ماه سال) برگزار می شود.

بدین ترتیب ملاحظه می شود که شعر «لی سائو» شکوه نامه ای است که با وجود آن که با درد و رنج فراوان سروده شده سرشار از تصاویر و تشبیهات بدیع است. معنی عنوان «لی سائو» روشن نیست. مفسرین ادبی معانی مختلفی برای آن قائل شده اند از قبیل «درد هجران» «سقوط در وادی تیره روزی». البته این عنوان گاهی به تمام مجموعه و گاهی به همان شعر اول که عنوان مزبور را دارد اطلاق شده است. این احتمال هم وجود دارد که «لی سائو» در اصل نوعی از شعر خاص ولایت «چو» بوده باشد. شعر مشهوری که با این عنوان اکنون در دست است، شعر پخته ای نیست، اما از نظر سبک و مضمون، جزء آن نوع شعر به شمار می آید که اصطلاحاً «سائو» می نامند. در شعر «کیو-یوان» تقریباً نصف شعر بیان شکوه ها و گلایه های شاعر است. اما ناگهان، موجی از شادی او را دربر می گیرد و سپس در یک حرکت عارفانه، به جستجوی خدای اسرارآمیزی که باید همراه و همسفر او گردد برمی آید، اما این گشت و گذار در آسمانها آرامشی برای او به ارمغان نمی آورد و شعر با مضمون یأس و سرخوردگی به پایان می رسد. تفسیر و شرح این شعر کارچندان آسانی نیست زیرا قطعه ای است پُر از استعاره و تشبیه و ابهام که تشخیص معنی و یافتن مصداق آنها بسیار مشکل است. اشعار دیگر منسوب به این شاعر نیز همین وضع را دارد. به عنوان مثال شعر «کیو-کو»^{۱۷۷} (نه آواز) منظومه ای از چند قطعه. شعر آیینی و مذهبی است که روحانیون معابد با خواندن آنها از خدایان مدد می جستند. از آنها می خواستند تا از آسمانها فرود آیند و به بندگان پیوندند. یا شعر «تین ون»^{۱۷۸} (سؤالاتی از خداوند) مجموعه سؤالات و معماهایی است که درباره جهان، ابتدای خلقت جهان و تاریخ جهان مطرح می شود. لذا دارای ارزشی فلسفی است اما ساختار و سبک آن به گونه ای است که مشحون از ابهام و معضلات غیر قابل فهم

است. مجموعه قطعات موسوم به «کیوچانگ»^{۱۰۹} (نه گفتار) که به همین شاعر نسبت داده می شود و احتمالاً متعلق به او نیست ملهم از نوع شعر «لی سائو» است اما خیلی سنتی تر به نظر می رسد. مجموعه شعر دیگری می شناسیم با عنوان «یوان یه ئو»^{۱۱۰} (راهپیمایی طولانی) که مسلماً متعلق به «کیویوان» نیست. در این شعر نیز، مانند شعر «لی سائو» شاعر به سفری عرفانی می رود. اما برخلاف آن شاعر دیگر پیروزمندانه از سفر روحانی خود باز می گردد. این شعر را شعری تائوئیستی باید به شمار آورد که مسلماً در دوره «هان» یعنی در حدود قرن دوم پیش از میلاد نوشته شده است.

مجموعه «چوتسه ئو» شامل آثاری نیز هست که به شاعر بزرگ دیگر اهل «چو» یعنی «سونگ یو»^{۱۱۱} منسوب است. این شاعر در پایان عصر «امپراتوریهای جنگجو» و بعد از «کیویوان» می زیسته است. اطلاع ما از این شاعر بیش از این نیست اما در مورد انتساب این اشعار به وی می توان گفت که تنها در مورد قطعه ای با عنوان «کیوپین»^{۱۱۲} (نه برهان) صادق است. این قطعه شعر شامل بخشهایی است سرشار از زیبایی، و سبک و سیاق آن تأثیر زیادی بر شاعران بعدی داشت. در مورد شعر «فراخوانی مردگان» نیز همین احتمال ضعیف است. این شعر دارای یک مضمون آیینی است: آواز خطاب به یک بیمار یا یک مرده خوانده می شود تا صحت به تن بیمار و جان به تن مرده باز گردد، که به احتمال قوی همیشه خطاب به پادشاهان بیمار و یا مردگان خاندان سلطنتی ادا می شده است.

اشعار «چو» با اشعار «شه کینگ» بسیار متفاوت است. نه تنها از نظر مضامین بلکه از نظر آهنگ و قوافی. این اشعار غالباً دارای دوریتم بوده: در برخی اشعار همان ریتم و آهنگ شعر «لی سائو» اقتباس شده و در برخی آهنگ موجود در شعر «نه آواز» مورد نظر بوده است. البته لازم به یادآوری است که شعر «نه آواز» همراه با موسیقی خوانده می شده و حال آن که «لی سائو» بدون موسیقی بوده است.

ج- قصه‌ها یا «سیائوشوئو»^{۱۱۳}

کتابشناسان چینی هر نوع داستان و قصه کوتاه را تحت این عنوان نامگذاری کرده‌اند و این آثار تخیلی را جزو نوع پست ادبیات به شمار می‌آورند. این نوع ادبی، در ابتدا فقط شامل قصه‌ها و داستانهای کوتاه بوده و بعدها، رمانهای بلند را نیز در همین رده قرار می‌دادند. دامنه این شمول آن قدر گسترش یافت که آثاری نظیر «کتاب کوهها و دریاها» را نیز در این مقوله گنجانند، کتابی که نوعی جغرافیای اسطوره‌ای به شمار می‌آید و شامل متونی مربوط به عصر امپراتوریهای جنگجو و عصر سلاطین «هان» است. نسخه اولیه این کتاب همراه با تصاویری از غولهایی است که در کتاب توصیف شده و نیز شامل جداولی از جمعیت مناطق مختلف می‌باشد. در همین نوع (بیان) ادبی از یک کتاب دیگر باید نام برد با عنوان «داستان «مو»»^{۱۱۴} پسر آسمان»، رمانی تاریخی مربوط به «مو» یکی از پادشاهان سلسله «چه‌ئو» و هنرنمایی‌های وی در شکار است. این پادشاه در سال ۱۰۰۰ قبل از میلاد می‌زیسته است. در داستان چنین آمده است که وی در ضمن مسافرتهايش با «ملکه مادر مغرب» «سی وانگ مو»^{۱۱۵} که شخصیتی اسطوره‌ای است برخورد نموده است. اگرچه این کتاب از نظر سبک بیان به کتب تاریخ و وقایع‌نگاری شباهت دارد اما از نظر بافت و ترکیب مضامین شبیه یک رمان واقعی است و به احتمال قوی بعدها در نوشته شدن کتاب «حماسه شاه «مو»» سبک آن مورد تقلید و اقتباس قرار گرفت. در این کتاب مقداری هم شعر و کلام منظوم گنجانده شده است که مربوط به لحظات ملاقات پادشاه با ملکه مادر مغرب است.

لازم به یادآوری است که این نوع ادبی «سیائوشوئو» که ادبیات داستانی عوام محسوب می‌شود، بسیار مورد استفاده فلاسفه قرار گرفته و سبک و مضمونهای آنها در آثار فلسفی به چشم می‌خورد.

سلسله سلاطین «هان» (از سال ۲۰۶ قبل از میلاد تا ۲۲۰ بعد از میلاد)

۱- مسلک کنفوسیوس و فلاسفه. مورخین

مبارزات اواخر عصر فئودالیسم با پیروزی شاهزاده چینی به نام «تسین» به پایان رسید و با این پیروزی همه ولایات سرزمین چین در زیر فرمان وی قرار گرفت و اولین امپراتوری چین پا به عرصه وجود گذاشت. «تسین شه هوانگ تی»^۱ گمان می کرد که می تواند امپراتوری خود را بر مبنای قانون، بدان صورت که حقوقدانان استنباط می کردند اداره کند. در اولین قدم به مسئله ایجاد یک چین متحد اندیشید و همه مخالفان خود را سرکوب کرد و حتی جلوفعالیت هواداران مکتب کنفوسیوس را (که بیشتر در میان طبقه اشراف متوسط بودند) گرفت. در سال ۲۱۳، به دنبال گزارش وزیرش «لی سه ثو»^۲ دستور کتابسوزی داد و برخی از کتب موجود را که بیشتر از کلاسیکهای مکتب کنفوسیوس بود طعمه شعله های آتش شدند. برخی از ادبا عقیده دارند که این فرمان نتایج مصیبت باری برای ادبیات آن عصر چین داشت. خوشبختانه کتابخانه سلطنتی و نیز کتب فنی و علمی (آثار مربوط به جفر، طب و

کشاورزی و غیره...) مشمول این فرمان نشدند و از طرفی، بعید به نظر می‌رسید که دستور امپراتور در همه نقاط کشور پهناور چین اجرا شده باشد. این سلسله بعد از قریب به چهارصد سال منقرض شد.

بعد از «تسین» و قبل از استقرار امپراتوری «هان» چین دوره پراشوبی را گذراند که برای ادبیات چین مصیبت بار بود، بحدی که می‌توان آن را با خسارات دوران «تسین» مقایسه نمود. اگرچه در سال ۱۹۱ میلادی ممنوعیت انتشار کتب و رسالات رسماً ملغی شده بوده، مع‌هذا، به سبب کمیابی کتاب، و معیوب بودن نسخه‌های موجود مدتها طول کشید تا ادبیات قدیم چین کمابیش بازسازی شوند اما این نکته را نیز باید یادآور شد که کار بازسازی ادبیات مهجور مانده چین غالباً به دست هواداران کنفوسیوس صورت می‌گرفت که در کار خود چندان بی طرفانه و صادقانه عمل نمی‌کردند و لذا، در عصر «هان» ملاحظه می‌شود که آثار زیادی مربوط به سایر مکاتب از میان رفت و بجز کتابها و رساله‌های مربوط به مسلک کنفوسیوس و تائوئیسم فرصت نشر نیافتند و روحانیون هوادار این مسلکها در دستکاری رسالات اولیه و بنیادی این دو مکتب هم تلاشی وسیع کردند و توانستند یک مجموعه ایدئولوژیک بر مبنای تعالیم کنفوسیوس برای اداره حکومت امپراتوری تدوین و تحمیل کنند.

اولین امپراتوران عصر «هان» چون خود از طبقه عوام برخاسته بودند، ادبا و متفکران را به دیده تحقیر می‌نگریستند. اما اینان با تدوین اصول حکومت داری بر مبنای دستورهای مذهبی و تحمیل آن بر امپراتور توانستند عملاً نبض حکومت را در دست بگیرند. این متفکران تاریخ و قوانین متافیزیکی حاکم بر آن رامی شناختند، از آداب و سنن هزاران ساله مملکت مطلع بودند، تأثیر آئینهای مذهبی را در تغییر رفتار و خلیات انسانها و ایجاد اعتدال بین انسان و طبیعت را عمیقاً درک کرده بودند. بدین ترتیب بود که اشراف قدیم چین توانستند در سلک ادبا و متفکران دوباره سلطه پیدا کنند و در داخل دستگاه حکومت امپراتور فعال مایشاء باشند. در سال ۱۳۶، یک دانشگاه کنفوسیوسی برای رشته‌های پنجگانه حکمیت کلاسیکهای چین تأسیس شد. در هر رشته یکی از کلاسیکها مورد مطالعه و پژوهش قرار می‌گرفت. در

سال ۱۲۵ امپراتور «وو»^۳ دستور داد که هر داوطلب برای ورود به مشاغل دولتی و اداری می بایست لا اقل در یک کلاسیک تخصص داشته و از عهده امتحان برآید. همین محدودیت موجب شد که دولت از نظر تعداد کارمندان رسمی و مدیران مملکتی دچار کمبود شود. مع هذا این نظام انتخاب افراد برای مشاغل دولتی، به صورت یک سنت مقبول در طول تمام تاریخ چین باقی ماند و هیچ کس بدون اطلاعات کافی از تعالیم کنفوسیوس نمی توانست وارد دستگاه حکومت شود.

کلاسیک‌هایی که در ابتدای حکومت اولین سلسله «هان» موجود بوده برای آن که در مقیاس وسیع آموزش داده شود به خط جدید، یعنی خط رایج عصر که خط «کین ون»^۴ بود نوشته و منتشر شد. در عین حال، در همین عصر، علاوه بر متون رسمی رایج، نسخه‌های دیگری از کتب کلاسیک پیدا شدند که با خط قدیمی نوشته شده بود و عده‌ای با همین کتب خطی قدیمی بطور خصوصی آموزش می دیدند، آموزشی که در خط و جهت آموزش رسمی نبود. بدین ترتیب وجود دو نوع کتاب با دو خط مختلف در کنار هم، بتدریج موجب اختلاف آراء و اختلاف تعابیر در مکاتب فکری شد و طرفداران هر گروه با سوء ظن و بدبینی به گروه مقابل نگاه می کردند. دانشمندان و استادانی که کلاسیک‌های رسمی را تدریس می کردند، آثار کلاسیک قدیمی را مغلوط و مجعول به شمار می آوردند و این نظر تا به امروز هم شایع و رایج است. در واقع نیز کلاسیک‌های کهن به شیوه دقیق و ماهرانه بازنویسی شده بودند. به خاطر اختصاصات زبان چینی و عادت رایج «دزدی ادبی» کار انتقاد از آثار ادبی مشکل بود. دو نفر از کسانی که به کتب ادبی دوره هان رسیدگی کردند و از ناشران عمده آنها به شمار می آیند، یعنی «لیوهیانگ»^۵ و «لیوهین»^۶ متهم هستند که در بسیاری از آثار کلاسیک دست برده و آنها را تحریف نموده اند.

در اواسط قرن سوم میلادی، وانگ سو^۷ (متوفی به سال ۲۶۵) که یکی دیگر از عالمان دین و ادیبان عصر بود، با سر هم کردن مواد مختلف از منابع مختلف کتاب تازه‌ای تألیف کرد و آن را «کیایو»^۸ به معنای «تقریرات خصوصی کنفوسیوس»

نامید. این مرد و شاگردانش، از نویسندگان هستند که برخی از فصول مجعول را به این کتاب افزودند. طرفداران آثار کلاسیک قدیم نیز ادبا و مؤلفین کتب جدید را متهم می‌کردند که آنها با آثاری که رواج داده‌اند تعالیم کنفوسیوس را تحریف کرده و مقدار زیادی خرافات به آن افزوده‌اند. این آثار جدید که به نام «وی شو»^۹ معروف می‌باشند در واقع نه خود کتب قدیمی بلکه تکمله‌ها و شرحهایی بر کلاسیکها هستند و مؤلفین آنها مدعی‌اند که معانی پوشیده آثار قدیم را روشن ساخته و رابطه بین وقایع سیاسی و حوادث طبیعی را کشف کرده و توضیح داده‌اند. این نوع نوشته‌ها محصول عصری است که برای اولین بار مکتب اخلاقی کنفوسیوس به صورت مسلک و مذهب رسمی دولتی درآمد. در واقع نیز تمام خرافات و باورهای عجیب و غریب و آیینها و مراسم مذهبی نقاط مختلف کشور پهناور چین جمع‌آوری شده و به خدمت تحکیم نظام پادشاهی «هان» درآمده بود: جادوگری، کیمیاگری، طب عوام و نسخه‌های طبی برای طول عمر که در میان اشراف و دولتیان خواستاران زیادی داشت. یکی از بزرگترین نمایندگان مذهب کنفوسیوس در عصر «هان» شخصی بود به نام «تونگ چونگ شو»^{۱۰}. این متفکر بزرگ، به خاطر داشتن ادعای قدرت نزول باران از آسمان مشهور خاص و عام بود. وی کتابی نوشته بود که در آن راز خسوف و کسوف و پدیده‌های غریب دیگر را براساس نظریه «یین» و «یانگ» گشوده بود (ن. ک. به ص ۴۳) بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که مذهب کنفوسیوس در این عصر، صبغه شدید سیاسی گرفته و در جهت توجیه سلطه سلاطین به خدمت گرفته شده است و در عین حال علمای دین و ادبا سعی می‌کردند که به کمک همین مسلک نوین کنفوسیوسی، قدرت امپراتوران نیز محدود شود علمای دین و ادبا خود را سخن‌گو و نماینده بی‌چون و چرای ملت می‌دانستند و هرچه می‌خواستند به نام ملت به امپراتوران دیکته می‌کردند. یکی از این علما «منسیوس»^{۱۱} بود که می‌گفت: «صدای ملت صدای خداست». «تونگ چونگ شو» به اتکاء مکتب جدید کنفوسیوس بود که می‌گفت: مردم باید از شاه اطاعت کنند و شاه نیز باید از خدا اطاعت کند. مکتب جدید

کنفوسیوس برای رفع اختلاف آراء مکاتب مختلف و در جهت تقریب و وحدت مذاهب نیز گامهایی برداشت از جمله تألیف یک رساله عملیه که توسط مجمعی بزرگ از علمای دین و ادبا و به دستور امپراتور انجام شد. این رساله در سال ۷۹ میلادی در اختیار عموم گذاشته شد و راه را بر بروز اختلاف عقاید مذهبی و مکتبی بست.

به عنوان عکس العملی در مقابل این جریان فکری ادبای «کو-ون» دست به تعبیر تازه‌ای از کلاسیکها زدند، تعبیری بیشتر فقه‌الغهای و با نحوه کاربرد «وی-شو» و تئوریهای «بین و یانگ» مخالفت نمودند. در قرن اول میلادی «وانگ چونگ» در کتاب خود تحت عنوان «لوتن-هنگ»^{۱۲} به همه باورهای خرافی زمان خود حمله ور شد، اعتقاد به ارتباط بین خداوند و جامعه انسانها، اعتقاد به معجزات و ظهور ارواح را مردود اعلام نمود. وی به عنوان اولین منقذ کتب قوانین و مقررات مذهبی شهرت یافت و به صورت یکی از پیشگامان ادبا و علمای دینی دوره سلاطین «تسینگ»^{۱۳} درآمد.

کتاب «کین-ون» مدت زمان زیادی به عنوان متن مذهبی رسمی باقی ماند. هنگامی که در سال ۱۷۵ میلادی، تصمیم گرفته شد که برای دوام و بقای همیشگی آثار کلاسیک بر روی سنگ حک شود، همین متن «مدرن» برای این کار انتخاب شد اما بتدریج متون قدیمی نیز مورد اقبال و توجه قرار گرفت بطوری که در اواسط قرن سوم میلادی متون «کو-ون» به موازات متن جدید «کین-ون» مورد قبول واقع شده و بر روی سنگ حک شدند. از طرفی بزرگترین مفسر کلاسیکها در قرن دوم، یعنی «چنگ هیوان»^{۱۴} (۱۲۷-۲۰۰) در آثار خود به یک اندازه از سنتها و آثار قدیم و جدید استفاده نمود. با رشد و شهرت مکاتب «کو-ون» تعلیمات مسلک «وی-شو» بتدریج بی اعتبار گردید و سپس ممنوع و کفرآمیز اعلام شد، بطوری که، امروزه از آن تعلیمات مفصل جز قطعات پراکنده‌ای باقی نمانده است.

مؤلفین آثار فلسفی دوره «هان» از قدرت ابتکار و خلاقیت بهره چندانی

نداشتند. بطوری که بزودی این اعتقاد قوت گرفت که هر نوع علم و خرد منحصرأ در نزد قدماست و وظیفه ما آن است آنها را به چنگ آورده و انتشار دهیم. «تونگ-چونگ-شو» که بدون شک بیش از همه نظریه پردازان در همه دوره ها، در زمانه و عصر خود نفوذ داشته است، با علاقه تمام، کتاب «چوون-تسه ئیو»^{۱۵} را با توجه به کتاب «کونگ-یانگ-چووان» مورد مطالعه قرار داد. وی معتقد بود که کتاب اخیر در واقع کلید فهم تعلیمات واقعی کنفوسیوس است که خود وی جرات نکرد آنها را بصراحت در کتاب «چوون-تسه ئیو» مطرح نماید. این متفکر، سه رساله برای امپراتور «وو» تحریر می کند: در اولی طرح تأسیس یک دانشکده را می دهد، دومی راه و روش گزینش کارمندان دولت را (که می بایست بتدریج جای نجبا و وابستگان به دربار را بگیرند) ارائه می دهد و رساله سوم طرح قوانین و مقرراتی است که بر مبنای تعالیم کنفوسیوس در کتاب «چوون-تسه ئیو» تدوین شده است و پایه ایدئولوژی رسمی و مجاز مملکت به شمار می آید. این رساله ها در مورد استقرار و تحکیم مذهب کنفوسیوس به عنوان فلسفه و ایدئولوژی رسمی نقش قاطعی داشتند. بعد از آن بود که ادیبان و علمای دین در مکتب کنفوسیوس در شوراها و رسمی امپراتوری جانشین حقوقدانان، علمای منطق و تائوئیست ها شدند.

به پیشنهاد همین متفکر بود که آموزش رسمی کتب کلاسیک آغاز شد. وی در رساله خود تحت عنوان «چوئن-تسیو-فان-لو»^{۱۶} به طرح نظریه ای پرداخت که بر طبق آنان ادبا و علمای مکتب کنفوسیوس، که طبقه جدیدی از اشراف بودند، از طریق اعمال سانسور رفتار دولت امپراتوری را کنترل نمایند و شاهزادگان و مسؤولین را استیضاح نمایند. این سانسور بر سابقه ای تاریخی در چین مبتنی بود و تعالیم گذشتگان به آنان آموخته بود که: «در اداره آینده مملکت نظام موجود در امور گذشته می باید ملحوظ باشد». از طرفی این نظریه جدید، با استفاده از نظریه «یین» و «یانگ»، و نظریه پنج عنصر، موفق به تنظیم یک نظام فکری شد که بر طبق آن بلایای ارضی و سماوی، وقایع غریبه، نشانه های غیر متعارف در طبیعت همه

هشدارهائی هستند برای اصلاح اعمال پادشاهان و حاکمان.

در میان فلاسفه دیگر سلسله اول امپراتوری «هان» باید به نام چند تن از نثرنویسان برجسته اشاره کرد:

«کیا-یی»^{۱۷} (تولد ۱۹۸- وفات ۱۶۶ قبل از میلاد). متفکری هشیار و با قریحه که در دربار امپراتور «ون» نفوذ و اعتباری فراوان داشت. او بود که عنصر «خاک»، رنگ زرد و عدد ۵ را به عنوان نشانه‌های رسمی مملکتی رواج داد. کتاب وی تحت عنوان «سین-شو»^{۱۸} از نظر سبک نگارش و روشنی بیان واجد ارزش بالایی است. «تفکرات این نویسنده ترکیبی است از افکار کنفوسیوسی و تائوئیستی. «لیو-نگان»^{۱۹} مؤلف کتاب «هوای نان تسو» به معنای (استاد هوای نان) در دربار خود تعدادی از فلاسفه را گرد آورده بود و در واقع این کتاب حاصل مفاوضات و بحثهای این مجمع است. این کتاب که از نظر نگارش و سبک بیان در حد والایی است. و شامل همه جنبشهای فکری چین قدیم با گرایشهای تائوئیستی است و آن را می توان در واقع دایرة المعارفی از همه دانشهای عصر دانست.

متفکر دیگر این عصر «لیو-هیانگ»^{۲۰} (تولد ۷۷- وفات ۶ قبل از میلاد) بخصوص از این نظر که اولین کسی است که دست به انتشار کتاب زد شهرت و اهمیت دارد (بعضیها معتقدند که خود کنفوسیوس در این راه پیشگام بوده است). وی، به دستور امپراتور «چنگ» اقدام به نشر کتب پنجگانه کلاسیک و تعداد زیادی آثار فلسفی، تاریخی و ادبی نمود. فرزند وی «لیوهین» در این امر مشکل او را یاری کرد. خود وی مؤلف کتابهای ارزشمندی است از جمله:

- «کو-لی-نیو-چوان»^{۲۱} یا (زندگینامه زنان باتقوای باستان) این کتاب شامل شرح احوال و نکته‌های خواندنی درباره زنان مشهور است.

«تسین-هان-شو»^{۲۲} یا (تاریخ امپراتوران متقدم سلسله «هان»)

- «سین-سیو»^{۲۳} که شرح وقایع تاریخ عصر بزرگ مالکیت در چین است.

- «شوئو-یوان»^{۲۴} که مجموعه‌ای از گفتارها و کلمات قصار، افسانه‌ها و

قصه‌های نقل شده از بزرگان گذشته است. این نوع آثار که هدف آنها تهذیب اخلاق است، در ادبیات چین بسیار کمیاب است.

نثرنویس دیگری به نام «یانگ-هیونگ»^{۲۵} (تولد ۵۲ قبل از میلاد، وفات ۱۸ بعد از میلاد) یکی از مریدان باقریحه مسلک کنفوسیوس بود که در ستاره‌شناسی هم دستی داشت. از وی دو اثر مهم برجای مانده است:

- «تای-هیوان-کینگ»^{۲۶} که مضمون آن مقولات ماوراءالطبیعی است شامل برخی راههای پیشگویی وقایع آینده، که مطالبی پیچیده و مبهم اند.
- «فا-ین»^{۲۷} شامل برخی افکار و اعتقادات اخلاقی که می‌توان گفت چندان تازه و بدیع نیستند.

بالاخره، در مورد آثار منشور عصر هان، برای کامل کردن مطلب لازم است به دو کتاب عمده زیر نیز اشاره کنیم:

- کتاب «شه-کی»^{۲۸} یا (خاطرات تاریخی) اثر «سه-ئو-ما-تسین»^{۲۹} (تولد ۱۴۵ وفات ۸۶ قبل از میلاد). این اثر اولین نمونه کتاب تاریخی است که درباره سلسله‌های امپراتوری نوشته شده است. این کتاب تنها منبع اصلی تاریخ چین باستان بلکه تاریخ خاور دور به معنای اعم نیز می‌باشد.
- کتاب «تسین-هان-شو» یا (تاریخ امپراتوران متقدم سلسله هان) که اندکی پیش به آن اشاره رفت در واقع اولین کتاب تاریخی سلطنت امپراتوران به معنای متعارف کلمه می‌باشد و حال آن که کتاب «خاطرات تاریخی» تاریخ عمومی چین را از کهن‌ترین ازمنه تا عصر «وو»^{۳۰} دربر می‌گیرد.

۲ - شعر

الف) شعر «فو»^{۳۱} - به نوعی شعر اطلاق می‌شده که به تقلید از نوحه‌ها و مرثی «چو» سروده می‌شده است. این نوع شعر، در عصر «هان» از رواج زیادی برخوردار بود. همه ادبای عصر، بدون استثنا طبع خود را در سرودن این نوع اشعار می‌آزمودند. این نوع شعر به دو نام دیگر هم شهرت داشته: «تسه-ئیو-فو»^{۳۲} و «سائو-فو»^{۳۳}

(ر. ک: صفحه ۴۵). این نوع شعر، دارای سبک پرتعقید و واژه‌های خاص اشراف و درباریان بوده و لذا، بیشتر در سطح دربار و طبقات اشراف روشنفکر رواج داشته. در اوایل حکومت سلسله «هان»، «کیا-یی»^{۳۴} سابق الذکر، اشعاری در این سبک سرود که خیلی زود شهرت یافت. یکی از این اشعار مرثیه‌ای است به یاد شاعر بزرگ باستان «کیو-یوان»^{۳۵} که در قرن سوم پیش از میلاد می زیسته است. شعر دیگر این شاعر با عنوان «مرثیه‌ای از زبان جغد» در همین سبک سروده شده است. در این قطعه، گویا جغدی که مظهر شامت است به خوابگاه وی وارد شده و احساسات و تأثراتی پرانده را بر می انگیزد.

مشهورترین شاعر عصر «هان»، «سه‌ئو-ما-سیانگ-جو» (متوفی به سال ۱۱۷ قبل از میلاد) است. وی اهل ایالت «شو» بود و به سبب اشعاری که به سبک «فو»، سرود به دربار امپراتور «وو» راه یافت. قطعه شعری که موجب دستیابی او به این افتخار شد، شعری است که با دقت و مهارت زیاد شهرزادگاهی خود را در آن وصف کرده است و در شعر دیگری چراگاه مخصوص امپراتور «وو» را تصویر کرد و در ضمن آن به انتقاد از تجمل‌گرایی شاهزادگان و اشراف درباری پرداخت. این شعر نیز مانند هر نوع اثر ادبی چین باستان در برگیرنده پاره‌ای مسایل اخلاقی است. «سیانگ جو» بخصوص به خاطر اطلاعات وسیعش در فقه اللغه شهره بود. واژگانی که در اشعار «فو» ی خود به کار برده بسیار غنی، پیچیده و مشکل بوده بطوری که خواندن اثرش را مشکل می سازد، هرچند که اصولاً استعمال واژه‌ها و اصطلاحات دور از ذهن یکی از اختصاصات این نوع از بیان ادبی است.

در عصر سلاطین متأخر سلسله «هان» «پان-کو»^{۳۶} یک قطعه شعر فو با عنوان «مرثیه دو پایتخت» که در آن زیباییها و عجایب دو پایتخت «چانگ نگان»^{۳۷} و «لویانگ»^{۳۸} را تصویر کرده است، سرود اشعار وی در این سبک توسط دو شاعر بعد از او به نامهای «چانگ هنگ»^{۳۹}، (تولد ۷۸ وفات ۱۳۹ میلادی) و «تسو-سه‌ئو»^{۴۰} (که در قرن سوم می زیسته) مورد تقلید و اقتباس قرار گرفت و آنها نیز اشعاری در

ستایش شهرهای معروف و وطنشان سرودند.

ب) شعر «یو-فو»^{۱۱}، به مجموعه ترانه‌های محلی و ملی و اشعار درجه یک و پخته شاعران گفته می‌شد. در سال ۱۹۳ قبل از میلاد، مرکزی به نام «مرکز هدایت موسیقی» یا «یو-فو» تأسیس شد. وظیفه این مرکز جمع‌آوری ترانه‌های محلی و بهترین اشعار شاعران بود. در این مرکز بسیاری از بهترین اشعار، با راهنمایی و نظارت یک موسیقیدان، جمع‌آوری می‌شد. در چهارچوب فعالیت‌های این مرکز، اشعار آیینی و سرودهای مخصوص اعیاد نوشته شد که تا امروز باقی است. این اشعار، نسبت به سرودهای قدیمتر «شه-کینگ» دارای سبک و واژگان مشکل و پیچیده‌ای است و لذا، صداقت و لطف کمتری را داراست. در کنار این اشعار مذهبی، اشعاری غیر مذهبی و الحادی نیز سروده شد که مبنای نوعی شعر جدید به نام «یو-فو» شد. این اشعار در اوایل برای همراهی با موسیقی سروده می‌شد، اما بعدها، از موسیقی و آواز جدا شد و نوع مستقلی را تشکیل داد.

لازم به یادآوری است که قطعاتی نیز در میان آوازهایی که در «یو-فو» (مرکز هدایت موسیقی) تنظیم و نوشته شده‌اند، وجود دارد که تحت تأثیر آهنگهایی که کاشفین چینی از آسیای میانه به ارمغان آورده سروده شده‌اند. موسیقی این نوع آهنگها غالباً مارشهای نظامی است. از این زمان به بعد موسیقی چینی بتدریج اصالت خود را از دست می‌دهد و تحت تأثیر موسیقیهای بیگانه و آهنگهای عامیانه قرار می‌گیرد. متأسفانه از این نوع موسیقی چیزی بر جای نمانده و قطعات پراکنده‌ای هم که به دست ما رسیده، نامفهوم و ناخواناست. البته نسخه‌هایی از آوازهای محلی که در مجموعه‌های «یو-فو» جمع‌آوری شده، باقی است. اهمیت این آوازها در آن است که نمونه‌های قابل توجهی از آن اشکال شعری هستند که بسرعت مورد اقبال ادبا قرار می‌گیرند، بخصوص شعرهای مرکب از پنج بند (شامل یک هجای کوتاه و دو هجای بلند). این نوع شعر را به زبان چینی «کوشه»^{۱۲} (به معنای شهر کهن) می‌نامند در تقابل با «شعر نو» (که از قرن هفتم میلادی یعنی شروع حکمرانی سلسله تانگ) شناخته شد.

۳- دوران انتقال. ادبیات «کین-نگان»^{۴۳} (۲۱۹-۱۹۶)

در اواخر عصر هان بود که بتدریج اشعار پنج هجائی رواج یافت و بیشتر شاعران بزرگ، در این قالب شعر سرودند. بدین ترتیب بود که تحوّل روی داد و شعر چینی از قید و بندهای دست و پاگیری که دهها سال مانع تحوّل و تنوع شعر شده بود، خلاصی یافت. یکی از صاحب منصبان بزرگ ارتش دوره هرج و مرج که بالاخره توانست سلسله «هان» را از میان بردارد، خود، شاعر بزرگی بود. نام وی «تسائو-تسائو»^{۴۴} است (تولد ۱۵۵- وفات ۲۲۰ میلادی). وی مردی بود دشمن اخلاق سنتی رایج و طرفدار تنوع و هوسبازی. وی با سروده‌های خود راه را برای تحوّل عاطفی در شعر باز کرد. دوپسروی به نامهای «تسائو-په‌ئی»^{۴۵} (که بعدها با نام «وِن» به امپراتوری رسید) و «تسائو-چه»^{۴۶}، شاعران برجسته‌ای بودند. در اشعار این پدر و فرزندان شاعرش مضامین تازه‌ای ظاهر شدند که مورد اقبال قرار گرفتند و تا مدت‌ها رواج داشتند. این مضامین غالباً عبارت بودند از: تصویر مناظر طبیعی با داستانهای کوتاه و شکوه از رنجهای جبهه‌های جنگ. این نوع شعر خیلی بیش از اشعار متقدّم جنبه فردی و شخصی داشت. وانگهی این سه شاعر، بخصوص «تسائو-چه» خیلی مقید به رعایت قوانین «الخان شعری» بودند که بعد از آنها، برای همه شاعران به صورت اجبار درآمد.

«تسائو-تسائو» و دوپسرش نه فقط شاعر که حامی و مدافع شعرا نیز بودند. شاعران با استعداد و توانا را به دربار خود فرا می خواندند و مورد توجه و تفضّل قرار می دادند. از میان شاعرانی که به بارگاه او جلب شده بودند، گروه هفت نفری به نام «شاعران هفتگانه عصر کین-نگان» شهرت داشتند. از میان آنان «وانگ-تسان»^{۴۷} بیش از همه مورد توجه بود. این شاعر توانست با سبکی برجسته و نمایشی تیره‌روزیهای عصر آشفته‌گی و هرج و مرج را تصویر کند.

از میان شاعران پایان عصر «هان» شایسته است نام زنی توانا و باقریحه را ذکر

کنیم. وی «تسائی-ین»^{۴۸} است. این زن که شوهرش را از دست داده بود، توسط قبایل وحشی مغول ربوده شد و مجبور شد مدت ۱۲ سال در میان آنان بماند تا عاقبت امپراتور «تسائو-تسائو» توانست او را خریداری کند. این زن، مصیبت‌های ایام اسارت را در منظومه‌ای مفصل شرح داده است.

امپراتوری «هان» به دنبال هرج و مرج‌های شدید داخلی و فشار قبایل وحشی بیگانه متزلزل شد تا این که از یکسو جنبش‌های عرفانی (مشهور به شورش دستار زردها) و از سوی دیگری ثباتی اقتصادی (بحران کشاورزی ناشی از گسترش مالکیت‌های بزرگ) آن را بکلی از پای در آورد. بعد از امپراتوری هان، سه سلسله به ترتیب به حکومت رسیدند. یکی از آنها سلسله «وی» بود که توسط «تسائو» بنیان گذاشته شد. اشعار زیادی در سبک‌های یو-فو و کو-شه مربوط به این دوران بیان احساسات یأس و بدبینی سال‌های آشفتگی و عدم امنیت است. تعدادی از این اشعار به وسیله تسائو و برخی شاعران دیگر وابسته به گروه هفت نفره به رشته تحریر کشیده شده. اشعار دیگری نیز در دست است که توسط شاعران گمنامی سروده شده‌اند، اشعاری پخته و زیبا، نظیر منظومه مشهور به «طاووس» که در آن رنجهای دودلباخته، که مرگ را بر جدایی و هجران ترجیح دادند تصویر شده. از میان گروه هفت نفره شاعری به نام «چن-لین»^{۴۹} منظومه بسیار زیبایی نگاشته که در آن شکوه‌های زنی را که شوهرش، دور از وی در میدانهای جنگ به سر می‌برد، بیان کرده است. این مضمون بعد از وی توسط شاعران متعدّد دیگری مطرح شده.

اواخر عصر «هان» تا ظهور سلسله «تانگ» (۲۲۰ تا ۶۱۸ میلادی)

تا چهار قرن بعد از سقوط سلسله «هان» همیشه، تمام کشور دستخوش آشفتگیهای سیاسی بوده است: جنگهای داخلی و خارجی و ظهور و افول سریع سلسله‌های ناپایدار سلاطین، از ویژگیهای این چهارصد سال است. در دوره مشهور به «سه پادشاهی» (از ۲۲۱ تا ۲۶۵) کشور همواره آشفته و ناامن بوده است با شروع حکمرانی سلاطین «تسین» وحدت کشور تا حدی تأمین شد، اما باز، طولی نکشید که کشور تجزیه شد: در حالی که در جنوب چین سلاطین محلی حکمفرما بودند. در شمال بیگانگان بر کشور مسلط بودند. چین در جنگهای آسیای مرکزی شکست خورد و فقط در دوران حکمرانی سلسله «وی»، در قرن پنجم بود که با کشورهای غربی دوباره ارتباط برقرار شد. از آن زمان بود که راهبان بودایی از جمله «فا-هین» و دیگران سفرهای زیارتی خود را به سوی هندوستان آغاز کردند و مشاهدات خود را در کتابهایی که به دست ما رسیده نوشته‌اند. دوره مشهور به «شش سلسله» (از ۲۲۰ تا ۵۸۹)، دورانی است که طی آن آیین بودایی در چین گسترش قابل ملاحظه‌ای یافت. این گسترش بیشتر در عرصه هنر جلوه کرد تا در ادبیات مع هذا باید یادآور شد که ترجمه‌های متعدّد از متون سانسکریت به زبان چینی تأثیر زیادی در جامعه چین

داشت. این ترجمه‌ها موجب شد که چین‌ها در مورد واج‌شناسی زبان خود آگاهی بیشتری پیدا کردند، و همین آگاهی تأثیر زیادی بر اصلاح قواعد شعری داشت. در این عصر چندین رساله در مورد فقه اللغة انتشار یافت. در آخر قرن پنجم «سِن یو»^۱ نظریه‌های مشهور به «چهار لحن» و «هشت خطا» را در شعر مطرح ساخت. متون بودایی ترجمه شده نیز مضامین شعری نو و مقدار زیادی افسانه‌های عامیانه را در اختیار ادبا و شاعران گذاشت. بدین ترتیب، زمانی که مذهب بودایی بتدریج خود را بر اذهان تحمیل می‌کرد، مذهب کنفوسیوس نسبت به عصر «هان» تا حد زیادی عقب‌نشینی کرده و منزوی شد. در این زمان دیگر ادبا و متفکرین به مقامات و مشاغل رسمی راه نمی‌یافتند زیرا اعتقادات رسمی کنفوسیوس که وسیله ورود به دستگاه حاکمه بود، از اعتبار افتاده بود. لذا متفکرین و روشنفکران عصر، که دیگر دلیلی برای ماندن در دستگاه دولت نداشتند یا با قبول دستورالعمل‌های تائوئیسم تغییر جهت دادند و یا تسلیم نفوذ روزافزون آیین بودا شدند.

ادبیات این عصر دارای ویژگی تازه‌ای است، که توجه همه‌جانبه به «زیبایی کلام» می‌باشد. این گرایش زیبایی‌شناسانه، از عصر هان و سده پادشاهی هم در نزد برخی از شاعران و نویسندگان مشهود بود و در عصر شش سلسله تا حد افراط ادامه یافت. از این زمان به بعد است که رساله‌های متعددی در زمینه «نظریه زیبایی‌شناسی» و نقدهای ادبی انتشار یافت. قبل از این دوران نویسندگان، بیش از زیبایی لفظ در آثار ادبی برای ارزش اخلاقی آنها اعتبار قایل بودند، حال آن که بعد از افول امپراتوری هان که تائوئیسم جای مسلک کنفوسیوس را گرفت، افکار و نظریات «چوانگ تسه‌تو»^۲ و سبک آثارش بتدریج بر ذوق و فکر زمانه تحمیل شد. این نویسنده بخصوص، ارزشهای رسمی و جنبه‌های فایده‌رسانی و آموزشی آثار ادبی را طرد نمود و در عوض برای ابداع، ابتکار، بدیهه‌سازی و قدرت خلاقه هنری شاعر و نویسنده اعتبار قایل شد. در نظر وی «خلاقیت هنری» به معنای «مشارکت هنرمند در آهنگ‌گردش نظام جهان» بود و این نظریه مبنای نقد ادبی عصر شد.

در این عصر نقد ادبی آغاز شد که اولین وظیفه خود را شرح و طبقه‌بندی انواع ادبی قرار داد. «تسائو پی»^۳ (تولد ۱۸۷- وفات ۲۲۶) که هم شاعر بود و هم امپراتور راه گشای نقد ادبی جدید بود. پس از او «لو- کی»^۴ (تولد ۲۶۱- وفات ۳۰۳) راه وی را ادامه داد. لو- کی مؤلف قطعه شعری از نوع «فو» است که آن را به تعریف هنر اختصاص داده است و در آن نه فقط به انواع ادبی اشاره دارد بلکه از مسأله ابهام شاعرانه و خلاقیت شاعر نیز سخن می‌راند و این قطعه شعر در نهایت دقت و ظرافت سروده شده است. در همین عصر، «کو- هونگ»^۵ که به فلسفه و کیمیاگری می‌پرداخت، در مورد نقد ادبی و سخن‌سنجی از نظر نوگرایان دفاع می‌کند و با پاسداران سنت‌های گذشته می‌ستیزد. اما مهمترین رساله ادبی این عصر، کتابی است با عنوان «روح ادبیات و قلمزنی نقش اردها» اثر «لیو- هیه»^۶ (تولد ۴۶۵- وفات ۵۲۲). این رساله اثری است مفصل، اما بی نظم که با زبانی پاک و آراسته نوشته شده. «لیو- هیه»، در این کتاب سعی کرده است سیادت ادبیات کلاسیک کنفوسیوسی را احیا کند. او از ادبیات کلاسیک به عنوان سرمشق زیبایی هنری یاد می‌کند. حتی خود عنوان کتاب نشان می‌دهد که وی هم به شکل و هم به محتوای ادبی نظر دارد. به عقیده وی اگر شکل و محتوا درخور و شایسته یکدیگر باشند و از افراط و تفریط پرهیز شود، چون کار قلمزنی روی فلز برای حک نقش اردهای پرقدرت چین، هنر به راه صحیح خواهد رفت.

در این زمان، پسر امپراتور «وو- لئانگ»^۷ به نام «سیائو- تونگ»^۸ (تولد ۵۰۱- وفات ۵۳۱)، به سبب عشق و علاقه شدید به ادبیات توانست مجموعه‌ای ادبی به نام «ون- سیوان»^۹ انتشار دهد. قطعاتی که در این مجموعه آمده، منحصرأ به خاطر جنبه‌های زیبایی آن انتخاب شده‌اند.

نباید فراموش کرد که در این عصر، هنرهای زیبا کلاً به نحو چشمگیری شکوفا شد و برای اولین بار نقاشان بزرگی پا به عرصه هنر گذاشتند. از جمله «کو- کای- چه»^{۱۰} که در عصر سلطنت «تسین» می‌زیسته. «سی- هو»^{۱۱} (تولد ۴۷۹- وفات

۵۰۲) که قواعد ششگانه مخصوص هنر نقاشی را اعلام نمود. در زمانی که ادبیات به صورت بازی ظریف و تفتنی پرخرج در می آید، هنر خوشنویسی و خطاطی (که چیزی بین نقاشی و ادبیات بود) موفقیت خود را تثبیت کرد. از جمله هنرمندانی که در این عرصه درخشیدند و به اوج شهرت رسیدند باید به دو نام مشهور اشاره کنیم: «وانگ-هی چه»^{۱۲} (تولد ۳۲۱- وفات ۳۷۹) و پسرش به نام «وانگ-هین چه»^{۱۳} (تولد ۳۴۴- وفات ۳۸۸).

تمام ادبیات چین در فاصله افول سلسله هان و استقرار سلسله تانگ همچنان تحت سلطه و نفوذ سبک ادبی «فو» بوده است. در این دوران، شاعران و نویسندگان تا حد افراط از دو صنعت هنری پاراللیسم (توازی) و استعاره استفاده می کنند بطوری که نثر این دوره نیز غالباً مسجع و موزون است. سعی در آرایشهای کلامی و توجه به زیبایی ظاهری الفاظ موجب تحوّل و اعتلای شکل و قالب می شود، اما در مقابل، ادبیات از نظر صراحت بیان، سادگی فهم و عمق معانی زیان می بیند. این سبک ویژه مسجع را به زبان چینی «پن-ون»^{۱۴} نامیدند (پن به معنای به هم بستن دو اسب برای کالسکه) زیرا در این سبک عبارات و الفاظ به صورت چهار یا شش کلمه قرینه در کنار هم قرار می گیرند.

در عصر سلطنت «وی» (تولد ۲۲۰- وفات ۲۶۵)، و پس از فوت فرزندان «تسائو» و گروه «هفت برادران»، به نام دو شاعر بزرگ برمی خوریم: «ژوان تسی»^{۱۵} (تولد ۲۱۰- وفات ۲۶۳) و «هی کانگ» (تولد ۲۲۳- وفات ۲۶۲)، که گویا هر دو عضو یک گروه هفت نفری به نام: «هفت حکیم جنگل خیزران» بوده اند. اشعار «ژوان تسی» لبریز از احساس بدبینی و درد دوری از وطن است. آثار «هی کانگ» که از مشرب تائوئیسم متأثر است، نوشته هایی با مضامین «غذای حیات» و «موسیقی» را در بر می گیرد. هر دو این شاعران، با سبکی بسادگی نوشته های کلاسیک می نوشتند، اما طولی نکشید که نویسندگان هیأت معروف به «هیأت شش نفره» به تعقید و مغلق نویسی گرایش پیدا کردند.

در پایتخت سلسله پادشاه «تسین»، در نیمه دوم قرن سوم، گروه زیادی از اهل قلم به دربار مجلل پادشاه جذب شدند. وقتی دوشاعر به نامهای «لو-کی» و «لو-یون» خود را به یکی از رجال یعنی «لو-یانگ»^{۱۶} معرفی کردند، چانگ هوا که خود دانشمندی بود با این عبارات از آنها استقبال کرد: «تشریف فرمایی این دو ادیب بزرگ برای ما بسیار بارزتر از سقوط و شکست «وو» بود». و وقتی که «تسو-سه‌ئو» یکی از اشعار مشهور «فو»ی خود را نگاشت، مردم با چنان شوق و ذوقی برای نسخه برداری از اثر وی اقدام کردند که در شهر لویانگ کاغذ نایاب شد. در میان شاعران این دوره تنها «لو-کی» (تولد ۲۶۱ وفات ۳۰۳) بود که هم به خاطر آثار منشور و هم به خاطر شعرهایش از شهرت و محبوبیت برخوردار شد. از جمله شاعران دیگر این دوره باید به دو نام اشاره کنیم: یکی «پان-یو»^{۱۷} (متوفی به سال ۳۰۰ میلادی) شاعر جوان بیست ساله‌ای که هم وقار و شخصیت وی و هم اشعارش تحسین همگان را برمی‌انگیخت. دیگری «تسو-سه‌ئو» (متوفی به سال ۳۰۶ میلادی)، که سراینده اشعار بلندی در دو سبک «فو» و «چه» می‌باشد.

اما، فقط در پایان دوره امپراتوری «تسین» بود که بزرگترین شاعر عصر ظهور کرد. نام وی «تائو-یوانگ-مینگ»^{۱۸} بود (۳۶۵-۴۲۷) وی با سه چیز الفت بسیار داشت: کتاب، شراب و گل. او بیش از شهرت و افتخار در فکر آن بود که در قلب طبیعت زندگی کند. در وی اندیشه «تائوئیسم» غلبه داشت. وی هم نثر و هم شعر را با استادی و تسلط کامل می‌نوشت نمونه برجسته نثر وی قطعه‌ای است با عنوان «چشمه و شکوفه‌های گلابی» و نمونه برجسته اشعار وی در سبکهای «فو» و «چه» عبارت است از قطعه شعری به نام «ترانه بازگشت به خانه». اشعار وی، در میان آثار پرطمطراق معاصرانش از نظر سادگی، دوری از حواشی زاید و کاربرد واژه‌های مأنوس ممتاز است. او علاقه مند است که در نوشته‌هایش از باغش، و از کارهای روزمره‌اش صحبت کند. البته، شراب را نیز فراموش نمی‌کند و آن را برای فراموش

کردن مصائب عصر، در مدّ نظر دارد. وی بخصوص شاعری است منظره‌پرداز و تصویرگر طبیعت و دیری نباید که رقیبانی از جمله «سی-لینگ-یون»^{۱۹} (تولد ۳۸۵- وفات ۴۳۳) پیدا کرد. این شاعر با دقت و ظرافتی بیشتر از سلف خود به تصویر طبیعت می‌پردازد. بدون شک، «تائو-یوان-مینگ» بر شعر بعد از خود تأثیری قاطع برجای گذاشت بطوری که بزرگترین شاعران بعد از وی تانگ و سونگ از او به عنوان استاد خود یاد کرده‌اند. پس از تائو-یوانگ-مینگ، که دوران ظهور و سقوط‌های پی در پی سلسله‌های بی‌دوام است. شعر نیز به تبع وضع اجتماعی لبریز از احساس عدم امنیت، وحشیگری، خشونت و تجمل‌پرستی است که حاکم بر زندگی دربارها بوده است. شاعران بیشتر سخن خود را به ستایش زن و شراب اختصاص می‌دهند و حال آن‌که این مضامین در ادوار دیگر قبل و بعد از این عصر کمتر به چشم می‌خورد. ادبا و شاعران پروردهٔ مکتب کنفوسیوس تنها در زمینه ستایش عشق پاک و زندگی زناشویی و دوستی و همبستگی فلاسفه و متفکرین داد سخن می‌دادند. اما در دربار سلاطین «لیانگ»^{۲۰} (۵۰۲-۵۵۷) و «چن» (۵۵۷-۵۸۹) زبان شاعران به توصیف جمال و عشوه‌گری زنان حرمسرا و عشق‌ها و احساسات درباریان، باز شد. این نوع شعر چنان رواج یافت که موجد نوعی از ادبیات به نام «سبک درباری» یا «کونگ-تی»^{۲۱} شد که خود نوع تازه‌ای از «بو-فو» به شمار می‌آید. خود امپراتوران این دو سلسله نیز گاهی از این نوع اشعار می‌سرودند که احتمالاً همراه با نوای موسیقی خوانده می‌شده در همین عصر است که نوعی ترانهٔ ملی به نام «ترانه‌های سرزمین وو» پدید آمد که مشهورترین آنها، ترانه‌ای است به نام «آوازه‌های تسه‌ئو-یه»^{۲۲}. این اشعار که معمولاً در قالب رباعیهای پنج هجایی سروده می‌شد، از ساخته‌های دختری جوان از ولایت «تسین» آغاز شد. شاعران زیادی از کار او تقلید کردند و هم اکنون تعداد زیادی از این اشعار که در اعصار مختلف سروده شده موجود است. از دوران «شش سلسله» نیز نوعی شعر حماسی بر جای مانده که مؤلف آن را دختر جوانی می‌دانند. نام شعر «مولان-تسه‌ئو»^{۲۳} است. این شعر داستانی، سرگذشت

دختری است که به جای پدر پیرش که فرزند ذکوری ندارد لباس مردان می پوشد و به جنگ می رود. در عصر سلاطین «وی» در اواسط قرن ششم میلادی، شاعری به نام «یانگ-هیوان-چه»^{۲۴}، منظومه ای با عنوان «لو-یانگ کیا لان کی»^{۲۵} نوشت و در آن به ستایش بناهای زیبای بودایی که در دوران آشوبها و هرج و مرج ویران شده بودند پرداخت. شاعر دیگری به نام «لی-تائو-یوان»^{۲۶}، منظومه ای سرود با عنوان «شرح و تفسیر رساله آب ها». شاعر در این اثر کوهها، رودها و دریاچه های چین به توصیف پرداخته و از لحاظ جغرافیایی و تاریخی و خاطرات و جنبه های باستانشناسی آنها را یکایک برمی شمرد. لازم به یادآوری است که «کتاب آب ها» اثر کهن چینی است که ارزش ادبی چندانی ندارد.

بیشتر قصه های قدیمی و یا مجموعه های قصه و افسانه که به زبان چینی «سیائو-چوئو»^{۲۷} می نامند مربوط به عصر «شش سلسله» است. قصه های دوره سلسله امپراتوری هان از میان رفته و تقریباً همه قصه هایی که نویسندگان آنها در این دوره معرفی شده در واقع از آثار متأخر هستند. از میان مشهورترین قصه سرایان چینی به دو نام باید اشاره کرد: «کان-پائو»^{۲۸} و «کو-هونگ»^{۲۹}. مجموعه قصه های نفر اول با عنوان «سه ئو-چن-کی»^{۳۰} مشتمل بر داستانهای کوچک و ماجراهای (شگفت آور) است و می توان رویهمرفته آن را مجموعه ای از فرهنگ عوام (فولکلور) به شمار آورد. داستانها و قصه های زیادی را نیز به نفر دوم یعنی «کو-هونگ» نسبت می دهند که محتوای غالب آنها حوادثی است که در عصر «هان» در شهر «چانگ-نگان»^{۳۱} اتفاق افتاده است. اثر دیگر این قصه نویس کتابی است مشتمل بر شرح حال فلاسفه و متفکرین و نوابغ تائوئیست و در کنار آنها شرح احوال عده ای از جادوگران عصر هان و یا معاصر نویسنده. اما اثر عمده «کو-کینگ» کتابی است در زمینه کیمیاگری و جادوگری. در این کتاب از یک روش خاص «تنفسی» که موجب طول عمر است سخن به میان آمده است. و ضمناً اشاره شده است که تنها با نوشیدن ترکیبی سحرآمیز از شنگرف یا طلای قابل شرب است که آدمی به عمر

جاودان دست می یابد. در این کتاب دستورالعمل تهیه این ترکیب بدقت تنظیم شده است. هو- کونگ، علاوه بر این نسخه های طول عمر، دستورهای دیگری نیز دارد که بر طبق آنها می توان با تهیه معجونهای اسرارآمیز و نوشیدن آنها دیوها و اجنه را طلسم کرد. این متفکر چینی بدون شک از برجسته ترین عقلای چین در طی قرنهای (از هان تا سونگ) بوده است. او در علوم طب، کیمیاگری و عرفان دستی توانا داشته و در زمینه نقد فکر و ادب نیز استاد بوده است. وی در شمار تائوئیست های معتقد بود که در عین وابستگی مذهبی به تائوئیسم و همه اسطوره های ویژه آن، مقام خود را در زمره فلاسفه حفظ کرده است.

سلسله‌های امپراتوری «سوئی»^۱ (۵۸۱-۶۱۸) و «تانگ» (۶۱۸-۹۰۷)

کشور چین که در اواخر عصر امپراتوری هان یکپارچگی خود را از دست داده بود، در دوران کوتاه پادشاهان سلسله «سوئی» دوباره اتحاد و تمامیت ارضی خود را بازیافت و این وضع تا آخر دوران تانگ ادامه یافت. لذا، این دوران تقریباً سیصد ساله را باید دوران عظمت و شکوفایی چین به شمار آورد. و در این مدت، قلمرو امپراتوری چین در بخش وسیعی از آسیای مرکزی و جنوب شرقی گسترش یافت و نظام حکومتی و قوانین چینی در کشورهای همسایه (ویتنام، کره، ژاپن) رواج و مقبولیت یافت. چین با بسیاری از سرزمینهای دوردست روابط تجاری پیدا کرد و مذاهب بزرگ نیز از جمله مذاهب مانی، نسطوری، اسلام، به چین راه یافتند، هرچند این مذاهب تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر آن کشور بر جای نگذاشتند.

از نظر هنر و ادبیات نیز، عصر تانگ، عصری درخشان بود. مذهب بودایی مایه رواج دو هنر مجسمه‌سازی و نقاشی شد. بخصوص آن جنبه تأمل و تفکر خاص که بودایی از تائوئیسم الهام گرفته بود موجب شد که منظره‌سازان و تصویرگران طبیعت،

نوعی فضای عارفانه سرشار از تأمل به آثار خود ببخشند و بر غنا و زیبایی آن بیفزایند. این تحول، در زمینه شعر نیز اتفاق افتاد زیرا در آن عصر، رابطه بسیار نزدیک بین شعر و نقاشی وجود داشت و بسیاری از شاعران، نقاش هم بودند و بالعکس. مثلاً «وانگ وی»^۲ شاعر در عین حال نقاش زبردستی بود.

در عوض، در این دوران چندان نشانی از متفکران مستقل و اصیل دیده نمی شود و غالب متفکران و ادبا نظر خود را معطوف به آثار گذشته کرده و سعی داشتند، کلاسیکها را بهتر درک کنند. در همین احوال است که مذهب (تائوئیسم) به صورت سازمان یافته و منسجم موجودیت می یابد، به رقابت با (آیین بودا) می پردازد و دانشمندان آن، به مجادلات و مباحثات جدی با علمای بودایی برمی خیزند.

چینیها برای مدتی طولانی از تفاوت دو مذهب بودایی و تائوئیسم بروشنی آگاهی نداشتند. در واقع اولین مترجمان آثار هنری، هنگام ترجمه رسالات سانسکریت، واژگان فلسفی خود را از تائوئیسم قرض می گرفتند و به همین دلیل بود که تا مدت مدیدی، چینیها، آیین بودا را یکی از فرق مذهب تائوئیسم می انگاشتند. در دوران تانگ بود که بوداییهای چین بالاخره متوجه شدند که تفاوتهای عمده ای بین دو آیین بودایی و تائوئیسم وجود دارد و این آگاهی بر اثر مسافرت بوداییهای زیادی بود که به قصد زیارت وطن بودا و جستجوی متون مقدس عازم هندوستان شده بودند. این زائران مشتاق، در هدف مقدس خود حاضر بودند هر خطری را به جان بخرند. مشهورترین آنان شخصی بود به نام «هیوان- تسانگ»^۳ (متوفی به سال ۶۴۵) که سفرنامه خود را به درخواست امپراتور «تای- تسونگ»^۴ به رشته تحریر کشید و برای آن عنوان «خاطرات سرزمینهای غربی» را انتخاب کرده، این کتاب از نظر اطلاعات دقیقی که نویسنده درباره نقاط مختلف به دست می دهد، اهمیت بسیار دارد. این نویسنده علاوه بر این تألیف، رسالات زیادی را در هند، به زبان چینی ترجمه کرد و با خود به چین آورد.

هیوان- تسانگ توانست خود را به عنوان یکی از بزرگترین متفکران عصر خویش

نشان دهد و چنینها، از طریق تعلیمات وی و به ترغیب وی بود که به پیشرفتهای واقعی در شناخت و درک آیین بودا دست یافتند. این مسافر و زائر مخلص، راه را برای دیگران باز کرد. پس از وی بود که متفکر دیگری به نام «بی-تسینگ»^۵ (تولد ۶۳۴- وفات ۷۱۳) به زیارت و سیاحت وطن بودا رفت و کتابی مهم نیز با عنوان «شرح احوال مؤمنین برجسته‌ای که در عصر شاهان بزرگ تانگ به جستجوی قانون به مغرب زمین سفر کردند» تألیف کرد.

عصر تانگ برای آیین بودایی دوران شکوفایی و اعتلا به شمار می‌آید. اما این آیین از یک سو با خصومت پیروان کنفوسیوس و حسادت تائوئیست‌ها مواجه شد و از سوی دیگر، به خاطر تجمل و غنای فوق‌العاده معابدش حسادت حکومت را برانگیخت.

در سال ۸۴۵، فرمانی شدیدالحن مبنی بر ممنوعیت پیروی از آیین بودا، معابد آن را به کساد و ویرانی کشید و از این زمان بود که بوداییان نقش سیاسی عمده‌ای را که در حکومت داشتند از دست دادند.

در زمان استقرار حکومت امپراتوران تانگ، ادبیات در وضعیتی شبیه وضعیت ابتدای عصر «هان» بود. بدین معنی که بر اثر هرج و مرجهای طولانی و جنگهای پی در پی نسخ خطی بی شماری از میان رفته و کتابخانه سلطنتی از کتاب خالی شده بود. در زمان سلطنت پادشاهان «سوئی»^۶ با استنساخ از کتابهای موجود در خانه‌های مردم توانستند کتابخانه سلطنتی را دوباره احیا کنند. اما همین کتابخانه بعد از سقوط این سلسله بکلی نابود شد. اگرچه روشنفکران و ادیبان عصر تانگ فعالیت فرهنگی را از سر گرفتند، اما آشفته‌گیهای اجتماعی نیمه دوم قرن هشتم بازهم مصیبت‌هایی برای عالم کتاب به بار آورد. واضح است که در طول تاریخ همواره بخشهای عظیمی از آثار مکتوب بر اثر حوادث و بلایا از میان رفته‌اند. اگر این خسران در زمان پادشاهان تانگ خفیف‌تر بوده است دو دلیل عمده دارد: اول توجه خود متفکران و نویسندگان به حفظ آثار موجود و دیگر اختراع صنعت چاپ، که از موهبت‌های بزرگ و

پرارچی است که نصیب بشر شده. البته نوعی چاپ بدوی به صورت مهرهای برجسته، از قرن اول میلادی هم رواج داشته که بتدریج در اثر پیشرفت صنعت چاپ در قرن هشتم از کارایی عظیمی برخوردار شد. بطوری که، در این قرن بود که آثار بودایی و تائوئیستی در تیراژهای زیاد به چاپ رسید. البته در این زمان هم هنوز آثار ادبی چاپ نمی شد زیرا ادبا عموماً با این اختراع راهبان سر سازگاری نداشتند، اما بعد از سلسله تانگ و شروع دوران مشهور به «پنج سلسله» بخصوص در زمان سلطنت سانگ ها. آثار ادبی نیز از طریق چاپ تکثیر شد: آثار کلاسیک برای اولین بار در حدود سالهای ۹۳۲ تا ۹۵۳ آماده چاپ شدند. لازم به یادآوری است که حروف متحرک و قابل تعویض در حدود اواسط قرن یازده میلادی پیدا شدند. بدیهی است از زمانی که به برکت صنعت چاپ نسخه های کتب، به میزان دلخواه تکثیر شدند، دیگر بسیار کمتر در گذشته در خطر نابودی قرار داشتند.

۱- کلاسیکها در عصر «تانگ»

زمانی که چین، بعد از صدها سال از هم گسیختگی و تفرقه توانست وحدت و یکپارچگی سیاسی پیدا کند، لازم آمد که نظام اخلاقی خود را نیز به سوی وحدت و یکپارچگی بکشاند. در این عصر، در مورد تعلیم رسالات کلاسیک دو مکتب و دو سنت متمایز وجود داشت که به مکتب شمال و مکتب جنوب شهرت داشتند. بدین سبب بود که وقتی سلاطین تانگ در مورد آموزش کتب قانون و احکام آئینی دخالت نمود، یک مکتب تفسیر و تبیین رسمی برای آن به وجود آمد و چنین مقرر شد که پس از بررسی متون مختلف و تفاسیر گونه گون، متنی رسمی انتخاب شده و همگان را به تبعیت از آن دعوت نمایند. در این کار، آثار انتقادی و فلسفی متفکر بزرگ «لو- تو- مینگ»^۷ به کمک دانشمندان شتافت. این شخص در سالهای اولیه استقرار امپراتوری تانگ، در سن ۷۰ سالگی وفات یافت. اثر بزرگ وی، رساله ای بود با عنوان «کینگ- تین- شه- ون»^۸. در این اثر تلفظ حروف و معانی کلمات بکار

برده شده در نسخ مختلف کلاسیکها و سایر متون باستان به تفصیل بررسی شده است. همچنین، امپراتور «تای-سونگ»^۹ (تولد ۶۲۷- وفات ۶۴۹) به دانشمند بزرگ عصر خود «کونگ-یینگ-تا»^{۱۰} و سایر نویسندگان و ادیبان دستور داد که تفسیر دقیقی بر کلاسیکها بنویسند. نویسندگان، از میان تفاسیر موجود، آنهایی را که به نظرشان بهتر و صحیح تر می آمد انتخاب کردند و تفسیر نوینی بر آنها نوشتند با عنوان «معانی صحیح پنج رساله کلاسیک» شرحها و توضیحاتی نیز بر سایر کتب کلاسیک افزوده شد.

مانند آنچه که در عصر هان و وی اتفاق افتاد در دوران سلاطین تانگ هم بعضی از رسالات کلاسیک را بر سنگ حک کردند و این کار بیشتر در زمان پادشاهی «کای-چنگ»^{۱۱} (تولد ۸۳۶- وفات ۸۴۰) انجام شد. برخی از این سنگ نوشته های برجای مانده، از نظر آگاهی به متون انتقادی آن رسالات اهمیت دارد زیرا تمام نسخی که اکنون در دست است متأخر بر این سنگ نبشته ها هستند.

علاوه بر این اقدام رسمی، پژوهشهای فردی و ابتکاری نیز در کنار آنها صورت گرفت که موجب تجدید نظر در متون کلاسیک و ایجاد شک و شبهه نسبت به اصالت بعضی متون و یکطرفه بودن برخی تفاسیر شد. این پژوهشها نشان داد که گذشتگان در هنگام شرح حروف و کلمات متون کلاسیک، برخی معانی آنها را از نظر دور داشته اند. علاوه بر اینها، بعضی از ادبا، بخصوص «تان-چو»^{۱۲} و دوشاگرد وی به نامهای «چائو-کوانگ»^{۱۳} و «لو-چوئن»^{۱۴} در مورد اصالت برخی از تفاسیر سنتی به چون و چرا پرداختند. این برداشت تازه موجب شد که متون کلاسیک بار دیگر مورد مطالعه دقیق و عینی قرار گیرند. این کار از عصر پادشاهی سونگ به بعد گسترش یافت.

همچنین در عصر تانگ، علاوه بر متون کلاسیک، رسالات اساسی و عمده آیین تائوئیسم نیز مورد بازنگری و مطالعه مجدد قرار گرفت. می دانیم که این مذهب در دوران «شش سلسله» تأثیر عظیمی بر ادبیات و تفکر جامعه گذاشته بود.

9- T'ai-tsong 10- K'ong ying ta 11- K'ai tch'eng 12- T'ant chou 13- Tchao K'ouang

14 - Lou Tch'ouen

این تأثیر در عصر تانگ هم ادامه یافت، بخصوص در این عصر، آیین تائوئیسم مورد حمایت رسمی و جدی طبقه حاکمه بود. (امپراتوران تانگ چون همگی لقب «لی» داشتند، معتقد بودند که از اخلاف «لی-ئول» یعنی خود «لائوتسه» می باشند. تفاسیر متعددی در این عصر راجع به کتابهای تائوئیستی نوشته شد، که اکثر آنها از میان رفته است.

۲- شعر

در زمینه شعر، دوران امپراتوری تانگ یکی از درخشانترین اعصار تاریخ چین به شمار می آید: در این عصر، هم شاعران بنام زیادی ظهور کردند و هم انواع تازه شعری به وجود آمد و شکوفا شد. در این عصر، به خاطر وجود امنیت و اتحاد در کشور، و نیز به خاطر توجهات خاص امپراتوران به اهل قلم و هنر، شاعران بیشتر از همه اعصار پیشین از رفاه و آرامش برخوردار بودند. برخلاف دوران مشهور به «شش سلسله» در عصر تانگ، شاعران در پایتخت گرد می آیند، از زندگی شاهانه برخوردار می شوند، و اشراف، که سابقاً همه مقامات مهم دولتی را در انحصار خود داشتند با بی آبرویی و ورشکستگی از حیطه سازمانهای دولتی و درباری پراکنده می شوند زیرا مقامات عالی رتبه و صاحب منصبان تازه از میان کسانی برگزیده می شدند که نه فقط تحصیلات عالی داشتند بلکه می بایست اهل قلم و ادب و حتی شعر باشند. از طرف دیگر گسترش امپراتوری و افزایش قدرت آن باب ارتباط نزدیک با کشورهای خارج را نیز گشود. در این دوران نیز، مانند عصر «هان» ارتباط با خارج از کشور گسترش یافت، اما در مقیاس وسیعتر. این وضع موجب شد که ادبا و هنرمندان چین با هنر و موسیقی و انواع مختلف بیان ادبی سایر ملل آشنا شدند و آنها را در کشور رواج دادند بطوری که این امر تأثیر قوی و ماندگاری بر هنر و ادب و موسیقی چین بر جای گذاشت، بخصوص آهنگهای موسیقی و عروض سایر ملل در سطح گسترده ای رواج یافت.

شعر اعصار «هان» و «شش سلسله» از قواعد معینی پیروی نمی کردند. در واقع، شعر، بی وزن و آزاد بود و به هر تعداد مصرع و بیت سروده می شد این نوع شعر را به

زبان چینی «کو-تی»^{۱۵} یا شعر کهن می نامیدند. اما از عصر تانگ، نوع تازه ای از شعر پدید آمد و در میان غالب شاعران مقبولیت یافت، شعری تابع قواعد دقیق. که آن را به زبان چینی «سین-تی»^{۱۶} یا شعر نو نامیدند. شعر نو، خود مشتمل بر انواعی گوناگون است:

- نوع شعری «لیو-شه»^{۱۷} نوعی شعر «شه» که تابع قواعدی دقیق به نام «لیو» است. این نوع شعر از حدود قرن پنجم، در امپراتوری «شش سلسله» آغاز شد، بخصوص پس از آن که «شن-یو»^{۱۸} (تولد ۴۴۱ - وفات ۵۱۳) تئوری مشهور خود را در مورد نارسائیهای شعر چین و نقیصه های ویژه مربوط به اصوات و نظم آنها، بیان کرد. اما شاعران عصر تانگ بودند که انواع شعر تابع این قواعد را مشخص کردند. این نوع شعر شامل بندهایی است مرکب از هشت بیت پنج یا شش پایه ای و در آن ابیات سه و چهار و پنج و شش از نوعی توازی و آهنگ یکسان برخوردارند.

- نوع شعری «تسیوئه-کیو»^{۱۹} (که ریشه کلمه شناخته نیست). شامل قطعاتی است مرکب از چهار، پنج و هفت پایه.

- نوع شعری «پای-لیو»^{۲۰} که در واقع منظومه های بلندی از همان نوع اول «لیو-شه» است.

قافیه های این اشعار تابع قواعد معینی است: مثلاً بعضی اشعار باید مقفی باشند و بعضی بی قافیه؛ بعضی هجاها یا کلمات داخل متن ابیات باید حتماً متعلق به یک مقوله دستوری مشترک باشند؛ دو نوع وزن قابل تشخیص است که آنها را در زبان چینی به ترتیب «پینگ»^{۲۱} (وزن هموار) و «تسو»^{۲۲} (وزن ناهموار) می نامند. در یک شعر هفت هجایی، هجاهای اول، سوم، پنجم و هفتم را می توان در هر وزنی آورد و حال آن که برای هجاهای زوج، پیروی از چنین قاعده ای مجاز نیست و یک در میان باید وزن هموار یا ناهموار داشته باشند. این قواعد گاه چنان مشکل و پیچیده است که حتی بزرگترین شاعران هم قادر به رعایت کامل آنها نبودند.

قرن اول عصر «تانگ» (عمده قرن هفتم میلادی) را باید دوره انتقال نامید

بدین معنی که شاعران این قرن بر همان سنت و روش شاعران عصر «شش سلسله» ماندند، از این شاعران، چهار نفر از همه برترند: «وانگ پو»^{۲۳} (تولد ۶۴۷ - وفات ۶۷۵)، «یانگ - کیونگ»^{۲۴}، «لو - چائو - لین»^{۲۵} و «لو - یین - وانگ»^{۲۶}. این شاعران آثار خود را به همان سبک دقیق و مصنوع عصر «شش سلسله» نوشتند. شاعر دیگر «شانگ - کوان - یی»^{۲۷} (متوفی به سال ۶۶۴)، یکی از مهمترین جنبه های معانی بیان و فن شعر چینی را، به نام «صنعت توازی» شرح و توضیح داد. وی در کتاب خود به شش نوع «توازی» در کلمات و عبارات قرینه اشاره می کند و نیز هشت نوع شعر موازی را معرفی می کند. خود وی آثارش را به سبکی هموار و پر جلا و لطیف سرود و چنان مقبولیت یافت که آن را سبک «شانگ - کوان» نامیدند. تعداد بیشتری از شاعران این دوران نیز می توان نام برد اما ما فقط به ذکر نام تعدادی از آنها، از جمله «لیو - هی - یی»^{۲۸} اکتفا می کنیم، وی صاحب یک منظومه بسیار زیبا و پرارزش با عنوان «پیرمرد سپیدمو» است با مضمون گذشت زمان و بی وفایی جهان. از دو نفر دیگر نیز باید نام برد زیرا آنان پیشقراولان عصر شکوفایی شعر به شمار می آیند و کسانی هستند که قواعد سبک شعری «لیو - شه» را دقیقاً مراعات نمودند این دو نفر عبارتند از: «شن - تسوان - کی»^{۲۹} (متوفی به سال ۷۱۳) و «سونگ - چه - ون»^{۳۰} (متوفی به حدود سال ۷۱۳). ناقدان در عین این که این شاعران را به کهنه گرایی متهم کرده اند ولی ضمناً یادآور می شوند که شعر به سبک نوین «هفت هجایی» از ابتکارات و ابداعات وی می باشد. برخی شاعران نیز با مخالفت با این سبکهای تکراری بازگشت به سبک عصر «هان» و «وی» را توصیه کردند. از بزرگترین مخالفان شاعری بود به نام «چین - تسو - نگانگ»^{۳۱} (متوفی به سال ۷۰۲) وی متأسفانه شاعر کم مایه ای بود.

عصر درخشان شعر دوره تانگ با آغاز سلطنت «هیوان - تسونگ» شروع شد، دوره ای که شاعران نامداری چون «لی - پو»^{۳۲} و «تو - فو»^{۳۳} را به عالم ادب معرفی

23 - Wang p'o 24 - Yang kiong 25 - Lou tchao - lin 26 - Lo pin - wang. 27 - Chang - kouan yi

28 - Lieou Hi - yi 29 - Chen Ts'uan - k'i 30 - Song - Tche - wen

31 - Tchen tseu - ngang 32 - Li - po 33 - Tou fou

کرد. دوران سلطنت دو امپراتور «کای-یوان»^{۳۴} و «تین-پائو»^{۳۵} که مجموعاً از سال ۷۱۳ تا سال ۷۵۵ طول کشید از درخشانترین اعصار شکوفایی شعر در چین به شمار می‌آیند. عصر تانگ که با شکوه و درخشندگی آغاز شد به صورت غم‌انگیزی به پایان رسید. در آخرین عصر، شورش مشهور به شورش «نگان-لو-شان»^{۳۶} دربار را از پایتخت راند، همه جا غارت شد، همسر سوگلی امپراتور به نام «یانگ-کوئه-فی»^{۳۷} (که سالهای سال شاعران در وصف زیبایی وی داد سخن داده بودند) به قتل رسید. از این زمان به بعد امپراتوری تانگ رو به انحطاط رفت.

بدون شک «لی-پو» (تولد ۷۰۱- وفات ۷۶۲) شاعر نابغه‌ای بود. وی که در نقطه دور افتاده‌ای از ایالت «سه-ئو-چوان»^{۳۸} و شاید هم در ترکستان کنونی شوروی متولد شد، شهر زادگاه را رها کرد، به پایتخت رفت و به دربار امپراتور معرفی شد، در آنجا، شاعر بزرگ «هیوان-تسونگ» با وجود برخی ناهنجاریها در رفتار شاعر جوان با او دوست شد. از «لی-پو» به عنوان شاعری شرابخواره یاد کرده‌اند. مشهور است که وی در شرابخواری به دنبال الهامات هنری بود و با تائوئیست‌ها همساز شده بود که «شراب انسان را تصفیه می‌کند و روح وی را از همه قید و بندها آزاد می‌سازد. به دنبال سعایت دیگران و تحریکاتی که علیه وی صورت گرفت. شهر «چانگ نگان» را ترک کرد و آواره شد و حتی مدتی نیز به زندان افتاد. مرگ وی بر اثر حادثه‌ای اتفاق افتاد: نقل می‌کنند که شبی در حال مستی، سوار بر قایق شد، بعد پاروهای قایق را رها کرد و روی آب خم شد تا تصویر ماه را در آب دریا ببوسد. در این حال تعادل خود را از دست داد و غرق شد. «لی-پو» نویسنده‌ای پرکار بود. مجموعه بزرگی از اشعار گوناگون و نیز نامه‌ها و نوشته‌های متنوع به نثر از وی باقی مانده است. وی برای غربیها از غالب شاعران چینی شناخته‌تر است. آثار شعری وی را که نسبتاً ساده و خالی از ترکیبات پیچیده و عالمانه است، بیشتر از آثار دیگران می‌توان ترجمه کرد هر چند باید گفت که هیچ متن ادبی چینی، اعم از شعریا نثر به آسانی تن به ترجمه نمی‌دهد و این خصیصه به خاطر اختلاف ساخت زبانی است. مضامین آثار وی که

بیشتر: شراب و آزادی، گذشت سریع عمر، و دوستی است، البته مضامین بکرو تازه‌ای نیستند زیرا در آثار غالب شاعران دیگر هم مکرراً به چشم می‌خورند، اما او به نیروی قریحه و ابتکار و تسلط بر زبان، بیش از دیگران از عهده برآمده و با کمترین ترکیبات پیچیده و عالمانه توانسته است مناظر و فضاها را بروشنی (گاهی غم‌انگیز و گاهی پرنشاط) تصویر کند. از اشعار وی برخی داستانی و حتی حماسی است، چیزی که در شعر چینی چندان رواج ندارد.

شهرت «تو-فو» (تولد ۷۱۲- وفات ۷۷۰)، از دوستش «لی-پو» کمتر نیست. او هم در دستگاه امپراتوری «هیوان-تسونگ» صاحب مقام و منزلت بود هر چند نخواست از این موقعیت خود بهره‌گیری کند. شورش «نگان-لو-شان» او را مجبور به ترک پایتخت کرد. بعدها که آشوب اندکی فروکش کرد دوباره به پایتخت بازگشت اما مدتی اندک آن‌جا ماند و در اواخر عمر آواره شد و به شهرستانهای گوناگون سفر کرد و در همه‌جا به دنبال کار می‌گشت: اشعار «تو-فو» به اندازه آثار «لی-پو» درخشان و خودجوش و از دل برآمده نیست اما در عوض به سبکی عالمانه و پرتصنع و محکم نگاشته شده. هر چند برخی از رباعیات وی در کمال سادگی است. البته این رباعیات ساده مربوط به اواخر عمر شاعر است که در آن به شرح روزهای سرگردانی و آوارگی خود پرداخته و یا در آن‌ها به تلخیهای دوران «تین-پائو»^{۳۹} اشاره کرده است. اگر وی غالباً غمها و فریادهای خود را در اشکال شعری سنتی بیان کرده و از قواعد شعری- «لیو-چه» تبعیت کرده و سعی داشته تبخّر و استادی خود را در این نوع عالمانه و مشکل نشان دهد. مع‌هذا در پاره‌ای موارد هم توانسته است خود را از قید و بندهای مصنوعی رها ساخته، اوزان و قوافی ساده‌تری را انتخاب کند. در آثار «تو-فو»، در کنار اشعار عالمانه و استادانه و دقیق. بسیاری اشعار ساده رئالیستی می‌بینیم که شاعر در آنها به حوادث و مناظری پرداخته که شخصاً در طول سفرهای دور و درازش دیده و تجربه کرده است. «تو-فو» از نظر نبوغ تقریباً هم‌تراز «لی-پو» بود اما از عواطف و احساساتی انسانی‌تر برخوردار بود و لذا در رونق و تحول شعر بعد

از خود، بخصوص شعر قرن نهم تأثیر قطعی برجای گذاشت.

تعداد شاعران پراج این دوره آن قدر زیاد است که نمی توان به نام همه آنها اشاره کرد. از مشهورترین آنها باید به نام «وانگ وی»^{۴۰} (تولد ۶۹۹- وفات ۷۵۹) اشاره کنیم. هنرمندی که هم ادیب و زیبایی شناس بود، هم شاعری پرقریحه و هم نقاشی چیره دست. درباره آثار وی گفته اند: تابلوهای نقاشی وی شعر است و شعرهای وی تابلوی نقاشی و در واقع هردوی این آثار از منبعی واحد الهام می گیرند و آن نوعی عرفان تائوئیستی است که تحت تأثیر آئین بودا ملایم و تلطیف شده است. این عرفان شاعر را وامی دارد که در برابر عظمت کائنات، در سکوت و آرامش به تفکر و تعمق پردازد.

«وانگ- وی» از این بابت نیز که بنیانگذار مکتبی است در نقاشی به نام مکتب «منظره سازی»^{۴۱}- شهرت یافته و در این مکتب هنرمند از رنگ بهره نمی گیرد و همه قریحه و ذوق خود را در دورنگ سیاه و سفید منعکس می سازد.

آثار «مونگ- هائو- سان» (تولد ۶۸۹- وفات ۷۴۰)، از نظر سبک خیلی به کارهای «وانگ وی» نزدیک است. بهترین اشعار وی به طبیعت اختصاص دارد. از میان سایر منظره پردازان (پیزاژیست ها)، باید از «چو- کوانگ- هی»^{۴۲} نیز نام برد، منتقدین درباره وی می گفتند که هر بیت از آثار وی به مثابه یک قطعه شعر کامل و بلند است. شاعر دیگر این عصر «وی- یینگ- وو»^{۴۳} است که ناقدان به او لقب «تائو- یوان- مینگ»^{۴۴} جدید، داده اند.

جنگها و آشفتگیهای پی در پی در عصر «هیوان- تسونگ» موجب ظهور مضامین تازه ای در شعر شد که عبارت بودند از: رنج دوری از کانون خانواده، رفتن به جنگ، زندگی در اردوگاههای جنگی و سربازخانه ها. «تو- فو» در این مقولات اشعار بسیار پرسوزی نوشت. علاوه بر «تو- فو» سه شاعر دیگر نیز که خود شهود عینی وقایع جنگ و زندگی در سربازخانه ها بوده اند، اشعاری از همین قبیل سرودند. این شاعران عبارتند از: «کائو- شه»^{۴۵} (متوفی به سال ۷۶۵)، «وانگ- چانگ- لینگ»^{۴۶} و «تسن-

40- Wang wei 41- payasgiste 42- Tch'ou kouang- hi 43- Wei ying- wou

44- T'ao yuan- ming 45- Kao che 46- Wang Tch'ang- ling

تسان»^{۴۷} دو شاعر اخیر، به ترتیب در سالهای ۷۲۷ و ۷۴۴ در جبهه‌های جنگ به عنوان پزشک به خدمت اشتغال داشتند. شاعران دیگر در قرون هشتم و نهم بیشتر به مصائب مردم و پرخاشجوییهای آنان از زمان افول امپراتوری به بعد پرداخته‌اند. از میان آنان این نامها قابل ذکر است: «پو-کیو-یی»^{۴۸} (تولد ۷۷۲- وفات ۸۴۶) و «یوان-چن»^{۴۹} (تولد ۷۷۹- وفات ۸۳۱).

«پو-کیو-یی» را تصویرگر آداب و رسوم عصر خود نامیده‌اند. سبکی آسان و روشن که برای همگان قابل فهم بود داشت. مشهور است وی، اشعارش را قبل از انتشار به پیرزنی می‌داده است که بخواند و هرآنچه را که برای وی نامفهوم یا مبهم می‌بود اصلاح می‌نمود. اشعار وی را مردم به آوازی خوانده‌اند و او به این موفقیت و اقبال عامه مباحثات می‌کرد زیرا این کاریکی از فعالیتهای انقلابی آن سالها به شمار می‌رفت. وی همچنین در اشعار پرحرارت خود به انتقاد از نابسامانی جامعه خود می‌پرداخته. در کنار این نوع آثار ملی و انقلابی به سرودن اشعار عاشقانه زیادی نیز پرداخت که نه فقط در داخل مملکت بلکه در خارج از سرزمین چین نیز رواج یافت. غالب این اشعار تغزلی و عاشقانه به زبان محاوره و قابل فهم همگان نوشته شده است.

«یوان-چن» نیز مانند «پو-کیو-یی» بشدت تحت تأثیر اشعار اجتماعی «تو-فو» شاعر رئالیست و منتقد بزرگ جامعه و دولت قرار گرفت. این دو شاعر امیدوار بودند که با سرودن اشعاری در بیان تیره‌روزیهای ملت تأثیر رضایت بخشی در سیاست هیأت حاکمه برجای بگذارند. و می‌دانیم که در جامعه چین، افکار عمومی همواره از طریق ترانه‌ها و آهنگهای توده‌ای فراگیر، خود را نمایان می‌ساخته است. یکی دیگر از شاعرانی که به تصنیف این نوع اشعار و ترانه‌ها می‌پرداخت «چانگ-کی»^{۵۰} بود. وی در تصویر فقر و تیره‌روزی مردم ید طولایی داشت و مضمون یکی از ویژگیهای شعری نیز دفاع از حقوق زن بود: اشعار وی سرشار است از فریادها و شکوه‌های زنان رها شده، دخترانی که به اجبار تن به ازدواجهای ناخواسته داده‌اند و

زنانی که در کانون خانوادگی جزرنج و مرارت نصیبی از زندگی ندارند و ضمن محکوم نمودن نظام اجتماعی، پیشداوریها و خودخواهیهای مردان را عامل عمده این نابسامانی اعلام می‌کند. شاعر دیگر این دوران «لیو-یو-سی»^{۵۱} نیز از منتقدان، سرسخت حکومت بود. اشعار وی به زبان ساده عوام نوشته شده است. لیو-یو-سی در مقالات خود نیز نشان می‌دهد که وی متفکری بزرگ و نواندیش بوده است.

در مطالعه این دوره، شایسته است نام دیگری نیز از نظر دور نماند: «هان-یو»^{۵۲} (تولد ۷۶۸ وفات ۸۲۴) وی بیشتر از نظر آثار منشور شهرت دارد، مع هذا اشعار او نیز، به عقیده بسیاری از منتقدان ادبی از نظر قُرم و بیان قابل توجه است و در آن نوآوری و ابتکار به چشم می‌خورد. برخی به آثار شعری وی از این نظر که در سبک آزاد و نزدیک به نثر نوشته است ایراد گرفته‌اند. اما نباید فراموش کرد که بعد از انتشار آثار بزرگانی نظیر «تائو-یوان-مینگ» و یا «تو-فو» (که به زبان عامه شعر سرودند)، هان یو نمی‌توانست، شعری غیر از آنچه سرود بسراید.

از نیمه دوم قرن نهم، سبک شعر دوران تانگ یکبار دیگر تغییر یافته و به سبک زمان «شش سلسله» نزدیک می‌شود یعنی از زبان ثوده‌ها دور شده و به صورتی افراطی و مبالغه آمیز به تصنع می‌گراید و در این شعر مضامین مورد توجه عبارتند از: طبیعت و وصف زنان حرمسرای شاهان و بزرگان.

«لی-هو»^{۵۳} (تولد ۷۹۰- وفات ۸۱۶) که شاعری با قریحه و جوان بود (نابهنگام درگذشت) از جمله شاعرانی بود که زیبایی کلمه و بیان را بروشنی و صراحت ترجیح می‌داد. از این سبک شعر دو شاعر دیگر نیز پیروی کردند: یکی از آن دو «لی-شانگ-یین»^{۵۴} (تولد ۸۱۳- وفات ۸۵۸) و دیگری «ون-تینگ-یون»^{۵۵} (متوفی به سال ۸۵۹). شاعر اول، در آثارش به توصیف گل و پروانه و زیبایی زنان پرداخته و برای این منظور از کلمات قدیمی و مهجور به صورتی استادانه استفاده کرده است. شاعر دوم بیشتر از آن جهت شهرت دارد که شکل ادبی نوینی به نام «تسه-ئو»^{۵۶} را بکار گرفته که بعد از وی، در عصر امپراتوری «سونگ» شکوفا می‌شود.

یکی از مشهورترین شاعران اواخر عصر تانگ «تو-مو»^{۵۷} است (تولد ۸۰۳- وفات ۸۵۲) که آثار خود را به سبک و سیاق پو-کیو-یی و «یوان-چن» می نوشت.

۳- ادبیات منشور

۱- «هان-یو»^{۵۸} و «لیو-تسونگ-یوان»^{۵۹}: در عصر تانگ سبک تازه‌ای پدیدار شد که به زبان چینی آن را «کو-ون»^{۶۰} به معنای «نثر باستانی» می نامند. این سبک در واقع عکس العملی بود در برابر سبکی دیگر که به «پین-ون»^{۶۱} به معنای «نثر موازی» مشهور است در عصر «شش سلسله» آثار زیبایی در سبک «پین-ون» به وجود آمد. اما این سبک دو عیب عمده داشت: هم تعابیر و ترکیبات غیر منطقی داشت و هم از صراحت و روشنی بی بهره بود. در نوشته‌های منشور این عصر، نویسنده مجبور بود که جملات و عبارات را به صورتی آراسته و عالمانه بنویسد تا مقبول واقع شود لذا، از نظر محتوا ارزش واقعی نداشت. در ابتدای عصر تانگ گرایشی مخالف با این سبک بروز کرد: چن-تسه-ئو-نگانگ» از سبک عالمانه و پرطمطراق نثر این دوران اعراض می کند و برای رواج مجدد سبک قدیمی کلاسیک به تلاش می پردازد. نظریات او مورد قبول واقع می شود و طولی نمی کشد که نثرنویسان زیادی از او پیروی کرده و سعی می کنند سبک نوشته‌های منشور را به سبک عصر «هان» نزدیک سازند. از میان این نثرنویسان باید به نام «چانگ-کیو-لینگ»^{۶۲} که بزرگترین آنها به شمار می آمد و سبکی ساده و روان داشت اشاره کرد. نویسنده دیگری نیز که سخت با افراط و تفریط ها و آشفتگیهای سبک زمان خود به مخالفت برخاست «یوان-کیه»^{۶۳} شاعری مغرور و در عین حال سخاوتمند بود.

اما بنیانگذار واقعی نثر جدید «هان-یو»^{۶۴} (تولد ۷۶۸- وفات ۸۲۴) است. وی که مردی مؤمن و معتقد به آیین کنفوسیوس بود، رسالت خود را در آن می دانست که سنت فراموش شده کنفوسیوسی را از زمانی که «منسیوس»^{۶۵} از آن اعراض کرده بود دوباره احیا کند. وی دشمن آشتی ناپذیر تائوئیسم و آیین بودا بود و علیه این دو آیین

57- Tou - Mou 58 - Han yu 59 - Lieou Tsong yuan 60 - Kou wen 61 - Pien wen

62 - Tchhang kieou ling 63 - Yuan kie 64 - Hanyu 65 - Mencius

خطابه‌های تند و متعصبانه‌ای نوشت، این نویسنده در زمینه مقالات مربوط به نقد ادبی و تحلیل‌های فلسفی- مذهبی ید طولایی داشت اما ارزش کار وی بیشتر در آن بود که با شجاعت در مقابل نثر مسجع رایج زمانه قد علم کرد و قالبها را درهم شکست، قالبهایی که قرنهای متمادی جلو گسترش و تنوع ادبیات منشور را گرفته بودند. «هان-یو» در نوشته‌های خود اهمیت زیادی به انتخاب واژه‌های دقیق و پرمعنا می‌داد. همچنین در بکار بردن قالبهای دستوری برای بیان هرچه روشتر فکر و احساس دقت کافی مبذول داشت بطوری که، با آثار وی بود که دستور زبان چینی دقت و اهمیت خود را بازیافت. در نثر «هان-یو» هر کلمه در چهارچوب دقیق و منطقی خود جای گرفته. اما با این سبک بیان، زبان نثر اندکی ثقیل تر شد و سجع و وزن که از اختصاصات نثر چینی در طی صدها سال بود، اهمیت خود را از دست داد. «هان-یو» با تلاش زیاد توانست فلسوفی شود و عاقبت نیز به سبکی که در حد کمال بود دست یافت. در واقع آثار وی بود که در عصر «سونگ» به عنوان اولین آثار فلسفی ناب شناخته شد. آثاری که نظیر آن در تمامی ادبیات چین کمیاب بلکه نایاب است.

«لیو-تسونگ-یوان»^{۶۶} (تولد ۷۷۳- وفات ۸۱۹) نیز به اندازه «هان-یو» شهرت یافت و با وی در ایجاد نثر شیوا و منطقی موسوم به «کو-ون»^{۶۷} سهیم بود. این نویسنده اولین کسی بود که به بیان توصیفی مناظر طبیعت اهمیت ویژه داد و در این نوع بیان ادبی نیز به کمال دست یافت. وی، در زمانی که در ایالت «هو-نان» حکومت داشت با دقتی عجیب به توصیف مناظر و گردشگاههای آن دیار پرداخت. وی همچنین قطعات شعری به نثر سرود و در ایجاد و رواج یک نوع بیان ادبی تازه نیز کوشش نمود و زحماتش به نتیجه رسید. آن نوع ادبی «قصه» بود. در قصه‌هایی که نوشته، استادی و مهارت خود را بروشنی نشان داده است. بدین ترتیب سبک «کو-ون» به نثر نویسان عصر امکان داد که با آزادی بیشتری به بیان فکر و احساس خود بپردازند. خالق این سبک «هان-یو» فقط قصد آن داشت که از این سبک برای

احیای سنتهای کنفوسیوسی استفاده کند اما، تلاش وی ناخودآگاه به ایجاد یک نوع بیان ادبی جدید انجامید: قصه گویی.

۲- قصه و داستان کوتاه: قصه و داستان کوتاه مدتها به منزله یک نوع بیان ادبی کم ارزش به شمار می آمد و یا لااقل به منزله نوعی تفتن و سرگرمی ادبا و نویسندگان بود. در مورد سابقه نوع قصه باید یادآور شد که در زمانهای باستان فقط یک نوع داستان و آنهم داستانهای تاریخی رایج بود. اما داستان نویسی، از عصر «هان» به بعد رونق و غنا یافت و در عصر «شش سلسله» مجموعه هایی از قصه و داستان انتشار یافت. با وجود این در واقع از عصر تانگ به بعد بود که قصه به صورت یک نوع با ارزش بیان ادبی مورد قبول واقع شد و اهمیت جنبه های فکلواریک، اسطوره ای و یا اخلاقی قصه تنزل کرد. برخی آثار داستانی عصر تانگ برآستی نوعی شاهکارند و غالب آنها رئالیستی بوده و کسانی که بخواهند با زندگی واقعی آن عصر آشنایی پیدا کنند از خواندن این آثار ناگزیرند، از طرفی، مضامینی که در داستانهای عصر تانگ مطرح شده بعدها به صورت منبع نمایش مورد استفاده قرار می گیرند.

وقایع عصر «تین- پائو»^{۶۸} و آشفته گیهای ناشی از آن در زندگی ادبا و نویسندگان منبع الهام بسیاری از داستان نویسان عصر شد. بدون شک نمونه قصه های تألیفی و بودایی نیز تأثیر بسزائی در رشد قابل ملاحظه نوع داستانی «سیائو- شوئو»^{۶۹}، در عصر تانگ، شدند. از طرفی بعدها، ورود هنرمندان گوناگون خارجی به چین به خلاقیت هنری نویسندگان کمک شایان کرد. نقالان، رقاصان، بازیگران تأثر، و هنرمندان پانتومیم و خیمه شب بازی به دربارهای امپراتوران و حاکمان، جایی که، زنان زیبا و شاعران پرشور در فضایی مجلل در کنار هم می زیستند راه یافتند. لذا بسیاری از رمانهایی که در این دوران نوشته شد به خاطر سبک پرتجمل و پرزرق و برق خود، با نثر ساده و بی پیرایه مورخان و قصه گوینان دورانهای قبل تفاوت زیادی داشتند.

قصه های عصر تانگ غالباً یا داستانهای پهلوانی هستند یا داستانهای عاشقانه و یا قصه های عجیب و غریب پر از شیاطین و اجنه و ارواح خدایان. از میان این انواع

مختلف ذیلًا به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

- قصهٔ پرحادثه و پردسیسه‌ای با عنوان داستان «کیو-یان-کو»^{۷۰}، اثر «تو-کوانگ-تینگ»^{۷۱} که ماجرای آن بدین شرح است: در اواخر عصر «سوئی»^{۷۲}، جوانی به نام «لی-تسینگ»^{۷۳} عاشق خدمتکاریک وزیر والا مقام می‌شود، دل او را به دست می‌آورد و با او به جزیرهٔ تایوان فرار می‌کند. در طول سفر، زوج عاشق با شخصی به نام «کیو-یان-کو» آشنا می‌شوند و بین آنان پیوند دوستی و الفت برقرار می‌شود. وقتی به تایوان می‌رسند، لی-تسینگ، این جوان را به دوستش «لی-شه-مین»^{۷۴} معرفی می‌کند و «کیو-یان-کو» پی می‌برد که این جوان فرزند آسمان است و لذا برای کمک به او همهٔ ثروتش را در اختیار وی می‌گذارد، «لی-تسینگ» نیز همهٔ مهارت و قدرت جنگاوری‌اش را به او هدیه می‌کند. فرزند آسمان به پشتیبانی این دو قدرت مالی و نظامی، خود را تا مقام امپراتوری می‌رساند و به نام امپراتور «تای-تسونگ»^{۷۵} بنیانگذار سلسلهٔ پادشاهان تانگ می‌شود.

- قصهٔ «لیو-یی»^{۷۶} اثر «لی-چاو-وی»^{۷۷} از آن نوع داستانهایی است که در آن حوادثی خارق‌العاده اتفاق می‌افتد. ماجرا به این شرح است: یک ادیب جوان به نام «لیو-یی» که در امتحانات علمی مدرسه‌اش قبول نشده، در راه بازگشت به موطنش به دختر چوپان جوان و فوق‌العاده زیبایی برخورد می‌کند. دختر برای او حکایت می‌کند که بتازگی شوهر کرده و مادر و پدر شوهرش با او بدرفتاری می‌کنند مثلاً او را وادار می‌کنند که گله گوسفندان را به چرا ببرد اما در واقع این حیوانات نه گوسفند، بلکه اژدها هستند. «لیو-یی» تقبّل می‌کند که ماجرا را به پدر دختر که در واقع شاه اژدهاست خبر بدهد و بدین ترتیب دختر را از این مصیبت نجات می‌دهد. هدایای زیادی به عنوان پاداش می‌گیرد و با دست پر به وطنش بر می‌گردد. بعدها با دختری ازدواج می‌کند که کسی جز همان دختر شاه اژدها نیست. عاقبت روزی، این زن و شوهر به موطن اصلی زن یعنی دریاچهٔ «تونگ-تینگ»^{۷۸} می‌روند در اعماق آب فرو رفته و به جاودانان می‌پیوندند.

70 - K'ieou - yank'o 71 - Tou kouang. t'ing 72 - Souei 73 - Li Tsing 74 - Li - chemin

75 - T'ai - tsong 76 - Lieouyi 77 - Li tch'ao wei 78 - Tong ting

- و بالاخره باید به داستانی اشاره کنیم با عنوان «چن- چونگ- کی»^{۷۹} به معنای «رؤیایی بر یک بالش» اثر «شن- کی- تسی»^{۸۰} که در سال ۷۸۰ نوشته شده. نتیجه اخلاقی داستان آن است که مال و منال دنیوی همچون رؤیاهای ما خیالی و دور از واقعیتند. داستان دیگری از همین نویسنده به نام «داستان خانم ین» در دست است. در این قصه مثل بسیاری از قصه‌های دیگر روباههای ماده‌ای را می‌بینیم که در چهره و هیأت زنان ظاهر می‌شوند. لازم به یادآوری است که، حرکات و چهره‌های گونه‌گون روباه یکی از عناصر فوق‌العاده رایج در ادبیات عامیانه چین است.

دوران امپراتوری «سونگ» (از ۹۶۰ تا ۱۲۷۹ میلادی)

بعد از سقوط امپراتوری تانگ، آشوب و هرج و مرج بار دیگر بر کشور پهناور چین حکمفرما شد تا زمانی که سلسله بزرگ دیگری مهار حکومت را در دست گرفت و توانست وحدت ملی را به کشور باز گرداند. در واقع کشور چین در فاصله سال ۹۰۸ تا ۹۶۰ در آتش هرج و مرج می سوخت تا در این سلسله امپراتوری سونگ بر اوضاع مسلط شد. اما دوران امنیت و آرامش نیز فقط تا سال ۱۱۲۶ دوام یافت زیرا در این سال بود که شمال کشور چین مورد تهاجم قوم «تونگو»^۱ قرار گرفت. این قوم، در بخش شمالی چین امپراتوری «کین»^۲ را بنیان گذاشتند و پایتخت آن را پکن قرار دادند در حالی که امپراتوری سونگ مجبور شد به بخش جنوبی چین که پایتخت آن «هانگ-چه تو»^۳ بود قناعت کند. علاوه بر این دو حکومت سلسله دیگری نیز بر بخشی از چین به نام «کان-سو»^۴ فرمان می راند. بر خلاف آن چین گسترده دوران هان و تانگ، حالا چین اصلی محدود به بخش جنوبی «شقط آبی» شده بود. اما در فاصله جنگهای چین با بیگانگان و دشمنان خارجی، در داخل مملکت آرامش و نظم حکمفرما بود و

در این دوران نظم و آرامش بود که تمدنی درخشان پدیدار شد و دوره‌هایی از رونق و پیشرفت در هنر و ادبیات به ظهور رسید. فلسفه نیز نسبت به گذشته رشدی سابقه‌ای پیدا کرد.

۱- آیین کنفوسیوس

در عصر سونگ مطالعه و بررسی آثار فکری کلاسیک دچار تحولی شگرف شد. در این عصر، متفکران دریافتند که در عصر تانگ، علوم رسمی مورد قبول حکومت در واقع منحصر به تفسیر و شرح تفاسیر گذشتگان بوده و فقط چند نفری با دید انتقادی به این آثار می‌نگریستند. در عصر سونگ این دید انتقادی گسترش یافت. در واقع ادبای این عصر، متفکرانی بودند که محتوای آثار کلاسیک را بر طبق فلسفه‌ای نوین تفسیر و تبیین می‌کردند و این فلسفه در واقع معجون و ملغمه‌ای بود از سه جهان‌بینی کنفوسیوسی، تائوئیستی و بودایی. با آن که فلاسفه عصر سونگ، آیین بودایی را، بدوی و وحشی می‌شمردند، خود غیر مستقیم تحت تأثیر آن قرار داشتند. از طرف دیگر مسائل سیاسی جدیدی فکر ادبا و نویسندگان کنفوسیوسی را به خود مشغول ساخت. تعدادی از پیروان آیین کنفوسیوس مقامات بالای حکومت را اشغال کردند و در کار حکومت و کشورداری، افکار و خط مشی خود را در آثار کلاسیک می‌جستند. فان- چونگ-ین^۵ (متوفی به سال ۱۰۵۲) که صاحب منصبی عالیرتبه بود. معتقد بود که «بی- کینگ»^۶ بیانگر تفکر واقعی کنفوسیوس است و حال آن که «چون- تسه‌یو»^۷ به آموزش عملی این جهان‌بینی می‌پردازد. در این کتاب است که بعدها «سئون- فو»^۸ اسرار پیشرفت و موفقیت دولتها را باز می‌جوید و یا «زنگو- یانگ- سیه‌ئو»^۹ به دنبال مبنایی محکم برای اخلاق در اجتماع می‌گردد. حتی عده‌ای نیز، برای یافتن راههای مؤثر مبارزه، با مهاجمین وحشی به تعالیم این اثر کلاسیک ذیقیمت متوسل می‌شدند. زمانی که امپراتور تحت فشار مهاجمین خارجی به نواحی جنوب فرار کرده بود، شعارهای مبارزه با مهاجم و پشتیبانی از امپراتور از همین کتاب استخراج شد و وزیر اصلاح طلب قرن یازدهم به نام «وانگ- نگان- شه»^{۱۰} (تولد ۱۰۲۱- وفات

5 - Fan Tchong - yen 6 - Yi king 7 - Tch'ouen ts'ieou 8 - Souen fou

9 - Ngeou yang sieou 10 - Wang Ngan - che

۱۰۸۶) تصمیم گرفت ساختار اقتصادی و سیاسی امپراتوری را متحول سازد. برای این کار، اولین اقدام وی آن بود که سیستم امتحان و ارزیابی صاحب منصبان حکومت را که توسط اولین پادشاهان سلسله «سونگ» برقرار شده بود تغییر دهد. لذا، در ۱۰۷۵ توانست فرمانی از امپراتور بگیرد مبنی بر این که مواد امتحانی منحصر به شرحها و تفاسیری باشد که خود وی تنظیم کرده بود و به آن عنوان «جهات نوین سه کلاسیک» داده بود. در این نظام جدید آزمونهای ادبی خالص حذف شد و به جای آن به تخصصهای اقتصاد و حقوق و... (یعنی رشته هایی که در کار مملکت داری مؤثر بودند) پرداختند. با این اقدام جسورانه و قاطع وزیر خود را در مقابل مخالفتهای صریح ادبا و شعرا یافت و در رأس این مخالفان «سه-ئو-ما-کوانگ»^{۱۱} (تولد ۱۰۱۹- وفات ۱۰۸۶) قرار داشت که کتاب بسیار مهمی درباره تاریخ تألیف کرده بود. عنوان کتاب وی «آینه تاریخ» نام داشت که نویسنده آن را به عنوان دستورالعمل حاکمان تألیف کرده بود. در این پیکار، ادبا و شعرا محافظه کار پیروز شدند و نظام امتحانی به شکل سابق برگشت یعنی ملاک اصلی اشغال مناصب بلند حکومتی تخصص در ادبیات محض بود. با وجود این شرحهای سنتی و تفاسیر قدیمی بتدریج اعتبار خود را ازدست می دهند. «نگو-یانگ-سیو» بر آن بود که شرحهای کلاسیک از هرگونه تفاسیر فلسفی- مذهبی که یادگار دوران سلسله «هان» است پیراسته شود. وی نسبت به اصالت تفسیری که توسط شخصی به نام «مائو» از کتاب کلاسیک «شه- کینگ» تحریر کرده بود ظنین بود و با اظهار این مطلب نظر انتقادی خود را بصراحت متوجه اصول و قواعد پذیرفته شده پیشینیان کرد. حتی، برخی از علما از جمله عالم مشهور «چو-هی»^{۱۲} (تولد ۱۱۳۰- وفات ۱۲۰۰) به خود نص کتاب کلاسیک «شو- کینگ» با نظر شک و تردید نگریستند و آن را تحریف شده و غیر قابل اعتماد اعلام کردند. همین عالم دینی تردید و عدم اعتماد خود را نسبت به مقدمه کتاب «شه- کینگ» نشان داد و از چاپ جدیدی که زیر نظر خود وی انجام گرفت، این مقدمه را کاملاً حذف کرد. وی ضمناً چهار رساله کلاسیک را، در یک

مجلد جمع‌آوری کرد و تفسیری بر آن نگاشت و آن را «رسالات اربعه» نامید، کتابی که از آن پس مبنای تعالیم اخلاقی کنفوسیوس به شمار آمد. این چهار رساله عبارت بودند از:

- «تا- هیو»^{۱۳} (آموزش بزرگ)
- «چونگ- یونگ»^{۱۴} (محفل پایدار)
- «لئون- یو»^{۱۵} (تقریرات کنفوسیوس)
- «مونگ- تسه‌ئو»^{۱۶} (رسالهٔ منسیوس^{۱۷} که از این پس به عنوان اثری کلاسیک تلقی می‌شود)

علاوه بر این فعالیت‌های فکری، این عالم بزرگ تفاسیر دیگری نیز بر سایر کلاسیک‌ها نوشت و بر خلاف گذشته اصرار داشت علاوه بر شرح معنای عمومی و ظاهری متون، به معنای ریشه‌ای لغات و ترکیبات نیز بپردازد. «چو- هی» در شمار یکی از بزرگترین مفسران کتب و رسالات مذهبی گذشته به شمار می‌آید. بعلاوه، وی را فیلسوف بزرگی می‌دانند که نمایندهٔ اصلی جریانی فکری و اعتقادی بود به نام «آیین نوین کنفوسیوس».

می‌دانیم که مبتکر اولیه این نهضت فلسفی قرون یازدهم و دوازدهم، نویسنده‌ای بود به نام «چئو- تونن- یی»^{۱۸} از این نویسنده بجز دو رسالهٔ مختصر با عناوین زیر، چیزی بر جای نمانده.

- شرح قلّه رفیع (تای- کی- تو- شوئو)^{۱۹}

- رسالهٔ بنیادی، (تونگ- شو)^{۲۰}

وی، در همین دو اثر کوتاه چکیدهٔ افکار خود را ارائه می‌کند: مسألهٔ تکامل جهان هستی، بر مبنای «تای- کی» (قلّه رفیع)، او، این اصل را از یک بیان بسیار کهن در بارهٔ مسألهٔ خلقت استنباط می‌کند. در واقع نظریهٔ وی اساساً بر مبنای رسالهٔ «یی- کینگ» است، هر چند که از تأثیر آیین تائوئیستی نیز بر کنار نمانده است.

مشهورترین شاگردان «چو- تونن- یی»^{۲۱}، دو برادر بودند به نامهای «چنگ-

13 - Ta - hio 14 - Tchong yong 15 - Louenyu 16 - Mong - Tseu 17 - Mencius

18 - Tcheou touen - yi 19 - T'ai - ki tou chou 20 - Tong chou 21 - Tcheou Touen - yi

هائو^{۲۲} (تولد ۱۰۳۲ - وفات ۱۰۸۵) و «چنگ-یی»^{۲۳} (تولد ۱۰۳۳ - وفات ۱۱۰۷) که مکتب فکری مهمی را به نام مکتب «سونگ»^{۲۴} بنیان گذاشتند. حاصل تعلیمات این مکتب ظهور سه فیلسوف بزرگ «چو-هی»^{۲۵} بود که مشی فکری خود را بر مبنای تلفیق و ترکیب اندیشه‌های همه متفکرین سلف بنیاد گذاشت.

«چو-هی» (تولد ۱۱۳۰ - وفات ۱۲۰۰) که قبلاً از وی به عنوان مفسر نام بردیم، آثار عظیمی از خود به جای گذاشت. وی تعداد قابل توجهی شعر، و مقالات پژوهشی فراوانی به نثر نوشت و نشان داد که نویسنده‌ای مبرز و تواناست. سبک نگارش وی روان و سنجیده است و از نظر دامنه علم و غور در مسایل مذهبی در حد والایی است. از خلال مکاتباتش - که در مجموعه آثار وی آمده است - درمی‌یابیم که با تعداد زیادی از دانشمندان عصر خود مکاتبه مستمر داشته است. یکی از آثار مهم وی «تاریخ عمومی چین» است که خلاصه تجدید نظر شده‌ای از «تاریخ چین» اثر «سه-ئو-ما-کوانگ»^{۲۶} می‌باشد. مجموعه آثار فلسفی این متفکر، آثار گذشتگان را از رونق انداخت و بسرعت به صورت یک نظام فلسفی تازه به نام «چوهیسم»^{۲۷} مورد قبول واقع شد. خط اصلی این فلسفه عبارت است از این حقیقت که: طبیعت نیز ماهیتی اخلاقی داشته و مثل هر موجود دیگری سرنوشت محتومی دارد که خداوند به وی اعطا کرده است. قلب انسان که همانا روح و روان وی است، چیزی جز حضور خداوند در وجود انسان نیست، روح انسان رشته پیوند «عالم صغیر» با «عالم کبیر» است. نظام اخلاقی و نظام حرکت جهان بر اصلی واحد استوار و آن اصل «عقل متعالی» است که محور بنیادی کائنات است که به زبان چینی «تای-کی»^{۲۸} می‌نامند. هر موجود و مخلوقی علت وجودی خاص خود را دارد و بر اصلی قطعی و مطلق که پرتوی و جلوه‌ای از «تای-کی» است، استوار است.

تأثیر فلسفه چو-هی در چین بسیار گسترده بوده این فیلسوف بخصوص از طریق مطالعات و پژوهشهای درباره کلاسیکها بود که توانست نظریات خود را بر افکار تحمیل کند و در طول دورانهای «مینگ» و «تسینگ» تفوق خود را بر نظام فکری و

22 - Tch'eng Hao 23 - Tch'eng yi 24 - Song 25 - Tchou Hi 26 - Seou - ma kouang

27 - Tchouhisme 28 - T'ai - ki

عقیدتی کنفوسیوس به اثبات رساند.

۲ - نثر نویسان

نویسندگان عصر سونگ که بیشتر به روشنی بیان متمایل بودند تا زیبایی قالب زبانی، به فکر افتادند دوباره از سبک «کو-ون» پیروی کنند. سبکی که بعد از وفات دو نویسنده بزرگ «هان-یو»، «لیوتسونگ یوان» مهجور مانده بود. در واقع این حرکت ادبی (بازگشتی) بود به عصر «چو» و «هان» بدون آن که به عنوان تبعیت بی چون و چرا از سبک «کو-ون» دوره «نانگ» تلقی شود، بلکه سبکی است با رنگ و جلای خاص خودش. در واقع فلاسفه مکتب کنفوسیوس در جستجوی زبانی بودند که به کمک آن بتوانند در برابر هجوم تبلیغی (آیین بودایی) به مقابله برخیزند لذا، راه چاره اصلی را در آن دیدند که مانند فلاسفه بودایی به زبان مردم سخن بگویند و مقتید به سبک ادبی نباشند و در این راه تا آن جا پیش رفتند که بسیاری از رساله های اعتقادی و فلسفی خود را به زبان «محاوره» توده ها نوشتند. رواج یا افول سبک «کو-ون» همواره در گرو موفقیت یا شکست متفکران کنفوسیوسی بوده است، لذا، در واقع چون عصر «سونگ» دوران پیروزی قطعی مکتب اعتقادی کنفوسیوس بود، دوران شکوفایی سبک «کو-ون» هم به شمار می آمد، سبکی ساده و روشن و بی تعقید که سایر سبکهای مصنوع را از رواج و رونق می اندازد. اما باید یادآور شد که این تحول بیانی موجب شد که ذوق زیبایی از کلام رخت بربندد زیرا اگرچه غالب نثرنویسان عصر، برای بیان والا ترین معانی اخلاقی و فلسفی به سبکی ساده و بی پیرایه و عوام فهم روی آوردند، مع هذا، در همین احوال بسیاری از نویسندگان، اشعار زیبا و قطعات نثر زیبایی سروده اند، از جمله «چو-هی»^{۳۱}، «نگو-یانگ-سیو»^{۳۰} و «وانگ-نگانگ-شه»^{۳۱}

در این عصر، دو نثرنویس بزرگ ظهور کردند: «نگو-یانگ-سیو» و «سو-شه»^{۳۲} نفر اول که بین سالهای ۱۰۰۷ و ۱۰۷۲ می زیسته، مورخ، شاعر و باستانشناس بود.

وی دارای نوشته‌های توصیفی بسیار زیبا و جذابی است. نفر دوم «سو-شه» [که بیشتر به لقب «سو-تونگ-یو» شهرت دارد] و در بین سالهای ۱۰۳۶ و ۱۱۰۱ می‌زیسته از برجسته‌ترین چهره‌های شعر و ادب عصر «سونگ» است. او در همه زمینه‌های ادبی به خصوص در شعر توانا بود. می‌گویند از نظر تسلط بر سبک بیانی «گو-ون» جز پدرش «سو-سیون»^{۳۳} کسی نتوانسته از او پیشی بگیرد. به عقیده بسیاری از منتقدان و نویسندگان عصر، «سو-سیون» از نظر قدرت بیان با بزرگترین نثرنویسان عصر «هان» یعنی «کیا-یی»^{۳۴} و «لیو-هیانگ»^{۳۵} پهلومی زند.

۳ - شعر

اگرچه عصر «سونگ» از نظر شکوفایی شعر و حضور نوابغ شعر، چندان شاخص نبوده و قابل مقایسه با عصر «تانگ»^{۳۶} نمی‌باشد مع هذا، شاعران این زمان از یک جهت برجستگی خاص دارند: در آنان تنوع فکر و ذوق بیشتر است و در مقوله بیان و انتخاب سبک آزادی بیشتری دارند. و توانستند از سبک تازه‌ای به نام «تسه‌ئو»^{۳۷} نهایت بهره را ببرند.

سبک «تسه‌ئو» اساساً سبک بیانی غنایی است. تسه‌ئو در واقع به قطعه شعری اطلاق می‌شود که برای سرودن همراه با موسیقی و آهنگی معین نوشته شده است. البته می‌دانیم که سبک شعری قدیم «شه» نیز برای آواز سروده می‌شد و در دوران تانگ هم، ترانه‌های رایج قطعات شعری به سبک مخصوص «لیو-شه»^{۳۸} و یا «تسیو-کیو»^{۳۹} بودند. اما در این دو شیوه، ابتدا موسیقیدان، قطعه‌ای موسیقی تنظیم می‌کرد و سپس بر مبنای آن آهنگ، شعر غنایی مناسب سروده می‌شد، اما در سبک «تسیو» قضیه برعکس است: ابتدا شعر سروده می‌شود و سپس موسیقی آن تنظیم می‌شود. از چند قرن پیش، چین با آهنگهای موسیقایی بیگانه، بخصوص موسیقی آسیای مرکزی آشنا شده بود و می‌دانیم که این آهنگها در عصر «تانگ» و از اوایل قرن هشتم علاقه‌مندان بی شماری داشت و بسیاری از شاعران اشعاری سرودند که با این

آهنگها خوانده می شود. و بتدریج همین روال برای آهنگهای بومی نیز اجرا شد. کار تلفیق شعر و آهنگ موسیقی آن چنان رواج یافت که شعر ترانه های ناشیانه، خشن و مبتذل قرون گذشته نیز بازنویسی شد و به جای آنها اشعار زیبا، استادانه و پرمعنا گذاشته شد. البته از نظر تقید به سبک موسیقی و آهنگ اولیه، شاعر مجبور بود که قالبهای سنتی را بشکند و ابیات کوتاه و بلند را در کنار هم قرار دهد. در این عصر اشعار بسیار زیادی برای همراهی با آهنگهای رایج سروده شد. اما گاهی شاعران خود را به تبعیت از آهنگ موسیقی مقید نمی ساختند، زیرا در قید آن که شعرشان حتماً به آواز خوانده شود نبودند. هنوز هم در چین اشعار زیادی بر مبنای تعداد چشمگیری ترانه های موجود و رایج سروده می شود (حدود ۸۷۵ ترانه مشخص شناخته شده است) البته موسیقی این ترانه ها مدتهاست به فراموشی سپرده شده.

در مورد تکنیک اشعار «تسه تو» فقط یادآور می شویم که در این هنر نظام قافیه ها همانند شعر «شه» نیستند و در عوض آهنگ کلام از اهمیت برخوردار است و انواع و اقسام آهنگها در این شعر متعددتر از آن است که در شعر «شه» می بینیم. از اواسط قرن هشتم، در عصر تانگ، چند شاعر اقدام به سرودن اشعار «تسه تو» نمودند، از جمله «لیو- یو- سی»^{۴۱} و «پو- کیو- یی»^{۴۲} و چند تن دیگر. بزرگترین استاد فن در این نوع شعر «وِن- تینگ- یون»^{۴۳} بود که در قرن نهم می زیسته. در قرن دهم شاعری به نام «لی یو»^{۴۴} که آخرین شاهزاده وابسته به سلسله پادشاهی بود، در سرودن این نوع شعر استاد مسلم شد. برخی از اشعار این شاهزاده تیره بخت (که دو سال آخر عمر خود را در اسارت گذراند) جزو زیباترین و مؤثرترین قطعات ادبیات چین می باشد. اما در حقیقت در زمان پادشاهان سونگ بود که شعر «تسه تو» شکوفا شد. در این زمان اشعار «تسه تو» با موفقیت زیادی مطرح شد. و در میان عموم طبقات، از شاهزادگان گرفته تا خدمتکاران رواج فوق العاده ای یافت. عاقبت بسیاری از شاعران برجسته به سرودن این نوع شعر پرداختند که مورد توجه بسیار قرار گرفت. و بتدریج به صورت یک نوع ادبی والا شناخته شد. در ابتدای این عصر، سرایندگان «تسه تو» آن را به صورت

تفتنی ظریف در آوردند و با سنت شکنی، تغییراتی در آن دادند و در انتخاب مضامین آزادی بیشتری قائل شدند، چیزی که در هیچ یک از انواع ادبی سنتی سابقه نداشت، شاعران، در این اشعار بیشتر به ستایش زیبارویان درباری می پرداختند و در این کار از به کار بردن تعبیرات عامیانه و روزمره ابایی نداشتند. این نوع شعر امروز هم مورد استفاده نوازندگان و خوانندگان ترانه های مورد علاقه مردم قرار می گیرند. در این اشعار حتی کلمات و عبارات عاشقانه و شهوانی به وفور به کار برده می شد، حتی در آثار شاعران بزرگی نظیر «نگو-یانگ-سیو»^{۴۴}. کاری که ناقدان ادبی را رنجیده خاطر می ساخت. اما این پدیده نشان می دهد که چه اندازه این نوع لحن و بیان و استعمال پاره ای تعبیرات عاشقانه در ابتدای عصر «سونگ» رایج و مورد توجه بوده است.

اشعار «تسه ئو» در ابتدا به صورت ترانه های نسبتاً کوتاه بود. بعدها اشعار بلندتر و مفصلی رایج شد که می بایست با آهنگهای جدیدی خوانده شود. این اشعار بلند را «مان-تسه ئو» می نامیدند و کلمات و تعبیرات آن خیلی به زبان عامیانه نزدیک بود. اولین شاعر سراینده این نوع شعر «لیو-جونگ»^{۴۵} بود که در اوایل قرن یازدهم می زیست. مجموعه شعر این شاعر با عنوان «جو-چانگ-تسی» شامل قطعات بسیار زیبایی است که به زبان عامیانه سروده شده و بسیار مورد اقبال عامه بوده است. با آثار شاعر دیگری به نام «سو-شه»^{۴۶} (تولد ۱۰۳۶ - وفات ۱۱۰۱)، شعر «تسه ئو» مرزهای سخت قواعد دشوار حاکم بر آن را (که ناشی از محدودیت قالبهای موسیقی زمانه بود) در نوردید و تغییرات عمده ای کرد. در این نوع تحول یافته، دیگر از محدودیت مضامین عشقی آثار ترانه سرایان و نوازندگان چندان اثری نبود، ظرافتهای بیانی خیلی لطیف دیگر چندان مقبول نبود و مردم مایل بودند که لحن و تعبیر شعر اندکی مردانه تر و حماسی تر باشد و از این زمان به بعد شعر «تسه ئو» از نظر لحن و ساخت به نوع شعری «شه» نزدیک شد. در ادبیات چین، «سو-تونگ-پو»^{۴۷} هم به عنوان شاعر و هم نثرنویس، مقام بزرگی دارد و حتی می توان گفت سرآمد همگان است. وی خالق اشعار مشهوری از نوع «فو» است و از این نوع شعر تا آن زمان اثر قابل ملاحظه ای

سروده نشده بود. از میان سروده‌های وی باید به قطعه‌ای مشهور با عنوان «سنگهای سرخ ساحلی» اشاره کنیم. وی در این اشعار داستان دو سفر پرخطر را که به اتفاق دوستان شاعر و نوازنده‌اش به سواحل شط‌آبی می‌کند، با زبانی فخیم و پرشکوه بیان می‌کند. وی در این شعر، با تسلط اطلاعات گسترده خود را در مسائل عمومی و تاریخی، با رؤیا و تخیل درهم می‌آمیزد. با این آثار که از نوع «فو» است؛ این شاعر، هنر و تسلط بیان خود را بیشتر در اشعار «تسه‌ئو» نشان داده است. وی در قالب اشعار «تسه‌ئو» هم به توصیف مناظر و شرح سفر می‌پردازد، هم پند و اندرز می‌دهد و هم استدلال فلسفی می‌کند. به عقیده وی، هنر نویسنده باید خودجوش و فی‌البداهه باشد و شاعر باید بتواند بی فشار فکری زیباییهای جهان خارج را تصویر و ارتعاشات و هیجانات درون خویش را بیان کند و «سو-تونگ-پو» پیروان زیادی داشت که برجسته‌ترین آنها «تینگ-کین»^{۴۸} (تولد ۱۰۵۶- وفات ۱۱۲۱) بود.

در اواخر عصر امپراتوری سونگ شمالی، نوع شعری تسه‌ئو، که بیش از پیش خصلت موسیقایی، و آهنگین خود را از دست داده بود، یکبار دیگر ویژگی اولیه خود را بازیابد و این تحول مدیون هنر و تلاش شاعر و موسیقیدان بزرگی به نام «چئو-پانگ-ین»^{۴۹} بود (تولد ۱۰۶۵- وفات ۱۱۲۱). در این زمان که دیگر اشعار «سو-شه» و «هوانگ-ینگ-کین» به شدت با موسیقی بیگانه شده بود، این شاعر و موسیقیدان باذوق آهنگهای زیادی تألیف کرد و اشعاری از نوع «تسه‌ئو» را نیز برای همراهی با آن آهنگها سرود. وی رئیس آکادمی سلطنتی موسیقی بود و در کار تألیف قطعات موسیقی ید طولایی داشت. «پانگ-ین» نیز مانند «لیو-جونگ» در نوع شعری «مان-تسه‌ئو» استاد بود. از اختصاصات موسیقی وی دقت و وسواس در احتراز از نتهای ناخوشایند و انتخاب ضربیهایی است که قادرند نکات و ظرایف احساسی را منتقل نمایند. از این موسیقیدان که بگذریم باید به نام شاعره‌ای نیز اشاره کنیم: «لی-تسینگ-چائو»^{۵۰} (متولد ۱۰۸۱). آثار اولیه این زن شاعر بیانگر شادیها و مراحل جوانی وی است. اما بعدها که شوهر محبوبش را از دست می‌دهد شعرش لبریز از

غم و درد است. وی در سرودن نوع «تسه‌ئو» استاد بود و آثاری که بر این شیوه سرود تحسین منتقدان و اهل ادب را برانگیخت. یک منتقد ادبی می‌گوید: ابیات وی در یک قطعه ادبی، به مثابه دانه‌های ریز و درشت مروارید غلطان‌اند که در پیاله‌ای از سنگ یشم به لغزش درآیند.

در عصر امپراتوران سونگ جنوبی، سرایندگان اشعار «تسه‌ئو» بیش از پیش به اهمیت وزن ابیات، هماهنگی اصوات و زیبایی کلام توجه نمودند، نام‌آورترین شاعران عصر «کیانگ-کوئه»^{۵۱} بود (تولد ۱۱۵۵- وفات ۱۲۳۵). از آن جایی که وی موسیقیدانی هنرمند نیز بود، ترانه‌های تازه‌ای که همراه با اشعارش خوانده می‌شد ساخت. وی، همچنین مقالاتی تحقیقی در زمینه موسیقی تألیف نمود. در علم زبان‌شناسی مهارتی داشت و اصطلاحات تازه‌ای نیز ابداع نمود.

چنین به نظر می‌رسد که کوششهای شعرای عصر سونگ منحصر به اشعار غنایی از نوع «تسه‌ئو» بوده است زیرا شعر «شه» معمولاً در همان مسیری گام برمی‌داشت که در عصر «تانگ» رفته بود. در دوران مشهور به «پنج سلسله» و در اوایل عصر امپراتوری سونگ، فقط شیوه هنری شاعران متصنّع و مغرور اواخر دوره تانگ سرمشق شاعران جدید قرار گرفت. «یانگ-یی»^{۵۲} (تولد ۹۷۴- وفات ۱۰۲۰)، «تسین-وی-ین»^{۵۳}، «لیو-یون»^{۵۴} و دیگران اشعار خود را بر همین شیوه می‌سرودند و ادعا می‌کردند که آثار «لی-شانگ-ین»^{۵۵} را به عنوان سرمشق برگزیده‌اند و سبک خود را «سی-کوئن»^{۵۶} نامیدند و جنگ آثار دسته‌جمعی خود را نیز به همین نام منتشر کردند. در واقع مجموعه شعرى که این گروه از نویسندگان منتشر نمودند عنوان پرطمطراقی داشت: «سی-کوئن-چئو-چانگ-تسی»^{۵۷} به معنای «مجموعه همسرایان کوهستان کوئن غربی» و نام این کوهستان اساطیری است. بزودی این نوع شعر نیز از رونق افتاد و تعدادی از شاعران آن زمان تحت تأثیر «نگو-یانگ-سیو» با سرودن اشعاری ساده و حتی عامیانه به خیال خود در صدایجاد انقلابی ادبی بودند. در این دوران تمام نثرنویسان که در نوشتن آثاری از نوع «کو-ون» استاد بودند، شعر نیز بخصوص از

نوع «شه» می سرودند. برترین این شاعران «نگو-یانگ-سیو» و «سو-شه» بودند. «نگو-یانگ-سیو» مثل بسیاری از شاعران قبل و بعد از خود بیش از هر چیز به وصف طبیعت پرداخت. بسیاری از توصیفهای این شاعر یادآور تابلوهای نقاشی هنرمندان معاصر است.

زمانی که اوبه وزارت رسید بسیاری از ادیبان گمنام را از قبیل «سو-سیون»^{۵۸} و دو پسرش «سو-شه»^{۵۹} و «سو-چه»^{۶۰} را به مردم شناساند و راهنمایی کرد. اشعار «سو-شه» در سبک «شه» دارای همان اختصاصات آثار دیگران هنرمند است؛ روانی، غنای معنی و الهام شاعرانه البته بزرگترین سراینده اشعار «شه» در عصر سونگ جنوب «لو-یو»^{۶۱} (تولد ۱۱۲۵- وفات ۱۲۱۰) است. او یکی از پربارترین شاعران، در همه اعصار به شمار می آید. وی از روحی لطیف و حساس برخوردار بود، و این لطافت و حساسیت که بر همه وقایع زندگی پرحادثه اش اثر گذاشت در آثارش نیز منعکس شده است. در ابتدا سبک «تو-فو» را برای بیان افکار و احساساتش برگزید، بعدها که در جنگهای زیادی شرکت کرد شیوه بیانش مردانه تر و خشن تر شد. این ادیب و شاعر بزرگ در اواخر عمر، به زندگی محدود و منزوی محیط روستا پناه برد و اشعاری سرود که نشان از عدم تعلق کامل خاطر وی به جهان دارد. وی شاعر بزرگی بود که توانست در آثارش مضامینی نظیر عشق به وطن مألوف، زیباییهای طبیعی و بیان غم انگیز خاطرات گذشته را به زیباترین صورت بگنجاند.

۴- قصه و رمان

از دوران امپراتوری تانگ چند رمان به زبان محاوره که در شهر «توئن-هوانگ»^{۶۲} پیدا شده بدست ما رسیده است. این رمان ها قبل از هر چیز در واقع متونی هستند که بوداییان برای تبلیغ افکار و عقاید خود در میان توده های وسیع تنظیم کرده بودند. این نوع متون داستانی تعلیمی را اصطلاحاً «پین-ون»^{۶۳} می نامند. این داستانهای مذهبی شامل نثر و شعر هستند و از نظر سبک بیان بعدها مورد تقلید

ملحدین و مخالفین مذهب نیز قرار گرفت. این مقوله از ادبیات که بسیار هم ساده و ابتدائی است از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا سبک و سیاق آن و مضامین مندرج در آن تأثیر دامنه‌داری در رمان‌نویسی و نمایشنامه‌نویسی اعصار بعد بر جای گذاشت. با استقرار سلسله امپراتوران سونگ، بتدریج داستانهای عامیانه پرتعداد ظاهر شد. منبع و ریشه این داستانها بدون شک، قصه‌گویان و نقالان طبقه عوام است. برخی از این قصه‌ها که معمولاً در میدانهای عمومی برای مردم کوچه و بازار به صورت نقالی اجرا می‌شده، به «ین- تسو- نول»^{۶۴} مشهورند. این کلمه نام ساز موسیقی بوده و معلوم نیست که آیا نقال، داستان خود را همراه با آهنگ موسیقی حکایت می‌کرده است و یا این آلت موسیقی منحصرأ برای گردآوری مردم و مستمعین مورد استفاده قرار می‌گرفته است هر دو فرضیه محتملاً درست است. برخی از این قصه‌ها که به نام «کیانگ- شه»^{۶۵} (به معنای توضیح تاریخ) مشهورند در واقع داستانهای تاریخی‌اند. همین داستانهای تاریخی بعدها، در عصر مینگ به صورت یک نوع بیان ادبی معتبر درآمد. بعضی از داستانهای دیگر نیز به نام «هو- شنگ»^{۶۶} مشهورند. این داستانها گویا حداقل به وسیله دو نقال، به صورت سؤال و جواب حکایت می‌شده است و از این نظر به سبک نمایشی نزدیک است. متون اصلی این داستانهای عامیانه بسیار نادر است. داستانی از عصر سونگ در دست است که عنوان مفصلی دارد: «داستان قاضی بزرگ» «سان تسانگ»^{۶۷} که در عصر با عظمت تانگ به جستجوی تعالیم «سوترا»^{۶۸} رهسپار شد. این رمان که به چند بخش تقسیم شده است قدیم‌ترین رمان موجود در ادبیات چین و نمونه‌نوعی رمان با ارزش عصر مینگ بوده که اصطلاحاً به نام «لی- یو- کی»^{۶۹} مشهور است. این رمان شرح سفر زیارتی شخصیتی مذهبی و مشهور در عصر تانگ به نام «هیوان- تسانگ»^{۷۰} به سرزمین هندوستان است. در این رمان مضامینی راجع به فکر و زندگی چینیان با صبغه

64- yin Tseu eul 65- kiang che 66- Ho- Cheng 67- San- tsang

۶۸ - Soutra . در ادبیات هند به رساله‌ای گفته می‌شد که در آن مجموعه‌ای از کلمات حکمت‌آموز، آیینهای عبادی و دستورهای زندگی گردآوری شده است.

69 - Li - yeou ki 70 - Hiuan Ts'ang

زندگی هندوها درهم آمیخته است. مضامین داستانهای تاریخی این دوره بیشتر مربوط به وقایع و حوادثی است که در عصر «سه امپراتوری» یا عصر «پنج سلسله» (که زیاد دور نیست) اتفاق افتاده است. اگرچه غالب حوادث نقل شده در این داستانها، همان روایاتی است که در تاریخهای رسمی نیز هست اما چاشنی فرهنگ و برداشتهای عامیانه به آن افزوده شده است. لذا از نظر سبک نگارش و بیان برخی بخشها به زبان نوشتاری و رسمی و برخی به زبان محاوره و عامیانه است. چنین به نظر می رسد که این نوشته ها اصالت چندانی نداشته و ظاهراً این داستانهای کهن در عصر «یوان» بازنویسی شده اند. مع هذا قسمتهای زیادی از این رمانها، منبع عمده ادبیات داستانی چین به شمار می آیند.

لازم به تذکر است که ادبیات داستانی عصر سونگ که ریشه در ادبیات عوام دارد کمتر از ادبیات دوره تانگ اعتبار و اهمیت دارد اما از آن نظر که منبع و مایه بسیاری از آثار دوران بعد شد، قابل اعتنا است.

عصر «یوان» یا دوره مغول (۱۲۸۰-۱۳۶۸)

سلسله امپراتوران مغول که از اعقاب چنگیزخان بودند، تنها بیگانگانی بودند که در چین به حکومت رسیدند. در تاریخ چین، این سلسله را به نام «یوان» می نامند. این قوم وحشی و جنگجو بسرعت خود را با فرهنگ چین سازگار کردند و موجب تحولی نسبی در تمدن و سنتهای دربار چین شدند. بویژه در زمینه تأثر، که تا آن زمان به عنوان هنری مبتذل و عامیانه مورد بی اعتنایی قرار گرفته بود و ادبا و شاعران در شأن خود نمی دانستند به آن پردازند. اما در عصر «یوان» بجز تأثر، سایر هنرها روبه انحطاط رفتند، هر چند در کتب تاریخ ادبیات از «رمان عصر یوان» سخن رفته است. می توان گفت که آثار داستانی «یوان» در واقع مربوط به اواخر این سلسله و اوایل عصر مینگ است.

تأثر عصر یوان

ریشه تأثر چین را باید در مراسم مذهبی اعصار باستان جستجو کرد. در جزو اوراق کلاسیک «چو کینگ»^۱ نمونه هایی از سناریوهایی مربوط به رقصهای آیینی برای مابه

یادگار مانده است. در این مراسم ویژه، بازیگران و رقصندگان، قهرمانان تاریخی و اساطیری را بازسازی می‌کردند در این مراسم رقص و سرودهای گروهی نیز نقش عمده‌ای داشته است. «لی-تسه‌ئو»^۲ تاکید می‌کند که در اعصار قدیم‌تر، نمایش عروسکی هم وجود داشته و از طرفی، نقوش بجا مانده از دوره باستان حاکی از آن است که نوعی تردستی و شعبده‌بازی نیز در گذشته رواج داشته و این هنر بخصوص در عصر «هان» در میان همه طبقات مورد توجه بوده است. از تذکره‌ها نیز چنین برمی‌آید که در عصر موسوم به «شش سلسله» انواعی از باله و اپرا وجود داشته که بازیگران آنها با ماسک بر صحنه ظاهر می‌شده‌اند. در دوره تانگ باله و نمایشهای خنده‌آور وجود داشته. در سال ۷۱۴ «هیوان-تسونگ»^{*} در پارک مشهور به «باغ گلایی» موسسه‌ای شبیه نوعی مدرسه موسیقی و با اصطلاح امروز هنرستان دایر کرد و عده‌ای دانشجو در آن به فراگیری موسیقی و رقص و آواز پرداختند. متأسفانه هیچ نمونه‌ای از اشعار نمایشی این دوران بر جای نمانده است. و چنین به نظر می‌رسد که در آن عصر هنوز چیزی به معنای متعارف نمایشنامه شناخته نبوده است. در عصر سونگ گویا در فرصت برگزاری ضیافت‌های رسمی بزرگ، خوانندگانی اشعاری از نوع «تسه‌ئو» را برای انبساط خاطر حاضران می‌خوانده‌اند. اما از آن جایی که ممکن نبود در قالب یک قطعه شعر «تسه‌ئو» قصه و حکایتی را بیان کنند، گویندگان و خوانندگان غالباً مجبور بودند برای بیان داستانی تاریخی یا اساطیری چند قطعه شعر را پشت سر هم، بخوانند. برای این کار می‌بایست یا چند قطعه شعر را به صورت معقولی به یکدیگر پیوند دهند و یا یک قطعه واحد را چند بار بخوانند. غالباً با این اشعار داستانی نوعی تمبک نواخته می‌شده است و لذا، در تذکره‌ها از نوعی شعر تسه-ئو با عنوان «کو-۲-تسه-ئو» نام برده‌اند. (کوبه معنای تمبک است). در این عصر نوعی نمایش به صورت «داستانهای آوازی» رایج بود که همراه با رقص اجرا می‌شده است. این نوع نمایش امروزه منحصراً در قلمرو تأثیر وجود دارد. این نوع (بیان) هنری را در عصر «کین»^۴ (یک سلسله از امپراتوران شمال چین که از سال

۲ - Lie - tseu و حکیم چینی قرن چهارم پیش از میلاد.

۱۱۱۵ به بعد حکومت می کردند) «یوان- پن»^۵ می نامیدند و معمولاً در داخل منازل و با مشارکت زنان رقصنده و آوازخوان اجرا می شده است. متأسفانه از تأثیر یوان- پن و از هنرهای صحنه ای عصر سونگ هیچ گونه اثری برجای نمانده است.

بتدریج، هنر تأثیر اصول و قواعد مشخصی پیدا کرد و در عصر یوان به شکلی مدون درآمد. در این عصر هر نمایشنامه معمولاً شامل چهار پرده و گاهی یک «درآمد» بود. و هر پرده این نمایشها نیز شامل چندین بخش آهنگین بود که می بایست هم قافیه باشند. در هر پرده فقط یک شخصیت آواز می خواند و دیگران اشعار را با صدای بلند می خواندند. بخشهایی که به آواز خوانده می شد تقریباً چیزی شبیه به گروه «گرو» در تراژدیهای یوان بود و نقش آن به عنوان یک واسطه خارج از ماجرا و داستان ایجاد رابطه ای بین مؤلف و تماشاگر بود. درام عصر «یوان» شامل ۹ نقش سنتی بود. شخصیتهای نمایش در متن مشخص می شدند، نه به اسم، بلکه از روی نقش هر کدام. هر بازیگری به محض ورود به صحنه نقش خود را برای تماشاگران توضیح می داد و صفات و خلیات خود را بر می شمرد.

اولین نویسنده تأثیر عصر یوان شخصی است به نام «کوان- هان- کینگ»^۶ که در حدود اواخر دوران امپراتوری «کین»^۷ و اوایل عصر یوان می زیسته. وی صاحب تألیفات نمایشی بسیاری است و از میان نمایشنامه هایی که از وی برجای مانده دو نمایشنامه با عناوین «تئو- نگو- یوان»^۸ و «کیو- فونگ- چن»^۹ می توان نام برد. اولی داستان زن بیوه جوانی است که به اتهام واهی عدول از جاده عفاف بی گناه و مظلومانه به قتل می رسد و از این ظلم آسمان چنان به خشم می آید که در چله تابستان برف می بارد. دومی یک کمدی جالب است که در آن زنی درباری، حيله گر و زیرک، با نقشه ها و تمهیدات عجیب و جالب موفق می شود رابطه زناشویی یکی از دوستانش را با شوهری ناسازگار قطع کند و دوستش را از ازدواجی نامناسب خلاص کند.

و اما مشهورترین نمایشنامه عصر یوان اثری است با عنوان «سی- سیانگ- کی»^{۱۰} نوشته «وانگ- شه- فو»^{۱۱} که تقریباً معاصر «کوان- هان- کینگ» است. این

نمایش داستان عاشقانه زیبایی است که مستقیماً از قصه رایجی در عصر تانگ اقتباس شده است. هرچند ساخت نمایشی آن ضعیف است اما قهرمانان داستان شخصیت‌های زنده و جالبی هستند. گفتگوها با مهارت تنظیم شده و در برخی صحنه‌های آن روح شعر و فضای غنائی حاکم است.

بخشهای آواز در تأثیر یوان موجب ایجاد و ابداع یک نوع شعری جدید به نام «کیو»^{۱۲} یا «سان-کیو»^{۱۳} شد که کم کم جای نوع شعری «تسه‌ئو» را که روز بروز ادبی تر و پیچیده‌تر می‌شد، گرفت. آهنگ این آوازها غالباً با اقتباس از ترانه‌ها و آوازهای عامیانه که در آن عصر بشدت تحت تأثیر موسیقی آسیای صغیر بودند، تنظیم می‌شد. نوع شعری «کیو» شامل ابیاتی است در وزنهای مختلف و متنوع که به زبان محاوره‌ای سروده می‌شده است. نمایشنامه‌نویسان عصر یوان تعداد چشمگیری از این نوع اشعار به خصوص در قالب معینی که به نام «ما-چه-یوان»^{۱۴} مشهور است و بر مبنای مضامین تائوئیستی است سروده می‌شد. اما شعر «تسه-ئو» عاقبت ماهیت و خصلت اولیه خود را از دست داده، از رونق افتاد و این افول بخصوص از زمانی آغاز شد که ادبا سعی کردند آن را از زبان محاوره دور کنند و به نوعی شعر باشکوه و پیچیده تبدیل نمایند.

عصر «مینگ» (۱۳۶۸-۱۶۴۴)

۱- آیین کنفوسیوس

از بسیاری جهات ادبیات عصر مینگ را کلاً آثاری یکنواخت و سطحی به شمار آورده‌اند. قشر روشنفکران پیرو آیین کنفوسیوس که در واقع قشری از بورژوازی رو به افول بود، در این عصر برای گزینش رجال مسؤول مملکت همچنان پایبند نوعی امتحان و ارزشیابی سخت و بیهوده بود. این نظام ارزشیابی مایه رکود فکری می‌شد. در سال ۱۴۱۴، امپراتور «چنگ-تسو»^۱ به کمیسیونی متشکل از روشنفکران و ادبای زمان خود مأموریت داد که تفسیر تازه‌ای بر آثار کلاسیک تدوین کنند. این تفسیر آماده شد و عنوان آن را «مجموعه بزرگ تفسیر کتب اربعه و کلاسیکهای پیچگانه» گذاشتند. این مجموعه جدید مبتنی بر کتب تفسیر بسیار سطحی و کم‌ارزش عصر یوان و تفسیرهای عصر مینگ بود (که آنها هم ساده و بی‌محتوا بودند). این کتاب شامل مجموعه دستورالعملها و دانشهایی بود که صاحب منصبان چینی الزاماً باید فرا می‌گرفتند و با توجه به این که، به علت فساد در حکومت، داوطلبان مشاغل دولتی

حتی پیش از امتحان از همین مواد سطحی و مبتذل نیز با اعمال نفوذ انتخاب می شدند، می توان حدس زد که این افراد باید در چه درجه از شعور و دانش بوده باشند.

تنها آثار بدیعی که در سایه آیین کنفوسیوس به وجود آمد فلسفه «وانگ-یانگ-مینگ»^۲ بود. این نظام فلسفی بر مبنای تفکرات فیلسوفی به نام «لو-سیانگ-شان»^۳ بود که خود معاصر فیلسوف کنفوسیوسی «چو-هی»^۴ به شمار می آمد. لو-سیانگ-شان که بین سالهای ۱۱۳۹ و ۱۱۹۳ می زیسته است و بشدت تحت تأثیر افکار بودایی قرار داشت و به رابطه تنگاتنگی بین عالم وجود و قلب و روح معتقد بود و از سوی دیگر نظم جهانی و عقل کل عالم را با «قلب» از یک مقوله می دانست لذا بیش از عقل و ادراک حسی برای اشراق و ادراک قلبی اعتبار قایل بود. البته، حتی قبل از رواج فلسفه «وانگ-یانگ-مینگ» متفکرین زیادی بودند که مردم را بیش از کسب دانایی و ادراک عقلی، به مکاشفه دعوت می کردند. تفکر کنفوسیوس در دو عصر سونگ و مینگ بشدت تحت تأثیر تفکر بودایی بود.

متفکر دیگر عصر مینگ به نام «واگ-شه-ئو-جن»^۵ (تولد ۱۴۷۲- وفات ۱۵۲۸) عقیده داشت نوعی علم فطری و غریزی در وجود انسان نهفته است و او نام این علم را «علم افضل» می نامید و بر آن بود که این دانش چیزی نیست جز «عقل طبیعی» و یا به اصطلاح چینی «تین-لی»^۶ به معنای «قاعده آسمانی». به عقیده وی روی این عقل طبیعی را حجابی از امیال و نفسانیات پوشانیده و وظیفه انسان رفع این حجابها است تا دسترسی به این منبع فیاض عقل یا علم افضل ممکن گردد. در حالی که فیلسوف کنفوسیوسی «چو-هی» و مکتب فکری وی حقیقت را در خارج از وجود انسان و از طریق مطالعه و پژوهش در طبیعت می جستند، «وانگ یانگ مینگ» به انسان توصیه می کرد که هر چه می تواند به درون بنگرد و حقیقت را در اشراق بجوید. غالب شاگردان این فیلسوف چون فراموش کرده بودند که آموزشهای استادشان موافق با سنتهای کنفوسیوس است و فراگیری آنها محتاج کوشش و تلاش

فوق العاده‌ای است شیفته جنبه‌های ساده و سطحی و آسان این مکتب اشراق شدند و لذا، به بهانه وجود یک علم فطری تلاشی در راه کسب واقعی علم نمی‌کردند و زندگی را تا حدی به عیاشی و هوسبازی و بطالت می‌گذراندند.

۲- شعر و نثر

در اوایل عصر مینگ شاعرانی چند پیدا شدند که به تقلید از شعر دوره تانگ پرداختند. با ذوق‌ترین و مستعدترین آنان، شاعری بود به نام «کائو-کی»^۷ (تولد ۱۳۳۶- وفات ۱۳۷۴) که تأثیر عظیمی بر معاصران خود، داشت. مدتی بعد شاعر و ادیب بزرگ «لی- مونگ-یانگ»^۸ (تولد ۱۴۷۲- وفات ۱۵۲۹) به عنوان مدافع سرسخت بازگشت به دوره باستان به میدان آمد. او، هیچ اثری را که تاریخ تألیف آن تازه‌تر از اواخر عصر «هان» بود نمی‌خواند. شاعر دیگر این دوران «هو- کینگ- مینگ»^۹ (تولد ۱۴۸۳- وفات ۱۵۲۱) اعتقاد راسخ داشت که امپراتور «هان-یو» سبک باستان را بکلی از میان برداشته است. این نظریه پردازان چنان بر معاصرانشان تأثیر گذاشتند که موجب جمود ذوق و قریحه ادبا و شعرای عصر خود شدند. اما در همین عصر برخی از نویسندگان سبک شعری کو-ون در عصر تانگ را بی‌ستایش می‌نگریستند. لذا گروه‌های مختلف رقیب در میان ادبا و شعرا تشکیل شد که می‌توانست مایه شکوفایی هنر شود اما تقریباً هیچ کدام اثر جالب و قابل ملاحظه‌ای خلق نکردند.

۳- تأثر عصر مینگ

رکود عمومی هنر که حاصل کوتاه نظری ادبای کنفوسیوسی بود، که با شیفتگی نسبت به دورانهای باستان مانع بروز ابتکار و خلاقیت می‌شدند، با رونق نسبی تأثر و رمان کمابیش جبران شد. تأثر «یوان» را غالباً «تأثر شمال» نامیده‌اند زیرا غالب مؤلفان و کارگردانان این هنر در آن عصر اهل پکن بودند. آنها در آثار خود تا حد

زیادی از ریتمها و ترانه‌های قبایل بربر استفاده کردند. همین تأثر کم کم به جنوب راه یافت و خود را با سلیقه و سنتهای جنوب تطبیق داد و نام «تأثر جنوب» گرفت اما موسیقی آن با تأثر شمال تفاوت داشت. تأثر عصر مینگ که به نام تأثر «چوان کی»^{۱۱} مشهور است رنگ و حالت یک بازی عامیانه و ملی ندارد بلکه نوعی سرگرمی خاص رجال به شمار می‌آید. این تأثر با تأثر عصر یوان تفاوت‌های بارزی دارد از جمله:

- تعداد پرده‌های نمایش محدود نیست و گاهی به دهها پرده می‌رسد.
- هر پرده شامل چندین شعر و آهنگ متنوع است که دارای قافیه‌های مختلفند.
- در تأثر یوان آوازه‌ها توسط یک خواننده اجرا می‌شود ولی در این تأثر هر بازیگری که روی صحنه است ممکن است آواز بخواند.
- اولین پرده نمایش به صورت پیش درآمدی است که موضوع داستان را به تماشاگر معرفی می‌کند.

در حدود اواخر سلطنت «چنگ-تو»^{۱۱} در فاصله سالهای ۱۵۰۶ و ۱۵۲۱ نویسنده‌ای توانا به نام «وی- لئانگ-فو»^{۱۲} در شهر «کوئن شان»^{۱۳} نوعی تأثر به نام تأثر «کوئن-کیو»^{۱۴} بنیان گذاشت. این نویسنده با همکاری نوازندگان کار همراهی موسیقی و کلام را اعتلا بخشید و بدین سان هنر تأثر به حد بالایی از ظرافت و دقت رسید.

از میان نمایشنامه‌های دوره مینگ که به دست ما رسیده، پنجاه اثر شهرت و اعتبارشان را در طول زمان حفظ کرده‌اند. از مشهورترین آنها نمایشنامه‌ای است با عنوان «پی-پا-کی»^{۱۵} (گیتار) که شاهکار تأثر جنوب محسوب می‌شود. همچنان که نمایشنامه «سی-سیانگ-کی»^{۱۶} شاهکار تأثر شمال به شمار می‌آید. مؤلف این نمایشنامه به نام «کائو-مینگ»^{۱۷} در اواخر عصر یوان و اوایل عصر مینگ می‌زیسته است. قهرمان این نمایش دانشجوی جوانی است به نام «تسای-یونگ»^{۱۸} که تحت فشار پدر و علی‌رغم میل خودش در امتحانات سراسری مملکت

که در پایتخت برگزار می شود شرکت می کند و موفق می شود. پس از این موفقیت صاحب شغل و مقام می گردد و باز علی رغم میل باطنی اش با دختر صاحب منصبی عمده ولی ورشکسته ازدواج می کند، در عین آن که با کمال صدق همچنان به عشق زن اولش پایبند است. پس از ازدواج دوم، زن اول به جستجوی شوهرش می رود و او را باز می یابد و از قضای اتفاق، هر دو زن با هم دوست می شوند و صمیمیتی واقعی بین آنها حکمفرما می شود. این نمایش در عصر خود موفقیت عظیمی داشته و پس از آن نیز قرنهای تماشگران خود را تحت تأثیر قرار داده است بخصوص به خاطر پاکی عشقی که بین «تسای-یونگ» و زن اولش حکمفرماست.

نمایشنامه دیگر عصر مینگ، اثری است با عنوان «مو-تان-تینگ»^{۱۹} (قصرشقایقها) اثر «تانگ-هین-تسو»^{۲۰} (تولد ۱۵۵۰- وفات ۱۶۱۷) داستان این نمایشنامه از این قرار است: «لی- نیانگ»^{۲۱} دختر یک صاحب منصب بزرگ در خواب می بیند که با مرد جوانی به نام «لیو- مونگ- می»^{۲۲} آشنا و عاشق وی می شود، وی نیز که خاطرخواه دختر شده او را به عقد ازدواج خود در می آورد. در بیداری، خاطره این رؤیا چنان در دختر قوت می گیرد که از فراق معشوق خیالی گرفتار درد و رنج می شود به حدی که از شدت دلنگی می میرد. اما مرد جوان که در عالم واقع وجود داشته، روزی از کنار گور معشوقه خفته در خاک می گذرد و با دیدن تصویر آن دختر، سخت شیفته و بی قرار می شود و معجزه عشق، دختر را (که روحش در آن حوالی سرگردان بوده است) زنده می کند. صبغه عاشقانه و پراحساس این اثر موجب شد که قرنهای محبوب و مورد اقبال جوانان چین گردد.

۴- رمان

درخشش و شکوفایی رمان در عصر مینگ بیشتر از تأثر بود. تا این زمان ادبیات داستانی منحصر به قصه و داستان کوتاه بود. اگرچه در عصر «سونگ» رمان یا داستان طولانی کم کم شناخته شده بود اما به عنوان نوع بیان ادبی هنوز در شمار

ادب و هنر عوام محسوب می‌شد. از اواخر عصر یوان و اوایل عصر مینگ، ادبا و نویسندگان شروع به تصنیف رمانهای واقعی کردند و در این نوع بیان ادبی، موفق به خلق آثاری شدند که همواره در زمره موفق‌ترین آثار داستانی در تمام ادوار تاریخ ادب چین به شمار آمده‌اند. در همین زمان، اختراع فن چاپ موجب رونق و رواج بیش از پیش این هنر شد. از طرفی هم متفکران تائوئیست و علمای دین و بودایی، با عنایت به گسترش و رواج بی سابقه نوع رمان، از آن برای تبلیغ و نشر افکار و تعالیم خود استفاده نمودند.

از قرائن برمی‌آید که رمانهای تاریخی پیش از هر نوع دیگری با موفقیت روبرو شده و برای رونق کار خود نقالان مردمی از آن کمال استفاده را کرده‌اند. از مشهورترین این رمانهای تاریخی باید به داستان «تاریخ داستانگونه سه سلسله» اشاره نمود. مؤلف این رمان گویا شخصی به نام «لو-پن»^{۲۳} بوده که در قرن پانزدهم در سال‌های آخر امپراتوری یوان و سال‌های اول امپراتوری مینگ می‌زیسته است. اگرچه رمانهای دیگری را هم به وی نسبت داده‌اند اما شهرت عظیم وی مدیون همین «تاریخ سه سلسله» است. متأسفانه از شرح احوال وی اطلاعی در دست نیست. این رمان در عصر مینگ و تسینگ دوبار بازنویسی شد که باردوم متن رمان به زبان محاوره‌ای درآمد زیرا متن اولیه آن زبان نوشتاری رسمی بود این رمان چنان محبوبیتی یافت که بعد از قرن‌ها هنوز هم اثری پرخواننده بوده و دست به دست می‌گردد. و در واقع اطلاعات مردم عادی از این مقطع تاریخی چین مدیون همین کتاب است و چهره‌های برجسته عصر «سه سلسله» از طریق این رمان در اذهان مردم جای گرفته است. اگرچه این رمان از نظر سبک و ساختار داستانی چندان منسجم و دقیق نیست و داستان اصلی مکرراً با حواشی و قصه‌های جنبی قطع می‌شود، اما در مجموع داستانی پر از نشاط و تحرک و حیات است و راز محبوبیت آن نیز در همین خصیصه نهفته است.

اصولاً در چین، یک سلسله داستانها و رمانهای تاریخی بوده که طبقات وسیع

مردم را در جریان وقایع تاریخی چین قرار می داد و اغلب این داستانهای پرخواننده در عصر سلطنت «وان-لی»^{۲۴} در بین سالهای ۱۵۷۳ و ۱۶۱۹ طبع و در مقیاسی وسیع انتشار یافت.

در کنار این رمانهای تاریخی، رمانهای دیگری نیز تألیف شد که اگرچه هر کدام بر مبنای یک یا چند واقعه تاریخی نگاشته شده بود اما وقایع آن تا حد زیادی محصول تخیل و احساس نویسنده است مثلاً رمان «شوئه-هو-چوان»^{۲۵} (دریا کنار) بر مبنای حادثه جوییهایی یک دسته راهزن شکل گرفته است. این راهزنان پس از آن که در عصر سونگ، مدتها به جان مأموران ظالم دولتی افتاده و حادثه ها آفریدند، عاقبت تسلیم قدرت دربار شدند. این حادثه جوییها قبلاً نیز در برخی آثار داستانی و در تأثیر شمال مورد بهره برداری قرار گرفته بود. البته مؤلفان این نوع داستانها غالباً گمنام بودند و لذا، از احوال و شخصیت آنان اطلاعی به دست ما نرسیده است. در این سلسله داستانها از ۱۰۸ راهزن جوانمرد سخن می رود که کار آنها آزار مأموران فاسد حکومت و احقاق حقوق مردم بوده است.

برخی از این رمانها از واقعیتهای تاریخی به حدی فاصله دارند که به مرز افسانه های غیر طبیعی می رسند. از جمله رمان «سی-یو-کی»^{۲۶} (سفر به دیار مغرب) که گویا تألیف شخصی به نام «وو-چن-نگن»^{۲۷} است که در قرن شانزدهم می زیسته. در واقع نسخه های دیگری از این رمان قبلاً وجود داشته اما در چاپهای اول آنها نام مؤلف نیامده است. مضمون داستان، شرح سفر زیارتی شخصی است به نام «هیوان-تسانگ»^{۲۸} به کشور هندوستان اما فضای داستان به همان اندازه که بودایی است تائوئیستی هم هست و چنین به نظر می رسد که مؤلف اطلاعات محدودی از آیین بودا داشته است.

رمان دیگری در این عصر نوشته شده تحت عنوان «داستان سلطه خدایان». این داستان خواننده را به دنیایی هدایت می کند که در آن جا تنها خدایان، شیاطین و اجنه بر سر نوشت بشر حاکم اند و از اراده آزاد اثری نیست. این داستان شرح مبارزات

24 - Wan li 25 - Chouei - hou tchouan 26 - Si yeou ki 27 - Wou Tch'en - ngen .

28 - Hiuan - tsang

آخرین پادشاه سلسله «یین»^{۲۹} است با امپراتور مشهور «وو»^{۳۰} که بنیانگذار سلسله امپراتوری «چو»^{۳۱} شد. در این پیکارها عاقبت آن سلطان ظالم مغلوب می شود و «وو» به پیروزی می رسد ولی سرداران و جنگجویان هردو جبهه مخالف به مقام خدایان ارتقا پیدا می کنند. این رمان از نظر اطلاعات تاریخی و فلکلوریک بسیار غنی است.

با رمان «کینگ- پینگ- می»^{۳۲} نوع دیگری از رمان پدید می آید که می توان آن را رمان رئالیستی نامید. مؤلف این رمان شناخته نیست و قهرمانان آن از «چوئه- هو- چوان» اقتباس شده است. در این اثر تصویری عریان و خام از آدمهای گوناگون عصر و محیط زندگی آنها به دست داده می شود. مأمورین فاسد، فواحش، دلآلان محبت و شیوه زندگی آنان و نیز فضای حرمرهای رجال عیاش. این رمان چنان با بی پروایی جامعه را تصویر می کند که آثار بسیاری پرده ادبیات ناتورالیستی اروپا نیز به پای آن نمی رسد.

سلسله منچو (تسینگ) (۱۶۴۴-۱۹۱۲)

سلسله تسینگ که سلسله مینگ را برانداخت و بر جای وی به حکمرانی پرداخت، چینی نبوده و از بیگانگان بودند اما، آنها هم مانند مغولها سرعت تمدن و فرهنگ چین را اخذ کردند و خود را با آن تطبیق دادند. تسینگ ها به محض استقرار به فکر جهانگشایی افتادند، کاری که سلسله سلف یک سره کنار گذاشته بود. با استحکام سلسله چنین به نظر می رسید که امپراتوری چین به تدریج عظمت گذشته خود را باز خواهد یافت اما، اگرچه اقدامات و سیاستهای این سلسله در ابتدای کار بسیار درخشان و امیدوار کننده بود اما از اواخر قرن ۱۸ انحطاط آن روز بروز آشکارتر می شد و طبقه حاکم هرچه بیشتر در فساد فرومی رفت و این در حالی بود که فشار مغرب زمین (اروپا) بر این کشور روزه روزه تشدید می شد.

سلسله تسینگ از نظر هنر و ادب، جز دنباله روی از سلسله سلف خود کاری نکرد، اما از اواخر قرن نوزدهم بتدریج، چینیها ادبیات غرب را شناختند لذا در این عصر، ادبا و نویسندگان جز در زمینه رمان از خود ابتکار و خلاقیت نشان ندادند، در عوض در زمینه رمان نبوغ آنان آشکار شد و نیز در علوم و تتبعات دینی و تاریخی رنسانسی واقعی رخ نمود.

۱ - آیین کنفوسیوس و مسأله تحقیق و تتبع

در عصر مینگ دانشهای کلاسیک و مطالعه متون و رسالات کهن متوقف مانده بود. اما از قرن ۱۷ به بعد تعدادی دانشمند بسیار فرزانه در چین پدید آمدند که با تاریخ ادبیات عصر خود با روحیه و برداشتی کاملاً عینی روبرو شدند.

اولین نماینده این گروه از ادبای محقق، «کو-ین-وو»^۱ است (تولد ۱۶۱۳ - وفات ۱۶۸۲). وی در اواخر عصر مینگ می زیسته و بعد از استقرار سلسله منچو، به اکراه با نظام جدید کنار آمد. اما بخوبی آگاه بود در طول چندین قرن هم پژوهش و تتبع و هم اخلاقیات ادبا و بزرگان قلم رو به انحطاط و ادبار رفته است. وی علت اصلی این انحطاط را تفسیرهای افراط کارانه و بی رویه از تفکرات فیلسوف قرن دوازده «چو-هی» و مکتب وی می دانست و عقیده داشت که متفکران بودایی موجب این نابسامانی بوده اند. چو-هی به خصوص با فیلسوف اشرافی «وانگ-یانگ-مینگ»^۲ بشدت مخالف بود در عوض به دانشی عمیق و وسیع که حاصل تلاش فردی و روح نقاد انسان باشد با نظر ستایش می نگریست. «کو-ین-وو» یکی از عمیقترین متفکرانی بود که در مکتب کنفوسیوس پرورش یافت. او اولین کسی بود که اعلام کرد که تکرار نوشته ها و گفته های دیگران چیزی جز اتلاف وقت نیست. و تقلید کورکورانه از متفکران باستان را بشدت محکوم می کرد. وی خود اطلاعات وسیعی از آرا و عقاید کهن باستان داشت و این حقیقت در خلال «یادداشتهای روزانه» او پیداست. وی در این یادداشتهای به خوبی تسلط خود را بر علم گذشتگان نشان داده است. وی رساله ای مفصل نیز در علم جغرافیای تاریخی، اقتصادی و قوم شناسی دارد. مورخان بالاتفاق، «کو-ین-وو» را پدر نقد متون عصر تسینگ دانسته اند. پس از وی نیز ادیبانی ظهور کردند که آثار کلاسیکها و تاریخچه آنها را با نظر علمی و انتقادی مورد بررسی مجدد قرار دادند. این موج تفکر علمی و انتقادی با صبغه چینی چنان درخشان است که بشدت مؤرد تحسین متفکران مغرب زمین نیز قرار گرفته است.

دانشمند دیگر این عصر «ین-جو-کیو»^۳ (تولد ۱۶۳۳- وفات ۱۷۰۴) نیز در تفکر انتقادی خود تا بدان جا پیش رفت که هم بخشهایی از متن کلاسیک «شو-کینگ» و هم تفسیر سنتی مشهور به «کونگ-نگان-کوو»^۴ را مخدوش و فاقد اعتبار اعلام کرد و پس از آن که متفکران دیگری نیز این نظر را تأیید کردند، هاله تقدسی که متون گذشتگان را فرا گرفته بود و کسی جرأت تردید و چون و چرا درباره آنها نداشت بتدریج کم رنگ شد. به عنوان مثال «هو-وی»^۵ (تولد ۱۶۳۳- وفات ۱۷۱۴) اظهار و اثبات کرد که کتابهای کلاسیک مشهور به «هو-تو»^۶ (مناظری از شط). «لو-شو»^۷ «مناظری از دیار لو» که در عصر سونگ آن قدر مورد اعزاز و تقدیس بوده در واقع آثار یک عالم تائوئیست در قرن دهم میلادی می باشد. در همین زمان، دانشمند دیگری به نام «یائو-تسی-هنگ»^۸ اعلام کرد که تعدادی از متون کلاسیک باستان مجعول و فاقد اصالت است.

این گروه از متفکرین اوایل عصر تسینگ قصد خود را مبنی بر بازگشت به علم دوره «هان» و جدایی از مشی تفسیری فلاسفه عصر سونگ آشکارا ابراز کردند. مدتی بعد «هو-تونگ»^۹ (تولد ۱۶۹۷- وفات ۱۷۵۸) پا را از این فراتر گذاشت و تمایل شدید خود را به رجعت تمام و کمال به سوی علم دوره «هان» اعلام نمود. وی عقیده داشت که تفاسیری که در عصر «هان» روی کلاسیکها انجام گرفته ارزش و اعتباری در حد خود کلاسیکها دارند. نظریات این متفکر تحت عنوان «مکتب هو-تونگ» یا «مکتب وو»^{۱۰} جای خود را باز کرد. از پیروان وی می توان به نام های زیر اشاره کرد: «تسین-تا-هین»^{۱۱} و برادرش «تسین-تا-چائو»^{۱۲}، «وانگ-چانگ»^{۱۳} «سوئن-سینگ-ین»^{۱۴} و غیره...

همه این افراد از نظر مطالعه دقیق روی کلاسیکها و نیز در زمینه تاریخ فقه اللغة در سطح بالایی از معرفت بودند.

3- Yen jo- kiu 4- K'ong Ngan -kouo 5- hou wei 6- Ho t'ou 7- lo chou 8- Yao tsi - Heng
9 - Houei Tong

۱۰ - wou ، به نام زادگاه این فیلسوف.

11 - Ts'ien ta- hin 12- Ts'ien ta - tchao 13- Wang Tch'ang 14- Souen -sing yen

بالاخره گرایش دیگری نیز در این عصر ظاهر گردید که نشانه پیشرفت نوینی در روشهای علمی است و آن این که ادبا و متفکران دیگر نه تنها به تفاسیر کلاسیکها بلکه مستقیماً به خود متون مورد استناد شروح و تفاسیر روی آوردند. این گروه متفکران دور فیلسوفی به نام «تای-چن»^{۱۵} (تولد ۱۷۲۳- وفات ۱۷۷۷) جمع شدند و خود را گروه «هوان»^{۱۶} نامیدند. این متفکر ابتدا به علم رجال و سپس به ستاره‌شناسی، ریاضیات و جغرافیا پرداخت. وی مشرب فلسفی خاص خود تأسیس نمود و آن را برای مقابله با نئوکنفوسیانیسم عصر سونگ به کار گرفت. از میان مشهورترین شاگردان این متفکر به سه نام اشاره می‌کنیم:

«توان-یو-ستای»^{۱۷}، «وانگ-نین-سوئن»^{۱۸} و «وانگ-یین-چه»^{۱۹}.

در مقوله نقد تاریخی، «تسونه-شو»^{۲۰} (تولد ۱۷۴۰- وفات ۱۸۱۶) برای اولین بار نشان داد که چگونه افسانه‌های باستان شکل گرفته و بتدریج در طول قرون پروبال گرفته‌اند و این در واقع نویسندگان گذشته برای بیان و تصویر افکار خود به دانش عوام متوسل می‌شده‌اند.

ما نمی‌توانیم در این جا به نام همه دانشمندان و متفکرانی که درباره کلاسیکها، ادبیات و تاریخ کار کرده‌اند اشاره کنیم. پژوهشهای آنان درباره کلاسیکها در مجموعه‌ای مفصل جمع‌آوری شده تحت عنوان: «توضیحاتی درباره کلاسیکهای عصر مقدس تسینگ».

این مجموعه به سال ۱۸۲۹ و در شهر کانتون و تحت سرپرستی ادیبی به نام «جوان-یوان»^{۲۱} (۱۷۶۴-۱۸۴۹) منتشر شد. بعدها تکمله‌ای بر این کتاب توسط «وانگ-سین-کین»^{۲۲} (۱۸۴۲-۱۹۱۸) نوشته و چاپ شد. در کنار همه این مطالعات، یک سلسله شرح حال‌هایی از بزرگان فکر و فلسفه تألیف شده که برای شناخت تاریخ چین ابزاری بسیار ضروری به شمار می‌آیند و هیچ محقق از مطالعه آنها بی‌نیاز نخواهد بود. در عصر «کانگ-هی»^{۲۳} (۱۶۶۲-۱۷۲۲) محقق به نام

15 - Tai Tchen

۱۶ - Houan شهرزادگاه استادان جمعیت.

17 - Touan yu - ts'ai 18 - Wang Nien souen 19 - Wang yin - tche 20 - Ts'oueichou

21 - Jouan yuan. 22 - Wang sien - k'ien 23 - K'ang Hi

«جو-یی-تسوئن»^{۲۴}، مجموعه‌ای با عنوان «کینگ، یی-کائو»^{۲۵} فراهم آورد شامل فهرست همهٔ رسالات قدیم و جدیدی که دربارهٔ کلاسیکها نگاشته شده، همراه با یک بررسی انتقادی دربارهٔ یکایک آنها از همهٔ این‌ها مهم‌تر کاتالوگی است که به دستور امپراتور «کین-لونگ»^{۲۶} تهیه شد. در این فهرست عظیم که برای نگهداری در کتابخانهٔ سلطنتی فراهم گردید، علاوه برنام، هراثرورساله، توضیحی تاریخی و یک بررسی انتقادی کوتاه نیز آمده است.

وقتی ادبا و متفکرین اوایل عصر تسینگ سخن از بازگشت به علوم عصر «هان» می‌کردند منظور آنها، رجعت به آثار مفسران زمان سلسلهٔ دوم امپراتوران هان بود که مهمترین این مفسران «چنگ-هیوان» بود. دانشمندان این عصر متعلق به مکتبی به نام «کو-ون»^{۲۷} بودند. این دانشمندان نه فقط به بررسی و نقد متون رسمی زمان خود می‌پرداختند بلکه متون قدیم را نیز که بتدریج کشف می‌شد و با خطوط باستانی نوشته شده بود، با دقت و غور بررسی می‌کردند و در واقع دانشمندان عصر تسینگ به این آثار باستانی بیش از متون رایج اهمیت و اعتبار می‌دادند برعکس در قرن ۱۹ هم به دلایل سیاسی و هم به دلایل علمی مشی خود را تغییر دادند به بازنگری مجدد سخنان والا و بررسی افکار بلند کنفوسیوس پرداختند و امیدوار بودند که با این کار در ایجاد عصر صلح و آرامش برای بشر و در سایهٔ تعالیم کنفوسیوس سهمی ایفا کنند و از طرفی فتوای مبارزه با نظام حاکم، یعنی امپراتوری بیگانه منچو صادر کردند و مردم را به تأسیس حکومتی ملی و برخوردار از صلح و صفا ترغیب نمودند. این متفکران، «لیو-هین» فیلسوف را متهم می‌کردند که متون کلاسیک را به میل خود دستکاری نموده و لذا این متون نمی‌توانند دیگر مورد اعتماد و اتکاء باشند. به عقیدهٔ آنان، همهٔ این تحریفها در متون گذشته برای هموار نمودن زمینهٔ حکومت پادشاهی غاصب به نام «وانگ-مانگ»^{۲۸} (۳۳ قبل از میلاد تا ۲۳ بعد از میلاد) بوده است. نمایندهٔ عمدهٔ این نهضت جدید «کانگ-یو-وی»^{۲۹} (۱۸۵۸-۱۹۲۷) است. وی در اثر عمدهٔ خود تحت عنوان «کلاسیکهای دروغین عصر وانگ-مانگ» تمام

دلایل رقبای خود را بی اعتبار کرد. وی می‌گفت این تحریف کنندگان تاریخ سعی کرده‌اند کنفوسیوس را تا حد یک مورخ ساده تنزل دهند و حال آن که وی یک مصلح اخلاقی بزرگ و بنیانگذار مذهبی مهم بوده است و لذا در رساله دوم خود با عنوان «کنفوسیوس، مصلح بزرگ» به تفصیل به این مطلب پرداخته است. این رساله در سال ۱۸۹۷ به چاپ رسید. او، در رساله دیگری به نام «وحدت بزرگ» (که در ۱۹۱۳ در مجله‌ای به چاپ رسید) طرح یک جامعه آرمانی (اوتوپیا) را ارائه می‌کند که با تلفیقی از مشی کنفوسیوس و ایده‌های کمونیستی تحقق می‌یابد. شاگرد مبرز «کانگ-یو-وی» فیلسوف سیاستمداری به نام «لئانگ-کیچائو»^{۳۰} (۱۸۷۳-۱۹۲۹) است. وی تفکری عالمانه‌تر از استاد خود داشت و لذا آرای وی، بخصوص در فلسفه سیاست مورد توجه وسیع قرار گرفت و در نهضت اصلاح طلبانه بعد از سال ۱۸۹۶ نقش بسزایی داشت. یکی از آثار عمده این متفکر قرن ۱۹ تحت عنوان «تاریخ تفکر سیاسی در چین» به انگلیسی ترجمه شده است.

۲- شعر

شعر در عصر تسینگ، نه از نظر کیفیت آثار بلکه فقط از نظر تعداد شاعران این دوره قابل توجه است. غالب این شاعران صاحب قریحه و ذوق بوده اما شمار اندکی از آنان از شخصیت و اصالت برخوردارند زیرا با دقت و وسواس و وفاداری، از سبک و مشی شاعران عصر تانگ و سونگ تقلید می‌کنند و از ابداع و نوآوری ابا دارند. در نظر آنان شعر نوعی بازی و هنرنمایی عالمانه است و نه هنری واقعی. در عین حال در میان آنان شاعری به نام «کو-ین-وو»^{۳۱} در سالهای اول این عصر پیدا شد که به دور از تعقید و تصنع اشعاری سرود و در آنها نوعی وفاداری همراه با حسرت و دل‌تنگی برای عصر امپراتوری مینگ بیان کرد.

یکی از مشهورترین شاعران عصر تسینگ «وانگ-شه-چن»^{۳۲} (۱۶۳۴-۱۷۱۱) بود که علاوه بر شعر، در نقد هنر شاعری دستی داشت، و در هنر صاحب

نظریه بود. وی عقیده داشت که شاعران زمان وی باید از شاعران هر سه دورهٔ تانگ، سونگ و یوان سرمشق بگیرند. آیدال وی در شعر، چیزی بود که «شن-یون»^{۳۳} می نامید یعنی «قافیه ربوبی»، عبارتی مبهم به معنای تقریبی زبان و آهنگ پاک و والای شعر. از میان صاحب نظران دیگر این عصر باید به نام «یوان-می»^{۳۴} (۱۷۱۶-۱۷۹۷) اشاره کنیم، شاعری بسیار با قریحه و صاحب مکتب شعری. وی عقیده داشت که شاعر نباید خود را به هیچ نوع تئوری از پیش ساخته مقید سازد بلکه باید آزادانه به بیان احساسات و عواطف خویش پردازد.

در عصر تسینگ، نوع شعری «تسه تو» دوباره شکوفا می شود اما هرگز به آن حد از کمال که در عصر سونگ داشت نرسید. در این زمینه از تنها شاعر صاحب قریحه ای که باید نام برد «نا-لان-سینگ-تو»^{۳۵} است (۱۶۵۵-۱۶۸۵) که با بیان بسیار مؤثر و منقلب کننده درد مرگ همسر را سروده است. «مائو-کی-لینگ»^{۳۶} (۱۷۱۶-۱۶۲۳) که نویسندهٔ باارزشی در این عصر به شمار می آید، مقالاتی دربارهٔ تکنیک شعر «تسه تو» نوشت.

۳- تأثر

تأثر عصر تسینگ دنبالهٔ سنت تأثری «چوان-کی»^{۳۷} عصر مینگ است. این نوع هنر نمایشی از اولین سالهای حکمرانی سلسله تسینگ تا اواخر قرن ۱۸ از رونق و شکوفایی برخوردار بود و در این مدت تعداد بی شماری نمایشنامه تألیف شد. مشهورترین نمایشنامه نویسان این عصر عبارتند از: «لی-یو»^{۳۸}، «کونگ شانگ-جن»^{۳۹} و «هونگ-چنگ»^{۴۰}.

«لی-یو» قصه هایی به سبک عصر تانگ تنظیم نمود و اثری در زمینه نقد تأثر نیز تألیف کرد. از میان آثار متعدد وی، بهترین نمایشنامه هایش را در مجموعه ای با عنوان «شه-چونگ-کیو»^{۴۱} گرد آورده اند. برخلاف روش برخی از نویسندگان معاصرش که مقید بودند از سبک نمایشنامه نویسی قدیم تقلید نموده و آثاری غیر قابل

33- Chen Yun 34- Yuan Mei 35- Na-lan-sing-to 36- Maoki-ling 37- Tch'ouan-k'i
38- Li-yu 39- K'ongchang-jen 40- Hongcheng 41- Che-tchong k'iu

اجرا تألیف کنند، نمایشنامه‌های وی، رنگ ابتکار و نوآوری دارد و درین نمایشنامه‌ها به مسائل ملی و توده‌ای پرداخته است. وی سعی دارد آثاری تألیف کند که در برابر هر نوع تماشاگر قابل اجرا بوده و مقبول باشد. وی گوینداو، گروه خاصی از خوانندگان زن تشکیل داده بود و آهنگهای نمایشی خود را برای اجرا توسط آنان تنظیم می نمود. غالب نمایشنامه‌های وی کم‌دیهای عشقی است که با سبکی آسان و زودفهم و جالب برای تماشاگر تألیف شده‌اند.

نفر دوم یعنی «کونگ-شانگ-جن» مؤلف نمایشنامه‌ای است که شاهکار تأثر عصر تسینگ محسوب می شود: نمایشنامه «تائو-هوا-شان»^{۴۲} (بادبزی با شکوفه‌های گلابی). که داستان آن در شهر نانکن و در اواخر عصر مینگ اتفاق می افتد. در این نمایشنامه که با سبک و بیانی بسیار خوب تألیف شده، فضای پر از فساد و نابسامانی عصر، با دقت ترسیم شده است.

نمایشنامه‌ای با عنوان «چانگ-شنگ-تین»^{۴۳} (کاخ عمر دراز) اثر «هونگ-شنگ» مضامین مذهبی عصر تانگ را دوباره مطرح کرده اما به آن فضای شاعرانه خالصی بخشیده است. در پایان دوره «کین-لونگ»^{۴۴} تأثر مردمی و ملی بر هنر مجلل درباری اشراف پیشی می‌گیرد. سبک کهن «کون-کیو»^{۴۵} از صحنه خارج می شود و سبکی تازه به نام «ئول-هوانگ»^{۴۶} جای آن را می‌گیرد و این سبک خود موجد تأثر نوینی می شود که به نام «تأثر پکن» که هنری است توده‌ای و مردمی شهرت دارد و امروز نیز تأثر ملی سنتی چین بر مبنای همان تأثر پکن شکل گرفته است.

لازم به یادآوری است سال‌های طولانی جنگ که موجب سلطه و استقرار سلسله منچو شد تأثر دیگری را رواج داد که می توان آن را تأثر نظامی نامید، تأثری که فضا و درونمایه خود را از مضامین «رمان سه سلسله» اخذ نموده بود. در این تأثر صحنه‌های جنگ و درگیری به صورت رقصهای باله همراه با ریتم نظامی جنگجویانه نشان داده می شد. در سایر سبکهای تأثری رقص نقش عمده‌ای نداشته و رقصهای

رایج عصر تانگ بتدریج به حرکات سنتی تبدیل شد، حرکاتی که امروزه بخش اساسی تأثر چین را تشکیل می‌دهد. در این حرکات سنتی، شیوهٔ تکان دادن آستینها، دستها و پاها به گونه‌ای است که هر حرکتی معنای خاص خود را دارد (بیان احساس احترام، انزجار، اندوه و غیره...) در این تأثر برای نمایش اعمالی نظیر سوار شدن بر اسب، پیاده شدن، سوار شدن بر قایق، پارو زدن و غیره... اعمال سمبولیکی مرسوم است که کارگردان را از توسل به ابزار پیچیدهٔ صحنه معاف می‌کند. اصولاً وجود این نوع حرکات سمبولیک که برای حالات و موقعیتهای بی شماری انجام می‌شود از اختصاصات تأثر چین می‌باشد.

۴- رمان

در عصر تسینگ ملاحظه می‌شود که ادبا و نویسندگان به این نوع هنر علاقه نشان می‌دهند، به فایدهٔ حضور این هنر در جامعه پی می‌برند و بتدریج، زمان به صورت نیاز همهٔ طبقات جامعه جلوه می‌کند. این توجه و اهمیت تا بدان جا پیش می‌رود که منتقدان ادبی اعلام می‌دارند که یک رمان، مثلاً «شوه-هو-چوان»^{۴۷} به همهٔ آثار منشور گذشته می‌ارزد.

در نیمهٔ دوم قرن ۱۸ بود که یک شاهکار خلق شد و مورد اقبال فوق العاده‌ای قرار گرفت: رمانی تحت عنوان «هونگ-لئو-مونگ»^{۴۸} (رؤیای قصر سرخ). مؤلف این رمان عاشقانه و پیر احساس «تسائو-چان»^{۴۹} بین سال‌های ۱۷۱۹ و ۱۷۶۴ می‌زیسته است. ظاهراً فقط ۸۰ فصل اول آن را خود وی نوشته و ۴۰ فصل بعدی آن توسط شخص دیگر به نام «کائو-نگو»^{۵۰} در حدود سالهای ۱۷۹۱ و ۱۷۹۲ به آن افزوده است. این رمان بلند و پر حشو و زوائد و لبریز از اشارات و استعارات غیر قابل فهم، مانند اکثر رمانهای چینی به زبانی روان و یکدست نوشته شده و ضمناً ارزش شاعرانه و روان‌شناسی قابل ملاحظه‌ای دارد. ماجرای این رمان در یک خانوادهٔ بزرگ اشرافی اتفاق می‌افتد و قهرمانان اصلی آن دوازده دختر احساساتی و

خیال باف و تنها فرزند پسر خانواده بوده که وی نیز جوانی احساساتی است. برخی عقیده دارند که مؤلف در قالب این رمان در واقع به شرح زندگی خانواده خود پرداخته است. این کتاب، از زمان تألیف تا عصر حاضر، رمان محبوب طبقه جوان چین بوده است.

پس از انتشار رمان «رؤیای قصر سرخ» آثار دیگری تألیف شد که مضامین آنها یا احساساتی و عاشقانه بوده و یا به شرح زندگی زنان و آوازه‌خوانان درباری پرداخته‌اند. از جمله آثار «هان-پانگ-کینگ»^{۵۱} که به زبان محلی ناحیه «سو-چئو»^{۵۲} نوشته شده و به شرح ماجراهای زندگی زنان آوازه‌خوان شهر شانگهای پرداخته است.

در کنار این رمانهای عاشقانه، رمانهای انتقادی و اجتماعی نیز می‌بینیم، از جمله رمان «جو-لین-وای-شه»^{۵۳} اثر «وو-کینگ-تسه‌ئو»^{۵۴} (۱۷۰۱-۱۷۵۴) این کتاب در واقع نه رمانی به معنای متعارف کلمه، بلکه اشاراتی انتقادی و توصیفی است طنزآمیز از ادبای باشهرت کاذب، رجال قلابی و مذهب‌یون متظاهر: مؤلف در این کتاب با دیدی مستقل و نظری بی‌شائبه روشها و اخلاقیات زمانه خود را آشکارا به باد انتقاد می‌گیرد.

برخی دیگر از رمان‌نویسان این عصر به مسأله زنان پرداخته‌اند، از جمله «لی-جو-چن»^{۵۵} (۱۷۶۳-۱۸۳۰) در یکی از آثار خود تحت عنوان «کینگ-هوا-یوان»^{۵۶} مسافر خیالی خود را به جزیره‌ای هدایت می‌کند که همه ساکنان آن زنند و با توصیف زندگی آن و شرح ماجراهایی، مسائل اجتماعی مربوط به زنان را مطرح می‌سازد. آخرین رمان بزرگ عصر تسین، داستانی است با عنوان «حماسه لائوتسان»^{۵۷} اثر «لیو-نگو»^{۵۸} (۱۸۵۴-۱۹۰۹). این اثر از لحاظ دقت توصیف و دید رئالیستی آن بسیار اهمیت دارد.

توجه به تألیف رمانهای مفصل خلق و تألیف قصه‌های کوتاه را متوقف نکرد و مجموعه‌هایی در این زمینه انتشار یافت که مشهورترین آنها دارای عنوان «قصه‌های

51 - Han pang k'ing 52 - Sou - tcheou 53 - Jou lin wai che. 54 - Wou king - tseu

55 - Lijou tchen 56 - King houa yuan 57 - Lao ts'an 58 - Lieou Ngo

خیالی کارگاه نقاشی لیائو»^{۵۹} است. این مجموعه شامل بیش از سیصد قصه است که قهرمانان اصلی آنها ارواح بازگشته به میان زندگان گرگها و روباههای افسانه‌ای هستند. مؤلف این مجموعه «پو-سونگ-لینگ»^{۶۰} (۱۶۳۰-۱۷۱۵) در طول زندگی همواره در تماس نزدیک با توده‌های مردم بوده و قصه‌های بی‌شمار از آنها شنیده و سپس آنها را با سبکی زیبا، موجز و مورد علاقه ادبا و ادب‌شناسان بازسازی کرده است.

انقلاب ادبی

آخرین سال‌های حکمرانی سلسله تسینگ، در واقع ابتدای عصر تازه‌ای است که در آن انقلاب ادبی روی می‌نماید. نفوذ مغرب‌زمین تنها به حوزه‌های تکنیکی و تعلیمات مذهبی منحصر نمی‌ماند. روشنفکران پرشور و فعال به ستایش و ترغیب آموزشی نوین و ایجاد روحیه‌ای انتقادی و بازنگری به گذشته می‌پردازند.

مدتها بود که تنها نمایندگان مغرب‌زمین (اروپا) در کشور پهناور چین مبلغان مسیحی، تجار و ثروتمندان مهاجر بودند و تنها متون مورد توجه دولت منچویا کتب مقدس مذهبی بود و یا رساله‌هایی در زمینه هنر جنگاوری و فنون نظامی. اما در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیست، کتب دیگر غربی نیز به چین راه یافت به خصوص در شانگهای به وفور در معرض دید و توجه عموم قرار گرفت. از طرفی دانشجویانی که از اروپا و یا از ژاپن بازگشته بودند، با هنر و ادبیات مغرب‌زمین آشنا بودند. یکی از آنان به نام «ین-فو»^۱ (۱۸۵۲-۱۹۲۱) با آثار فلاسفه انگلیس آشنا شده و در مراجعت به وطن نوشته‌های هاکسلی، اسپنسر و جان استوارت میل را به زبان چینی

ترجمه نمود. این ترجمه‌ها بسرعت مورد اقبال و توجه قرار گرفت و روشنفکران و ادبا متوجه شدند که مغرب زمین تنها از نظر مادی پیشرفته نیست بلکه ادبیات و هنری غنی و پربار نیز دارد.

مترجم فعال دیگری در این دوران «لین-شو»^۲ است (۱۸۵۲-۱۹۲۴) این جوان فعال، بدون آن که خود به هیچ زبان اروپایی آشنا باشد انبوهی از آثار ادبی و فکری غرب را ترجمه کرد: ۹۳ رمان انگلیسی، ۲۵ رمان فرانسه، ۱۹ رمان آمریکایی و ۶ رمان روسی. روش کار وی چنین بود که این آثار را به کسانی که انگلیسی، فرانسه یا روسی می‌دانستند می‌داد که بسرعت بخوانند و یک برگردان شفاهی از آن را برای او بگویند و او نیز یافته‌های خود را به زبان مکتوب درمی‌آورد. در سایه این تمهید بود که طبقات باسواد و کتابخوان چین با آثار والتراسکات، دیکنس، ویکتور هوگو، آلكساندر دوما، تولستوی و بسیاری از داستان‌نویسان دیگر غرب آشنا شدند. علاوه بر اینها، دانشجویان چینی از طریق ترجمه‌های ژاپنی آثار غربی نیز اطلاعات خود را در این زمینه وسعت می‌بخشیدند و موج دیگری از ترجمه ژاپنی به چینی پدید آمد. نفوذ خط و زبان و فرهنگ غرب و ژاپن در تحول زبان و سبک بیان چینی نیز تأثیر فراوانی برجای گذاشت و بسیاری از کلمات و اصطلاحات غربی و ژاپنی راه خود را در زبان چینی باز کردند.

«انقلاب ادبی» که با نوشته‌های انتقادی دو نفر به نام‌های «کانگ-یو-وی»^۳ و «لئانگ-کی-چائو»^۴ مطرح شده و پا گرفته بود، در چهرهٔ اولین نمایندهٔ پیش‌تاز خود به نام «چن-تو-سیو»^۵ جلوه نمود. وی مجله‌ای با نام «نسل جوان» تأسیس کرد و در سال‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ اولین بیانیه‌های نهضت نوین را به چاپ رساند. این معلم جوان که بتازگی از آمریکا بازگشته بود افکار انقلابی خود را در نوشته‌های ادبی بیان و تبلیغ کرد. وی از نویسندگان و ادبا خواست که از به کار بردن اصطلاحات، استعارات و کلمات قصار مقتبس از کلاسیکها اجتناب کنند، سنتهای ادبی دست و پاگیر و زبان پرتعقید گذشتگان را رها کرده و افکار عقاید و

تجارب خود را در قالب زبان مردم، زبان رایج روزمره بیان کنند. این نهضت جدید که در واقع توسط «چن-تو-سیو» و «هوشه»^۶ در مقیاس ملی منتشر و معرفی شد به نام «موج نو» مشهور شد. این نسل نوآور از روشنفکران خواستند که با سبکهای قالبی گذشته قطع رابطه نمایند و فقط به رمانها، تأثرها و ادبیات و هنری اعتنا کنند که به زبان محاوره‌ای بیان شوند و همین نوع آثار را به عنوان آثار ملی به شمار آورند. در این مقوله، چندین سال بین ادبا و دانشگاهیان جدال قلمی تندی برپا بود تا عاقبت گروههای نوآور برنده این میدان مبارزه شدند و در سال ۱۹۲۰ نظریات آنان در نظام آموزشی کشور پذیرفته شد: زبان محاوره‌ای در مدارس ابتدائی راه یافت. دوفنر اخیرالذکر و برخی دیگر از دانشگاهیان و روشنفکران طرفدار آنها در معرض تهدید و توقیف قرار گرفتند اما به سبب حمایت پاره‌ای از رجال متنفذ دانشگاهی، گرفتار نشدند. لهجه پکن به عنوان زبان ملی در مدارس آموزش داده شد و طولی نکشید که در همه جای مملکت از این برنامه استقبال شد. هم‌زمان، نشریات و مجلات بی‌شماری ظاهر شدند. در این نشریات از افکار نوین، از زبان محاوره‌ای و از تحرک فرهنگی نوین با شدت و حرارت دفاع می‌شد. انتشار این همه نشریه و مجله جدید خود، فضایی تازه خلق کرده بود زیرا در گذشته، در سراسر کشور پهنای چین تنها یک جریده به نام «نشریه پکن» وجود داشت که نوعی «روزنامه رسمی حکومتی» به شمار می‌آمد. در ۱۸۱۵ بود که یک نشریه ادواری مورد استقبال عموم قرار گرفت و آن هم به همت میسیونرهای مسیحی پروتستان منتشر می‌شد و تنها چهل سال بعد از انتشار این نشریه بود که بتدریج در بنادر بزرگ چین تعدادی روزنامه محلی به زبان چینی تأسیس شد. «هوشه» برای آن که اثبات نماید که زبان چینی محاوره‌ای توانایی بیان همه نوع فکر و احساس را دارد و می‌تواند زبان انواع گونه‌گون ادبی گردد، خود به همین زبان دست به تألیف کتابی زد با عنوان «طرح تاریخ فلسفه چین» که در ۱۹۱۹ انتشار یافت. این اثر با موفقیتی چشمگیر روبرو شد و سرمشق دیگران قرار گرفت و طولی نکشید که مقالات علمی فراوانی به این زبان و یا لاقلاً

به زبانی مرکب از سبک محاوره‌ای و سبک نوشتاری نگاشته شد. «هو-شه» و یارانش برآستی متفکرینی هشیار آگاه به تاریخ و ادب کشور خود بودند و نه فقط بر زبان محاوره تسلط داشتند، بلکه به خوبی با سبک و بیان زبان کلاسیک رسمی نیز آشنائی داشتند. مسأله اقبال از سبک زبان گفتاری در بیان فکر و اندیشه چنان بالا گرفت که تعداد معتنابهی از رمان‌نویسان، شاعران و ناقدان آثار زیادی با این زبان خلق کردند. این تحوّل عظیم در سراسر تاریخ چین بی سابقه بود. باید اذعان کرد که با وجود وسعت تألیفات تازه و پراکندگی مضامین و مقولات (که منعکس‌کننده وضع اجتماع است)، تعداد آثاری که ارزش بالایی داشته باشند نادر و انگشت‌شمارند. یکی از علل بروز این وضعیت آن بود که نوآوران، در گروه‌ها و جمعیت‌های گونه‌گون گردهم آمده بودند و بیشتر اوقات آنان صرف مجادلات قلمی بیهوده می‌شد. عاقبت پیشاترین و توان‌ترین این نوآوران جمعیتی به نام «جامعه نویسندگان چپ‌گرا» به وجود آوردند. این جمعیت ضرورت خلق ادبیاتی پرولتاریایی را اعلام نمودند. بدین سبب است که از سال ۱۹۲۵ به بعد گرایش به مارکسیسم در ادبیات چین غالب است. حکومت بیهوده در صدد مبارزه با آن برآمد تا به جایی که در ۱۹۳۰ دست به فشار و سرکوب نویسندگان نوگرا زد که البته نتیجه این اقدامات خشن جدایی روشنفکران ممتاز از این نهضت بود.

یکی از برجسته‌ترین و متنفذترین نویسندگان نهضت «انقلاب ادبی» شخصی به نام «چئو-شو-جن»^۷ بود که بیشتر با نام مستعارش «لو-سیون»^۸ (۱۸۸۱-۱۹۳۶) شهرت داشت. وی در عصر پراشویی از تاریخ چین می‌زیست. عصری که جامعه چین به صورتی دردناک مجبور به ترک سنت‌های هزاران ساله می‌شد. زندگی این نویسنده آینه‌آشفته‌گی و شورش نسل روشنفکران معاصرش بود. وی که مصمم بود در جرگه صاحب‌منصبان حکومتی چین در نیاید، سال‌ها در مورد انتخاب رشته تحصیلی مردّد بود و عاقبت، بعد از تردیدهای طولانی تصمیم گرفت در ژاپن به تحصیل طب بپردازد. اما باز راه خود را تغییر داد و خود را وقف ادبیات کرد، اما ادبیاتی نوین که

به قول خودش می‌بایست هم‌وطنانش را از رخوت و رکود نجات دهد. چیزهایی نوشت اما با موفقیت روبرو نشد تا این که در ۱۹۱۸ داستان کوتاه وی تحت عنوان «خاطرات یک دیوانه» مورد اقبال و توجه اهل کتاب قرار گرفت. وی در این اولین داستان مهم خود آیین کنفوسیوس را بشدت مورد حمله قرار داد. پس از آن ناولهای دیگری از وی به چاپ رسید که همه آنها با سبکی رئالیستی تحریر شده بود. مشهورترین این ناولها «داستان واقعی آه کیو»^۹ است که شرح سرگذشت دلخراش جوانی فقیر و روستایی است. این ناولها بعداً در دو مجموعه با عنوانهای «ناهان»^{۱۰} (فریادها) و «پانگ هوانگ»^{۱۱} (دودلیها) انتشار یافت. یکی از فعالیتهای عمده «لو-سیون» در فاصله سالهای ۱۹۲۷ و ۱۹۳۰ جدالهای قلمی است و مقالات انتقادی بسیار نیشدار و بی ملاحظه‌ای از وی منتشر شد. ناولهای «لو-سیون» نیز بیشتر رنگ انقلابی و جدال‌آمیز دارد که در آن جامعه کهن چین بی محابا به باد انتقاد گرفته شده است. هدف وی آن بود که اعتقادات خود را به نسل جوان بقبولاند و در این راه نیز موفق شد. این روشنفکر انقلابی هم در زمان حیات و هم بعد از مرگ از شهرت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود و باید اضافه کنیم که وی علاوه بر آثار مذکور مؤلف کتاب عمده‌ای است به نام «تاریخ داستان‌نویسی در چین».

نویسندگان چپ‌گرای دیگری نیز در این تحول بسیار مؤثر بودند از جمله «کئو-موجو»^{۱۲} (متولد ۱۸۹۱). او نیز مانند «لو-سیون» در ژاپن به مطالعه پزشکی پرداخت اما بعد به ادبیات روی آورد و خود را وقف این رشته کرد. وی که شاعر، داستان‌نویس و نمایشنامه‌نویس بود از سال ۱۹۲۵ وارد فعالیتهای سیاسی شد که در نتیجه آن ناگزیر به فرار از کشور شد و از سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۶ در ژاپن به حال تبعید به سر برد. در دوران تبعید به مطالعه در تاریخ باستان و نوشتن و نشر کتب علمی پرداخت. بلافاصله بعد از استقرار جمهوری خلق چین به خدمت دولت درآمد و پستهای مهمی را اداره نمود و در کار دولتی نیز لیاقت و شایستگی خود را نشان داد. نویسندگانی نظیر «مائو-توئن»^{۱۳} و «پا-کین»^{۱۴} نیز در شمار نویسندگان این

9 Ah Q 10 - Nahan 11 - Pang houang 12 - Kouo Mo-jo 13 - Mao - touen

14 - Pa - kin

عصر هستند که آثارشان تأثیر عمیقی بر فکر و روح جوانان گذاشت. اولی که در سال ۱۸۹۶ متولد شد. خود را مرید و پیرو امیل. زولا و تولستوی معرفی می‌کرد و دومی خود را مرید کروپوتکین^{۱۵} اعلام نمود. هردوی آنها تلاش می‌کردند که رنج‌ها و زخم‌های عمیقی که جامعه و خانواده را آزار می‌دهد و نزاع‌هایی که دوندگی را از هم جدا کرده بود ترسیم نمایند. لذا، اگرچه امروزه دیگر آثار آنها از نظر سبک و بیان کهنه و منسوخ به شمار می‌آیند. اما از لحاظ تصویر و تبیین جامعه زمان خود، جزو مدارک معتبر تاریخی هستند. البته تنها آثار این دو تن نیست که تصویرگر زمانه خویش اند بلکه غالب رمان‌های نوشته شده در عصر انقلاب ادبی، محتوی همین مضامین هستند: آشفتگی‌های روحی، سرخوردگی و سرگردانی طبقه جوان که تنها آرمان خود را در انقلاب و واژگونی کامل نظام سنتی می‌داند. و جالب است بدانیم که تصاویر این جوانان سرخورده غالباً در آثار زنان رمان‌نویس به چشم می‌خورند از قبیل: «لویین»^{۱۶}، «تینگ لینگ»^{۱۷} و «پینگ-سین»^{۱۸} شخص اخیر، اگرچه آثار خوش‌بینانه‌تر و معتدل‌تری نوشت اما مانند همکاران انقلابی‌اش به شهرت و موفقیت دست یافت. اما در آثار این سه نفر همان مضامین با شدت و ضعف متفاوت منعکس است: جوانانی که از سنتها بریده ولی هنوز قادر به تطبیق خود با دنیای آشفته جدید نیستند، جوانانی که در آنها روحیه خشونت، یأس و سرخوردگی تا حد بیماری روانی شدت یافته. برای کسانی که بخواهند درباره واقعیات و مسائل این مقطع زمانی تحقیق کنند، آثار این رمان‌نویسان مدارک ارزنده‌ای به شمار می‌آیند.

دوران انقلاب علاوه بر رمان‌های رئالیستی، شکل ادبی دیگری نیز دارد و آن تأثر به سبک و سیاق غرب است. در این سال‌ها، آثار ایبسن، درام‌نویس نروژی ترجمه شد اما چندان مورد استقبال قرار نگرفت و توده مردم هنوز علاقه‌مند به اپرای سنتی چین بودند. مع‌هذا در شهرهای بزرگ، گروه‌ها و مجامع هنری، بر سیاق تأثر

۱۵ - Kropotkine (۱۸۴۲-۱۹۲۱) افسر، جغرافیدان و انقلابی روس. وی در ابتدا به مارکسیسم گروید

ولی بزودی به صورت یکی از نظریه‌پردازان و طرفداران آناشیشم درآمد. بخش عمده‌ای از زندگی خود را در تبعید (در فرانسه و انگلیس) گذراند.

غرب نمایشنامه‌هایی نوشتند و به معرض تماشا گذاشتند و چندی نگذشت که درام‌نویسان نسل نوبه تألیف آثار اصیل چینی روی آوردند و به سنتهای کهن عطف توجه نمودند. از میان این نمایشنامه‌نویسان دو تن از شهرت بیشتری برخوردارند: «تین-هان»^{۱۹} (متولد ۱۸۹۸) و «تسائو-یو»^{۲۰} (متولد ۱۹۰۵) که شخص اخیر ظاهراً بیشتر تحت تأثیر تراژدیهای یونانی است.

در طول سالهای جنگ جهانی و در آستانه تأسیس جمهوری خلق چین گروههای متعدّد هنری در استانها و دور افتاده‌ترین شهرها تشکیل شد و بخصوص در مناطق آزاد شده نمایشنامه‌های ملی میهنی به سبک تأثر غربی نشان می‌دادند و تماشاگران از همه طبقات: کارگر، کشاورز، سرباز و جوانان شهرنشین از این آثار استقبال کردند. امروزه نیز که سالها از استقرار در نظام کمونیستی در چین می‌گذرد، مردم علاوه بر آن که از تأثر سبک غربی بخوبی استقبال می‌کنند اما علاقه خود را به تأثر سنتی چین نیز از دست نداده‌اند.

درام چین معاصر نشانگر آگاهی از این ضرورت است: رها شدن از بخشی از تمدن چند هزار ساله و تلاش برای ایجاد جامعه‌ای نوین و سازگار با الزامات قرن. اگرچه همین ایده آل در ژاپن به تحقق پیوست اما در چین با شکست روبرو شد. چین نتوانست بین سنتهای گذشته و ضروریات حال آشتی برقرار کند. روشنفکران چین تمام کوشش و علاقه خود را در جهات عملی کردن به اصطلاح پیشرفته‌ترین نظریه‌های قرن بیستم مصروف کردند و بر مبنای مکتب چپ گرای افراطی به تأسیس حزب کمونیست چین دست زدند. چنان که «چن-توسیو»^{۲۱} که از نمایندگان برجسته انقلاب ادبی بود. در پایه‌گذاری حزب کمونیست چین نیز نقش اول را داشت. نباید فراموش کرد که حزب کمونیست، در ابتدا خود را یک مجمع مخصوص ادبا و نویسندگان معرفی کرد اما سیر وقایع به گونه‌ای بود که حزب رنگ سیاسی گرفت و در مقابل نویسندگان روشنفکر قرار گرفت. امروزه نظام حکومتی چین جز ادبیات سیاسی و تبلیغی هیچ گرایشی را تحمل نمی‌کند و کسی نمی‌تواند

پیش‌بینی کند که این محدودیت و عدم مماشات نظام با هنر تا چه زمان ادامه خواهد یافت.^{۲۲}

کتابنامه

- Anthologie de la poésie chinoise classique*, sous la direction de P. DEMIEVILLE, Paris, 1962.
- L. C. ARLINGTON. *Le théâtre chinois*, Pekin, 1935.
- Aspects de la Chine*, Publications du Musée Guimet, Paris, 1959.
- J. P. BRUCE, *Chu Hsi and his masters*. Londres, 1923.
- Ed. CHAVANNES, *Les Mémoires historiques de Sseu-ma Ts'ien*, traduits et annotés, Paris, 1895-1898.
- CH'EN SHOU-YI, *Chinese Literature*, New York, 1961.
- F. S. COUVREUR, traduction des cinq classiques : *Chou king, Che king, Tch'ouen ts'ieou et Tso tchouan, Li ki, Yi li et des Quatre Livres*, Ho-kien fou, 1911-1913.
- J.-P. DYENY, Les dix-neuf poèmes anciens (*Bulletin de la Maison franco-japonaise*, n. s., t. VII, 4).
- FENG SHU-LAN, *La Technique et l'histoire du ts'eu*, thèse, Paris, 1935.
- H. A. GILES, *A History of Chinese Literature*, Londres, 1901 ; réimp. New York, 1958.
- A. C. GRAHAM, *The Book of Lieh-tzu*, Londres, 1960.
- M. GRANET, *Fêtes et chansons anciennes de la Chine*, Paris, 1919.
- *La Pensée chinoise*, Paris, 1934.
- *La Religion des Chinois*, Paris, 1922.
- D. HAWKES, *Ch'u Tzu, The Songs of the South*, Oxford, 1959.
- Y. HERVOUET, *Un poète de cour sous les Han : Sseu-ma Siang-jou*, Paris, 1964.
- J. R. HIGHTOWER, *Chia Yi • Owl fu •* (Asia Major, 7).
- SUNG-NIEN HSU, *Anthologie de la Littérature chinoise des origines à nos jours*, Paris, 1933.
- E. R. HUGHES, *The Art of Letters : Lu Chi's • Wen Fu •*, New York, 1951.
- W. HUNG, *Tu Fu, China's greatest poet*, Cambridge, 1959.
- M. KALTENMARK, Littérature chinoise, dans *Les Littératures*, t. I, Encyclopédie de la Pléiade, Paris, 1953.
- *La Philosophie chinoise*, « Que Sais-je », n° 707, Paris, 1972.
- LAI MING, *A History of Chinese Literature*, New York, 1961.

۲۲ - اطلاعات جامع‌تر و مفصل‌تر مربوط به ادبیات و هنر دوران چین کمونیست در کتاب دیگری از همین مجموعه

«چه میدانم» آمده است. عنوان این کتاب «چین توده‌ای» و نوشته «ج-گیلرماز» (J. Guillermaiz)

می‌باشد.

- J. LEGGE, *Texts of Confucianism, Sacred Books of the East*, Londres, 1879-1885.
- *Chinese classics*, t. I, *Confucian Analects, the Great learning and the Doctrine of the Mean*; t. II, *Mencius*; t. III, *The Shoo king*; t. IV, *The She king*; t. V, *The Ch'un ts'iu and the Tso chuan*, Hongkong et Londres, 1860-1873.
- J. Y. LIU, *The Art of Chinese Poetry*, Chicago, 1962.
- LIU WU-CHI, *An Introduction to Chinese Literature*, Londres, 1966.
- G. MARCOULIÈS, *Le Kou-wen chinois, recueil de textes avec introduction et notes*, Paris, 1926.
- *Le Fou dans le Wen-suan*, Paris, 1926.
- H. MASPERO, *La Chine antique*, Paris, 1927.
- J. PRUSEK, *La nouvelle littérature chinoise* (*Archiv Oriental*, 27, pp. 76-95).
- A. C. SCOTT, *The Classical Theatre of China*, Londres, 1957.
- YU-CHUNG SHIH, *The Literary Mind and the Carving of Dragons* by Liu Hsieh, New York, 1959.
- MIEN TCHENG, *Le Théâtre chinois moderne*, Paris, 1929.
- *Répertoire analytique du théâtre chinois moderne*.
- F. TOKET, *Naissance de l'Épique chinoise*, Paris, 1967.
- A. WALEY, *The Poetry and Career of Li Po*, Londres, 1950.
- *The Life and Time of Po Chü-i*, Londres, 1949.
- *Three Ways of Thought in Ancient China*, Londres, 1939; trad. DENIKER, *Les trois courants de la pensée antique*, Paris, 1949.
- B. WATSON, *Early Chinese Literature*, New York et Londres, 1962.
- WONG WEN-PO, *Tao Yuan-ming*, thèse, Paris, 1934.
- KANG WOO, *Histoire de la Bibliographie chinoise*, Paris, 1938.